



# پیام فدائی

هرک برای پریالیسم  
و سگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پناه ۱۰۰۱ اردیبهشت

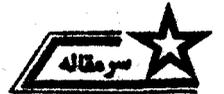
خرداد و تهر ۶۹ - ۵۲ صفحه

سال پنجم شماره ۳۳

## حزب دمکرات و لرحام جنگ با کومله

دیگر با آنان « جنگی » ندارد.  
مسئله برای هر کسی که حتی کمترین  
شناختی از مواضع تاکتی حزب دمکرات  
نسبت به جنگ با کومله و برخورد های  
بنهایت غیر دمکراتیک این حزب نسبت  
به دیگر نیروهای مبارز حرکت کننده  
در جنبش خلق کرد نداشته است. قبل  
از هر چیز این سؤال مطرح می گردد که  
در صفحه ۸

پس از گذشت ۵ سال از ترکبیری  
خونین و غیر انقلابی بین حزب دمکرات  
کردستان ایران و سازمان کردستان  
حزب کمونیست ایران (کومله)، در  
تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه سال جاری  
دفتر سیاسی حزب دمکرات در بهاسی  
خطاب به پیغمبران این حزب از عدم  
لزوم برخورد مسلحانه با کومله سخن  
گفته و با ذکر دلایلی اعلام داشت که



## بازگشت سلطنت :

### شعاری ارتجاعی

بدنبال تظاهرات مردم تهران که  
به بهانه اعتراض به لغو مسابقه فوتبال  
در ۲۷ بهمن ماه سال گذشته روی داده در  
ماه های اخیر شاهد تظاهرات جزقه وار مختلفی  
در سطح کشور بوده ایم.  
عکس گیری چنین تظاهراتی که در بستر  
تشدید بحران در نظام سرمایه داری وابسته  
ایران و در اعتراض به عریاضت زبستی  
ناهنجار و اختنای و دیکتاتوری حاکم  
صورت گرفته، قبل از هر چیز بیانگر  
احتضار و ورعکستگی نظام حاکم و  
پیشبرندگان و حامیان این نظام یعنی  
امپریالیسم و سگ زنجیر رژیم جمهوری  
اسلامی می باشد که علیرغم توسل به  
ننگین ترین جنایات دهنشانه در حق  
توده های تحت سلطه ما و بکارگیری  
انواع تمهیدات ارتجاعی قادر به  
پیشگیری از آن نبوده اند. در صفحه ۲

## نگاهها به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۳

(قسمت آخر)

## گزیده هایی از صدای چریکها

در صفحه ۳۳

## اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با فاجعه زلزله در استانهای

گیلان و زنجان

در صفحه ۱۸

(قسمت آخر)

## گزارش هیات تحقیق در خدمت تظاهرات

رویم جنایتکار جمهوری اسلامی

در صفحه ۵۲

### در صفحات دیگر :

- ۲۰ - گفته ها و نکته ها
- ۲۲ - عصر
- ۲۴ - اخبار و گزارش های خبری
- ۴۰ - ایران از درجه آمار
- ۴۶ - گرانی از زبان ارقام
- گزارشی از اوضاع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان ۴۷

# زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

## بازگشت سلطنت : شعاری ارتجاعی

از صفحه ۱

توده‌های دلاورما در این تظاهرات در حالیکه خشم و کین خود را نسبت به وضع موجود ابراز می‌داشتند روحیه مبارزاتی و وقوف خود به ضرورت سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی برای تحقق خواستهای برحقان را نیز به نمایش درآورده و بتانسیل انقلابی خود را در مقابل دید همگان قرار دادند. شعارهای مرگ پررژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر خاسته‌ای، مرگ بسر رفسنجانی در این نمایش اعتراضی طنزین اندازه و علاوه بر آنگار ساختن انزجار توده‌ای از رژیم و سردمداران مزدور، این حقیقت را نیز گواهی داد که تبلیغات دستگاه‌های امپریالیستی که بخصوص پس از مرگ خمینی جلا بر لرژیم و بویژه به نفع رفسنجانی جهت فریب توده‌های ستم‌دیده ما سازمان داده شده است، آنقدرها هم در آنها کارساز نبوده و علی‌رغم همه کوشش‌های تبلیغاتی امپریالیستی، توهم "معجزه" رفسنجانی در بستر شرایط زندگی توده‌ها به ضد خود تبدیل گردیده است. برچین اساسی و درست با مشاهده آگاهی انقلابی جاری در این تظاهرات بود که وحدت سرپای رژیم جمهوری اسلامی را فراگرفت. اگر توده‌های ستم‌دیده ما که کمرشان زیر بار مظالم سیستم سرمایه‌داری وابسته خم گدته و مظاهر نکبت بار این نظام همچون بیکاری، گرانی اجناس و اختناق گسترده،

کارد به استخوانشان رسانده است، در هر کجا و هر زمان که امکانی وجود داشته فریاد اعتراض خود را بر علیه جمهوری اسلامی به مثابه حافظ نظام سرمایه‌داری وابسته بلند می‌کنند؛ اگر این تظاهرات استقامت، روحیه مبارزه جویانه و سطحی از آگاهی انقلابی توده‌ها را بنمایش گذاشت، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خویش می‌بایست در مقابل آن از خود عکس‌العمل نشان دهد و سریعاً نیز چنین کرد. سازماندهی طرح ظفر یک و سپس ظفر ۲ به بهانه مبارزه با قاچاق مواد مخدر عکس‌العمل بلافاصله رژیم در مقابل اولین تظاهرات اعتراضی توده‌ها به شرایط نهمتناک زندگی خود بود. ولی علی‌رغم اینکه هدف از اجرای این طرحها جلوگیری از مبارزات توده‌ها، با بنمایش گذاشتن قدرت سرکوب رژیم و ایجاد فضای رعب و وحشت هر چه بیشتر در جامعه بود و در طی آنها صدها بست با زوری در نقاط مختلف کشور ایجاد شد و هزاران نفر در سطح شهرها بوسیله پاسداران جمهوری اسلامی کنترل و بعضاً بازداشت گردیدند، ولی توده‌های به جان آمده و مبارز واقعی به این تمهیدات ضد انقلابی ننهاد و همچنان در مقابل رژیم باینداری نمودند. طرح مبارزه با منکرات و بدحجابی طرح سرکوبگرانه دیگری بود که رژیم با وسعت یابی تظاهرات اعتراضی توده‌ها به بهانه

مبارزه با بدحجابی پراه انداخت و در حالیکه کوشید بدین نحو در ادامه سیاست مداخله در خصوصی‌ترین امور توده‌ها، لبه تیز حملات آنان را متوجه امور فرعی نظیر حجاب و غیره نموده و سیستم سرمایه‌داری وابسته به مثابه عامل اصلی ادبار خلق را از آماج خشم و نفرت توده‌ها مومن نگه دارد، به سرکوب و ارباب توده‌های مبارز نمود که بی محابا ژ-۳ بدستان جمهوری اسلامی را به مسخره گرفته و تا آنجا که برایمان مقدور است، سیاستهای ارتجاعی رژیم را با مبارزات خویش به شکست کشانده‌اند. نمونه مقاومت توده‌ای در شیراز، سننج، تهران و اصفهان و تجمع مبارزاتی مردم بر علیه وحشیگری‌های ایادی رژیم بخصوص در مورد زنان آزاده میهنمان که بصورت تیغ کمی و اسیدبازی اراذل و اوباش حکومتی و مزاحمت‌های دیگر توسط پاسداران و خواهران زمین‌به‌نمایش درآمدن بوده، بیش از پیش بی‌شماری صرف شیوه‌های ارباب و سرکوب جهت خاموش ساختن اعتراضات توده‌ای و پایان دادن به تظاهرات خصماگین آنان را آشکار ساخت. البته رژیم درمانده و وحشت‌زده جمهوری اسلامی همراه با سرکوب مبارزات توده‌ها به مانورهای نیز می‌بارت نمود. بهمین دلیل نیز بود که پس از مواجهه با اولین تظاهرات توده‌ای، در حسین توسل به سرکوب و ایجاد رعب و وحشت

نرمیان توده‌ها به افزایش حداقل دستمزد کارگران (اگر چه تنها به میزان ۱۷ تومان) و دو برابر کردن حقوق بازنستگان، افزایش حقوق کارمندان دولت و پرداخت عیدی به آنان، تن دادن و حتی در جریان اعتراض کارگران نوپ- آهن در اسفند ماه سال گذشته در مورد عدم پرداخت عیدی به آنان، سرعسا عقب نشست و یا در موردی دیگر طوسی بخش نامه‌ای خطاب به نیروهای سرکوبگری از آنها خواست ضمن افزایش کنترل مردم، هدیه‌ها مراقب خود باشند. یکی نیست که تظاهرات تسوده‌ای اخیر بیان اعتراض توده‌ها به شرایط طاقت فرسائی است که نظام سرمایه‌داری وابسته در شرایطی که در بحران عمیق غوطه‌ور گشته، برای مردم ستمیده مسا بوجود آورده است و این نیز حقیقی است که همانطور که هر چه رفت توده‌های دلاور ما با برپائی چنین تظاهراتی و در طی آن، حد والای از پتانسیل مبارزاتی و سطحی از آگاهی انقلابی خود را که در عمارهائی نظیر مرگ برخامنه‌ای، مرگ بر رنسنجانی و مرگ پرورزم جمهوری اسلامی منعکس گردیده بوده به عیان آشکار ساخته‌اند، مهمنا باید گفت در تظاهرات ۲۷ بهمن و در مواردی در حرکت‌های اعتراضی دیگر بطور تاسف‌بار عمارهائی بگوش رسیده که شنیدن آنها برای هر نیروی آگاه انقلابی و هر آزادیخواهی که قلبی برای رهایی کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های تحت سلطه از قید جور و ستم امپریالیسم و سگان زنجیرهای می‌پاییده بسی دردناک بود. این موضوعی است که ما نهلا بیان پرداخته و قسمت بعدی مقاله خود را بدان اختصاص داده‌ایم.

نکته تاسف بار تظاهرات ۲۷ بهمن و همانطور که گفتیم بعضی حرکات اعتراضی دیگر که تبلیغات امپریالیستی بسیار روی آن تاکید کرده و با برجسته نمودن آن حتی کوشیدند کل حرکت اعتراضی توده‌ها را از محتوای واقعی خود تهی سازنده عمارهائی بسود که در این تظاهرات به نفع بازگفت سلطنت داده شد.

گرچه شنیدن عمارهائی به نفع سلطنت طلبان، این ایادی سینه چاک امپریالیسم و جانپان رسوای رانده شده از قدرت، در یک تظاهرات توده‌ای، امر دلخراشی است ولی از آنجا که صورت واقعیت به خود گرفته - هر چند در محدوده‌ای و هر چند با تلاش‌هایی روزی سازمان‌سپا بر علیه توده‌های رنج‌دیده ما - نیروهای انقلابی باید به آن توجه نموده و ضمن توضیح مفهوم این عماره‌ها و تشریح دلایل بوجود آمدن این وضع به مقابله با آن برخیزند.

عمار به نفع بازگفت سلطنت عمارتی ضد انقلابی است. این عمار حتی اگر از طرف یک کارمند دولت، یک آموزگار مدرسه و یک جوان ناسمجو یا دانش‌آموز و غیره که نسبت به سلطنت و ماهیت سلطنت طلبان در توهم بوده و در ناآگاهی بسر می‌برند سر داده شده عمارت به نفع مفتی از ایسادی و مزدوران وامانده امپریالیسم. عمار به نفع کسانی است که وقتی بر سر قدرت تکیه زده بودند جز فقر و فلاکت و بدبختی ارمغان دیگری برای خلقهای ستمیده ما نداشتند. کسانی که با اعمال دیکتاتوری وحشیانه و بساط جنسان اختناق را بر فضای میهن ما گسترده که هر فریاد ناد خواهی را در گلو خفه می‌کرد. کسانی که جنایات بی‌شمارانه

در حق کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های رنج‌دیده ماه در تاریخ ثبت گفته کسانی که ساواک امریمنی امان خون بهترین فرزندان این آب و خاک را بر زمین ریخت و خانواده‌های بسیاری را ناگذار نمود؛ کسانی که شکنجه‌های ساواک‌ها در دینزل آبادها، گوردهشت‌ها و عادل‌آبادها و اوین‌ها رسوای عام و خاص است؛ کسانی که اگر امروز چهره به اصطلاح کمکرات به خود گرفته‌اند، فقط از آنروست که اربابان امریکائی - شان برای نجات سستم ظالمانه سرمایه‌داری وابسته از آماج حملات دلیرانه خلقهای ماه پلرتاجدارسان را چون "موش مرده‌ای" به بیرون برتاب کردند و اکنون دست آنان از قدرت کوتاه گشته است.

عمار به نفع بازگفت سلطنت عمارتی ارتجاعی است. عمارتی است که رو بسوی قهقرا دارد و همخسوان تکامل تاریخ نیست. عمارتی که رجعت به گذشته تاریک و نکبت بار را در مقابل خود نهاده و می‌کوشد چشم اندازهای تابناکی را تیره و تار سازد که خلقهای رزمنده ما در فریاد بیروزی مبارزاتمان به رهبری طبقه کارگر رویاروی خود دارند.

تجربه تلخ و سراپا ننگ و جنایت سلطنت ۵۰ ساله بهلوی در ایران تجربه‌ای نیست که خلقهای آگاه و مبارز ما آنرا فراموش کرده باشند. این خاندان که اساسا در بسی سیاست نواستعماری امپریالیسم، بدست امپریالیست‌های خونخوار به قدرت رسیدند، از همان آغاز عهده دار انجام یک وظیفه مسا به عبارت دیگر یک رسالت در جامعه ما بودند که همانا کوشش در گسترش نفوذ

ضد خلقی و مزدوری چون جمهوری اسلامی الزامی می‌نمورد. بنا بر این علیرغم یکسانی ماهیت رژیم جمهوری اسلامی با رژیم مزدور شاه، علیرغم اینکه هر دوی این رژیمهاست نه‌اند و خادم امپریالیسم بوده و ارتش، بمثابه ارگان نظامی دست ساز امپریالیست‌ها در ایران تکیه گاه هر دو رژیم و ابزار دست آنان در سرکوب خلق بوده است و علیرغم اینکه هدف و جهت همه سیاست‌ها و اعمال این رژیمها بر علیه زحمتکشان و همه توده‌های دربند بوده و می‌باشد ولی تفاوت در شرایط زمامداری این دو رژیم چه بلحاظ ابعاد بحران گریبانگیر سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران و چه از جنبه وسعت حضور توده‌ها در صحنه مبارزه باعث تفاوت در چگونگی پیگیری سیاست‌های امپریالیستی توسط این رژیمها گشته و در عمل کردهای ضد انقلابی آنان و در شدت و وسعت جنایات هر یک از آنها در حق توده‌ها تفاوت‌هایی را بوجود آورده است.

اگر بحران نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم در دوره شاه در ابعاد کنونی نبوده بنا بر این مطالب اجتماعی ناشی از این نظام نیز در آن زمان به نسبت هولناکی که خلقهای ما تحت حاکمیت رژیم منفور جمهوری اسلامی با آن مواجه‌اند، نبوده و بعد کمتری ناپدید است. اگر مبارزه توده‌ها در آنزمان در محدوده خاصی جریان داشت، چهره جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم شاه نیز در همان محدوده خود را آشکار ساخته بود. در حالیکه این رژیم نیز هر زمان که با جنبش وسیع توده‌ای مواجه می‌گشت، دامنشی و قساوتی از خود به منصف ظهور می‌رساند که وسعت و شدت آن

آزادخواه بکار میبرد را از یاد برده است. چه کسی میتواند فجایع کودتای ننگین ۲۸ مرداده جنایات ۱۵ خرداد سرکوب و حبس‌نامه ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان و به خون کشیدن اعتمادات کارگری و کشتار جهان چیت و هزاران هزار نمونه‌های ریز و درشت از جنایت و زناست و پستی که برونده سیاه رژیم شاه مزدور از آنها انباشته است را بدست فراموشی بسپارد! اگر امروز نیده می‌شود که در بین کسانی گرایش به گذشته بمثابه یک گرایش ارتجاعی رشد یافته و سخنان سلطنت طلبان گوشه‌های شنوایی پیدا کرده است، دلایل این امر را باید در واقعیات امروز جامعه تحت سلطه ما در زیر حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جستجو نمود.

رژیم جمهوری اسلامی، با واژگونی سلطنت پهلوی براریکه قدرت قسار گرفت ولی این رژیم قبل از اینکه دستاورد مبارزات توده‌های ما باشد حاصل ناکامی آنان در به ثمر رساندن مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خویش و حاصل شکست قیام شکوهمند آنان در بهمن ۵۷ بوده است. رژیم جمهوری اسلامی بواقع دست بخت امپریالیست‌ها برای خلقهای ما بود که در شرایطی که بحران عمیق سرپای سیستم سرمایه‌داری وابسته را فرا گرفته و این سیستم بطور گسترده آماج حملات توده‌ها قرار داشت و وظیفه حفظ و صیانت از آن را بعهد گرفته. ولی اگر سیستم حاکم دچار بحران بوده، از یک جنبه مفهوم این امر جز گسترش ابعاد بیکاری و گرانی و فقر و فاقه هرچه بیشتر توده‌ها نبود و اگر توده‌ها وسیعاً در صحنه مبارزه حاضر بودند، این امر تکلیف سرکوب هرچه شدیدتر آنان را برای رژیم

و اقتدار هرچه بیشتر امپریالیست‌ها در ایران بود. هم از اینرو چه رضاشاه مهر پنج و چه پسر خلفش "شاه نیکتاتور" در طی تمام دوره زمامداری خویش در حالیکه خدمات بی‌شائبه‌ای به امپریالیست‌ها نموده درست بدلیل اجرای سیاست‌های امپریالیستی، خون توده‌های ما را در شیشه کرده و شرایط بسیار ناهنجاری را در جامعه آفرینند. آنها چنان اختناق گسترده‌ای را بر جامعه ما حاکم ساختند که تا آنزمان در ایران سابقه نداشت. استثمار هرچه شدیدتر کارگران، خانه خرابی دهقانان درست در طی زمامداری این خاندان صورت واقعیت به خود گرفت. هر چه رنجیدگان بیشتر استثمار شدند و هر چه فقر و فلاکت و بدبختی بیشتر بر زندگی آنان مستولی گشت، سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیست آنان فریه تر و پرزورتر گفتند. "هزار فامیل" سمبل همین واقعیت و حاصل این پروسه است. ولی چنین پروسه‌ای نمی‌توانست جز با اعمال نیکتاتوری شدید، بگیر و ببند و کشت و کشتار وسیع توده‌ها، جریان یابد. از اینرو خاندان پهلوی با تکیه به حمایت و پشتیبانی امپریالیست‌ها به چنان جنایاتی در حق توده‌های ستمدیده ما دست زدند و چنان فجایعی آفرینند که چون ننگی ابدی بر دماغانی این خاندان نقش بسته و اوراق سیاه تاریخ ایران را تشکیل می‌دهند.

چه کسی می‌تواند جنایاتی که رضاشاه قلندر در حق خلقهای ستمدیده ایران مرتکب شده است را فراموش کند. چه کسی بخنده‌های مخوف و زجر و شکنجه‌هایی که وی در مورد انقلابیون و مبارزین

بهبود کمتر از آنچه در شرایط کنونی از طرف جمهوری اسلامی اعمال میشود، نبوده در حالیکه این رژیم نیز در زندانها و در خانههای به اصطلاح امن انقلابیون را مورد وحشیانهترین شکنجهها قرار می داد؛ و در مواردی با توسل به رفتارهای وحشیانه ای چون بیرون آوردن چشم مبارزین از حلقه ( همچنان که در مورد چریک فدائی خلق رفیق شاهرخ هدایتی اعمال شد) سوزاندن بدن، بریدن پا و غیره ماهیت ضد انقلابی و چهره دمنش خویش را بنمایند میگذاشت. به این ترتیب آیا کسی میتواند ادعا کند که اگر در شرایط کنونی رژیم شاه به جای رژیم جمهوری اسلامی بر سرکار بوده برای مقابله با بحران گریبانگیر نظام ضد خلقی حاکم، بنا به خواست اربابان امریکائیش، بمیباخت سرشکن کردن بار بحران بدوش تودهها توسل نمیجست و شرایط هشتتاک را همچون امروز بر زندگی آنان مستولی نمیساخت؟! آیا اگر رژیم شاه بود برای بازپس گیری ستاوردهای قیام تودهها، برای سرکوب مبارزات تودههایی که قیام دکوهنمندی را بخت سرگذاشته و تجارب گرانقدری توشه راهبان میباشده، به جنایات و فجایع کمتری از رژیم جمهوری اسلامی مبارت نمینمود؟! در طرح مسائلی از اینقبیل که بیکاری و گرانی و غیره در دوره شاه ابعاد کمتری از دوره حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی داشته است و یا شاه، جنگی به ابعاد جنگ ۸ ساله اخیر ایران و عراق رابه مردم ما تحمیل نکرد و یا شاه به اندازه جمهوری

اسلامی ترزندان انقلابی این آب و خاک را قتل عام ننمود و غیره حقیقتی نهفته است ولی مقایسه عملکردهای ضد انقلابی رژیم شاه با رژیم جمهوری اسلامی بدون ترک واقعیات فوق الذکر و بدون توجه به دلایل این امر مقایسه ای سطحی و صوری خواهد بود که حداقل زیان آن ایجاد زمینه تبلیغاتی برای دشمنان خلق میباشد.

امروز چه از طریق بنگاه های سخن پراکنی امپریالیستی و چه بطریق دیگر تبلیغات گسترده ای بنفع سلطنت و سلطنت طلبان سازمان داده شده و میگوید با تطهیر چهره رژیم شاه به فریب تودهها پرباخته و ذهن آنان را از ترک واقعیات و شناخت عمیق نسبت به امپریالیسم و سگان زنجیریش بازناشته و مخدوش سازد. این تبلیغات در شرایط فقدان یک نیروی انقلابی در جامعه که قادر به سازماندهی مبارزه تودهها و پیشبرد آن در جهت سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و قطع قطعی نفوذ امپریالیسم در ایران باشد، در شرایطی که کمر تودهها از بار مظالم موجود خم گشته و درحالیکه شدیداً خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میباشنده این اندیشه نیز به نادرست در میان آنان مطرح است که هر رژیمی بر سرکار آید در هر حال بهتر از رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. آثار زیانبار خود را به جای گذاشته است. اگر نیروی انقلابی فعال در صحنه مبارزه نیست که تودههای ستمدیده و رزمنده در پشت سر او بسیج شوند، پس با توجه به شرایط وحشتناک زندگی تودهها و

خواست شدید آنان برای رهائی از این وضع، هر نیروئی - هر چند ضد انقلابی - به شرط قدرتمند نشان دادن خود و ایجاد چشم اندازی برای تغییر شرایط زندگی مردم و بهبود آن خواهد توانست توجه تودهها را به خود جلب نماید.

در چنین اوضاعی است که بتدریج تبلیغات سلطنت طلبان گویس های شنوانی پیدا کرده و گرایش ارتجاعی به گذشته یعنی همان گذشته نکبت بار دوران شاه زمینه رشد یافته است. امری که انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای رزمنده ما را تهدید نموده و خطری برای آن محسوب میشود.

بمسال پس از قیام بهمین ه سال امروز با نسلی از جوانانی روبرو هستیم که فجایع سلطنت پهلوی را با پوست و گوشت خود لمس نکرده اند؛ درحالیکه بطور روزمره در معرض دمنش ها و جنایات جمهوری اسلامی و اعمال سرکوبگرانه پاسداران مزدور قرار دارند. شکی نیست که انتقال تجارب مبارزاتی گذشته و روشن ساختن ذهن آنان نسبت به ماهیت رژیم شاه بمثابه یک رژیم وابسته به امپریالیسم و بطور کلی نسبت به عامل اصلی ادبار خلق یکی از قدمهای مقابله با تبلیغات زهر آگین سلطنت طلبان و هر تبلیغات ضد انقلابی دیگر است. ولی تودههای ما در کلیت باید به این امر بیاندیشند که اگر به فرض رژیم سلطنتی پهلوی مجدداً در ایران مستقر شود، بنا توجه به ماهیت ضد خلقی یکسان این رژیم با رژیم جمهوری اسلامی و درحالیکه رژیم جمهوری اسلامی درست به انجام همان

موت بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

جلوی رشد و گسترش هوجه بیشتر آن را سد نموده است، همانطور که موجب وحدت جمهوری اسلامی گشت، و زنگ خطر را برای ارباب این رژیم یعنی امپریالیسم امریکا نیز به صدا درآورد.

سیاست امپریالیسم امریکا در طی ده سال گذشته علیرغم همه ظاهرسازیها و جنگ های زرگری بین ارباب و توکره تقویت رژیم جمهوری اسلامی و تحکیم پایه های سلطه ننگین او در جامعه ما بوده است. با اینحال از آنجا که در طی سالها سلطه منحوس امپریالیست ها در کشورهای تحت سلطه، امپریالیسم امریکا این تجربه را کسب کرده است که هرگز نباید سرنوشت منافع و مصالح خود را در این جوامع با سرنوشت رژیمهای سرسپرده اش گره بزند و باید برای مقابله با بحران انقلابی و جلوگیری از رشد آن، پشاپهیی راه حل های گوناگونی (۳) در نظر گرفته و با پشاپهینی احتمالات مختلف دست خود را برای انجام مانورهای لازم باز بگنارده لذا در رابطه با جامعه تحت سلطه ما نیز تحت عنوان مقابله با "بحران ایران" دست به آلترناتیوسازی زده و به اصطلاح آلترناتیوها را برای به شکست

خلق برناخته و به این صورت مدتی دیگر توبه ها را فریب نهد. بر این اساس آنچه باید در راس روشنگری کمونیستی قرار گرفته توضیح و تشریح این سن حقیقت است که توبه های ما در حالیکه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برای سرنگونی این رژیم مبارزه میکنند باید لبه تیز حملات خود را متوجه سهم سرمایه داری وابسته و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران بنمایند. چرا که تا سلطه امپریالیسم در مین ما با برجاسته سگان زنجیری امپریالیسم در اشکال و فرم های متفاوت بر سر کار قرار خواهند گرفت و تا زمانیکه نظام سرمایه داری وابسته بر ایران حاکم است، ظلم و ستم و استبداد و خفقان تمامی نخواهد داشت. تنها در عرایطی که این نظام و سلطه امپریالیسم به قدرت کارگران و زحمتکشان نابود گشته و حاکمیت خلق به رهبری طبقه کارگر در جامعه ما برقرار گرده تنها در آن زمان میتوان از تحقق خواستهای برحق توبه ها سخن گفت و تنها در آن زمان است که دروازه های آزادی بروی خلقهای ما گشوده خواهد بود.

\*\*\*

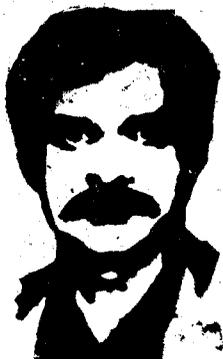
در ادامه مطلب لازم است به تبلیغات امپریالیسم امریکا در رابطه با سلطنت که بخصوص در پی حرکات اعتراضی اخیر توبه ها وسعت بیشتری یافته است نیز اشاره ای هر چند مختصر بنمائیم. اعتراضات پراکنده اما خمدگینانه توبه ها که بروشنی بیانگر پتانسیل عظیم انقلابی نهفته در آنان است، اعتراضاتی که عرایط نعتنک زندگی تحت سیطره امپریالیسم و سگ زنجیریش رژیم جمهوری اسلامی زمینه ساز آن بوده و تنها اختناق و دیکتاتوری حاکم

و تالیف ضد انقلابی مشغول است که سیستم اقتصادی - اجتماعی به ارث رسیده از دوره شاه آنها را ایجاد می کند. چه دلیلی وجود دارد که تحت حاکمیت رژیم سلطنتی جدید عرایط زندگی مردم بهتر شود! برعکس آیا اگر سلطنت - طلبان مجددا بر سر کار آیند با توجه به کینه بزرگی که آنان از مردم ستم دیده ما بدل نارند (منافا بدلیل آنکه با قیام سترگان بساط سلطنت را از ایران برچیدند) دست به انتقام خونینی خواهند زد؟! این حقیقت باید آویزه گوش هر زحمتکش و هر توبه ستم دیده ایران باشد که علیرغم همه دموکرات نمائی سلطنت طلبان و دم زدن آنان از دموکراسی - در عرایطی که دستمان از قدرت کوتاه است - در صورتیکه بر سریر قدرت قرار گیرنده انتقامی از خلقهای ایران خواهند کشید و چنان فجایع جنایت باری خواهند آفرید که فبایع و جنایات جمهوری اسلامی در مقابل آن هیچ است.

از طرف دیگر اگر قرار باشد عامل اصلی فقر و فلاکت و عرایط نعتنک زندگی توبه ها صرفا در رژیمهای حاکم بدون توجه به وابستگی آنان به امپریالیسم جستجو شود و این واقعیت از نظر نور ماند که عامل اصلی ادبار توبه ها سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته میباشد. در این صورت امپریالیسم هرگاه رژیم دست نشانده خویش را با اسواج مبارزات توبه ها مواجه دید - بهمانگونه که در رابطه با رژیم شاه عمل نمود - میتواند مهره دست نشانده خویش را چون "موش مرده ای" به بهرون برتاب کند و تحت رژیم دست نشانده دیگری به تجدید آرایش قوای خویش در مقابل

(۳) - در اواخر دوران شاه بارشد جنبش انقلابی توبه ها، امریکا در حالیکه می کوشید جنبش را بوسیله خمینی و بازرگان کنترل نماید، در همان حال بختیار را به نخست وزیر می رساند. در همین رابطه میتوان به گزارش جورج بال مشاور شورای امنیت ملی امریکا در زمان ریاست جمهوری کارتر استناد جست که مطابق آن برای مقابله با انقلاب خلقهای ما که از آن تحت عنوان "بحران ایران" نام میبردند، پنج راه حل پیشنهاد شده بود که یکی از آنها اعلام جمهوری اسلامی به رهبری خمینی بود.

خدمات ثنایاتی که جمهوری اسلامی در رابطه با پیگیری سیاستهای امپریالیستی در منطقه و در ایران به نفع امپریالیسم آمریکا انجام می‌دهد، این رژیم مطلوب - ترین آلترناتیو امپریالیستی بوده و مسأله تمویض آن مطرح نیست و علم کردن سلطنت طلبان همانطور که گفته شد قبل از هر چیز در خدمت انحراف مسیر مبارزاتی توده‌ها و ایجاد چم - اندازه‌های کانب در مقابل این مبارزات از سوی امپریالیسم آمریکا قرار دارد. تنها در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از سرکوب جنبش انقلابی خلقهای ما گفته و قادر به جلوگیری از جاری شدن سیل مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده‌های نریند نبوده و تداوم حیات این رژیم، استمرار نظام سرمایه‌داری وابسته را به خطر اندازد و بطور کلی در شرایطی که منافع وممالح امپریالیسم اقتضا کند، مسأله تمویض رژیم جمهوری اسلامی با رژیم دیگری به مسأله روز تبدیل می‌گردند. تازه این امر در حالی متصور است که انقلاب ایران هنوز به آن قدرت نرسیده باشد که کل نظام ظالمانه موجود و رژیم مزدور جمهوری اسلامی را به زیاله نان تاریخ بریزد.



چریک فدائی خلق رفیق شهید اسماعیل هادیان

اصطلاح سازمانهای اپوزیسیون، منام در بلندگوهای جیره خوار امپریالیستی نظیر رادیو آمریکا و رادیو اسرائیل شنیده می‌شود و موضوع "فعالیت" های این "سازمان" در سرترتیر اخبار این رادیوها قرار می‌گیرد! و یا می‌بینیم داریوش همایون که وابستگی او به سازمان جاسوسی آمریکا معزز است و ماموریت می‌یابد به چاپ مجدد روزنامه آیندگان مبارزت نموده و به اشاعه هرچه وسیعتر تبلیغات ضد انقلابی بپردازد و درست در این راستاست که "نهم پهلوی" معروف یا همان "شاهزاده جوان" به تکاپو می‌افتد تا چهره‌های نموکراتیک به خود گرفته و به جنب همپالکهای خود که در پراکندگی به سر می‌برند، بپردازد و در میان آنسان ائتلاف و وحدت بوجود آورد و سپس برای فریب توده‌ها تا آنها خود را "نموکرات" جلوه دهد که بگوید پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، رژیم سلطنتی را به رای عموم مردم خواهد گذاشت (بیمک بگونه‌ای که سردمداران مزدور رژیم کنونی و "جمهوری اسلامی" را به رفتنم گذاشتند!!).

با تاکید بر اینکه علم کردن سلطنت طلبان از طرف امپریالیسم آمریکا و تبلیغات برله آنان به هیچ وجه به مفهوم انتخاب قطعی جانشینی جمهوری اسلامی از سوی این امپریالیسم نمی‌باشد و این تبلیغات سلطنت - طلبان که وقیحانه در گومه و کنسار اعلام می‌کنند "ما کار را در آمریکا تمام کرده‌ایم" حرف بوجی بوده - که در عین افشای ماهیت وابسته به امپریالیسم آنان، تنها به کار بازارگرمی برای فروش کالای بنجلشان می‌خورد - باید بگوئیم که در حال حاضر با توجه به

کماندن مبارزات ضد امپریالیستی و نموکراتیک خلقهای ما، تدارک نمیده است. یکی از این به اصطلاح آلترناتیوها تجدید سلطنت پهلوی در ایران است (۸) و به همین دلیل نیز در مهال گذشته امپریالیسم آمریکا تا آنجا که مقصور بوده است سعی در حفظ حضور سلطنت - طلبان در صحنه سیاسی نموده و برای تداوم فعالیت های ضد انقلابی آنان یاری رسانده است تا شاید روزی بعنوان برگمی بکار آیند.

در حال حاضر با وسعت گیری خیزش‌های توده‌ای بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در شرایطی که مردم بدلیل نفرت و انزجار از این رژیم و رهائی از زیر سلطه ضد خلقی او بیشتر به سرنگونی این رژیم می‌اندیشند تا به آنچه که باید بمثابه آلترناتیو جمهوری اسلامی براریکه قدرت قرار گیرد، سازمان جاسوسی آمریکا در تکاپو برای منحرف کردن مسیر اصلی این خیزش‌ها، روی به سوی سلطنت طلبان آورده و سعی در علم کردن آنها نموده است. ببهوده نیست که امروز نام مامور شناخته شده سیا (CIA) منوچهر گنجی و "سازمان رفیق کاپوئی" به عنوان یکی از به

(۸) - از جمله "آلترناتیو" های دیگر بازرگان و نارودسته‌های "نهفت آزادی" می‌باشند که امروز با نوشتن نامه‌های سرگشاده به سردمداران رژیم و چند مباحثه تلفنی با رادیو های شناخته شده امپریالیستی نظیر B.B.C و غیره می‌کوشند خود را مخالف اعمال ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی جا زده و با پنهان ساختن دستان بخون آلوده - شان، خود را از جنایات جمهوری اسلامی مبرا جلوه دهند.

## حزب دمکرات و فرجام جنگ با کومله

از ملاح

آیا برآستی حزب دمکرات پس از سالها بالاخره به ماهیت عملکردهای غیرانقلابی و غیردمکراتیک خویش پی برده است و آیا بواقع این حزب دیگر معتقد به حل اختلافات فیما بین نیروهای مبارز از طریق سیاسی گفته و آیا حزب دمکرات دیگر آزادی نیروهای انقلابی را در تبلیغ و ترویج ایدهها و نظرات خود به رسمیت می‌شناسد و برای همه نیروهای انقلابی حق فعالیت سیاسی و نظامی قائل است. آیا حزب دمکرات امروز با وقوف به مشرات و خیرانهای فراوانی که جنگ غیرانقلابی فیما بین این حزب و کومله در کرستان بسه جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی سراسر ایران وارد ساخت و دیگر به ضرورت این امر رسیده است که باید همه تفنگها به سوی دشمن جنایتکار خلق کرد و همه خلقهای ستمدیده ایران یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نشانه رود؟ و اگر نه پس دلیل یا دلایل اعلام آتش بس با کومله از طرف حزب دمکرات چیست، آنها در شرایطی که خود اعلام می‌کنند که کومله نه تنها « دچار تحولی نشده است » بلکه « اگر هم نوعی دگرگونی در آن پدید آمده باشد متأسفانه در جهت منفی است نه مثبت » (کوردستان شماره ۱۶۱) واقعیت اینست که جنگ غیرانقلابی حزب دمکرات و کومله که در ۲۵ آبان ماه سال ۶۳ با حمله نیروهای حزب دمکرات به مقرهای کومله در منطقه اورامان آغاز گردید و در ۶ بهمن همان سال کومله بدلیل دیدگاههای انحرافی‌اش بر آتش آن دمید، از همان آغاز با مخالفت شدید توده‌های ستمدیده کرستان و نیروهای سیاسی حرکت‌کننده در جنبش خلق کرد مواجه گشت. در شرایطی که جنبش خلق کرد از تعنت و پراکندگی نیروهایش شدیدا رنج میبرد و تنها راه پیروزی جنبش ایجاد فرماندهی مشترکی بود که با تمرکز همه امکانات نیروهای مبارز کرستان بتواند تحت نقشه جنگی معینی، انرژی انقلابی پیشمرگان را در جهت واحدی بر علیه دشمن بکار گیرد، تحمیل جنگ برانرکمی به پیشمرگان رزمنده

کرستان بمنزله فاجعه‌ای بود که در تداوم خود ضربات جبران ناپذیری به جنبش خلق کرد و به اعتبار جایگاه بس مهم این جنبش در جنبش سراسری خلقهای ایران و بسه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی مردم ما وارد مساحت. بر این اساس نیز بود که از همان ابتدای درگیریها مسئله برقراری آتش بس بین دو نیروی درگیر، به یکی از مهمترین مسایل جنبش خلق کرد تبدیل گردید. ولسی علیرغم همه کوششهایی که در این زمینه بکار گرفته شده جنگ همچنان بین دو نیرو تداوم یافت. در این میان عدم تمایل رهبری حزب دمکرات به پایان دادن به درگیریهای خونین بین پیشمرگان کرستان که در شروط تماما غیر دمکراتیک این حزب برای آتش بس ممنوع گفته بوده عامل اصلی تداوم جنگ بود. حتی در جریان فعالیتی که توسط ۶ جریسان سیاسی در کرستان جهت پایان بخشیدن به درگیریهای حزب دمکرات و کومله در سال ۶۶ سازمان یافت، در شرایطی که دیگر هیچ گوشه‌ای از خاک کرستان در اختیار پیشمرگان قرار نداشت و به این دلیل نیز مبارزه در کرستان تماما شکل پارتیزانی بخود گرفته بود، رهبری حزب دمکرات با انعای اینکه نماینده اکثریت مردم کرستان میباشد، بطور مضحک نتیجه می‌گرفت که « حاکمیت و اجرائیات به عهده حزب دمکرات خواهد بود » و از قبول آتش بس سر باز زد و همچنان به آتش جنگ با کومله دمید. بواقع رهبری حزب دمکرات از همان آغاز با بی مسئولیتی تمام که همواره از ویژگی‌های این حزب می‌باشد از پنهان آتش بس خواری ورزیده و هر کوششی برای پایان دادن به جنگ برانرکمی را با بن بست مواجه مساحت. به این ترتیب حزب دمکرات نشان میداد که درست بدلیل منافع ویژه‌اش در زد و بند با نیروهای ضد انقلابی و انا مگر جنگی شده است که مطلقا بر علیه منافع و مصالح جنبش خلق کرد بوده و نفع آن تنها و تنها برای رژیم ددمنش جمهوری اسلامی میباشد. این حزب حتی

غیر انقلابی در کردستان که حزب دمکرات مسبب اصلی (۳) آغاز و تداوم آن بوده است، چنان لطمات و ضربات سنگینی به جنبش خلق کرد و ایضا به جنبش سراسری خلقهای ایران وارد ساخت که امروز دیگر به هیچوجه امکان جبران آنها وجود ندارد و بطور اولی آن لطمات و ضربات با اعلام آتش پس از طرف حزب دمکرات نیز ترمیم نمی پذیرد. با اینحال اکنون که حزب دمکرات خواهان قطع درگیری با کومه له گشته است، یک برخورد انقلابی از طرف وی در همین رابطه می توانست تا حدودی و به میزان اندکی از بار آن لطمات بکاهد. رهبری حزب دمکرات اگر میخواست (البته اگر می توانست !!) برخوردی انقلابی بپوشه کند، می بایست با ارائه تحلیلی همه جانبه از شرایط و اوضاع و احوالی که جنگ غیر انقلابی در آن بوقوع پیوسته به تشریح نقش و مسئولیت خود در این جنگ پرداخته و با پذیرش ورشکستگی کامل سیاست های ضد دمکراتیک اش و اعلام رسمی و علنی این امر به جنبش و حداقل تجربه ای - هر چند تجربه منفی - در رابطه با ۵ سال جنگ خونین برادر کشی در کردستان که تنها به نفع رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جریان یافت و در اختیار جنبش انقلابی و نسل مبارز آینده بگذارد. این تنها برخوردی بود که اگر حزب دمکرات بواقع حزب مسئولی بود، می بایست به نفع جنبش به آن مبارزت ورزد. حال برای اینکه ببینیم حزب دمکرات با این وظیفه و مسئولیت سنگین انقلابی چگونه برخورد کرده است، باید به توضیح دلایلی بپردازیم که رهبری حزب دمکرات در رابطه با قطع درگیری با کومه له مطرح ساخته است.

رهبری حزب دمکرات در پیام به پیشمرگان حزب که در شماره ۱۶۱ "کوردستان" درج گردیده ابتدا ضمن تأیید جنگ غیر انقلابی ۵ ساله در کردستان و تأکید بر اینکه گویا او وظیفه پیشبرد چنان جنگی را بعهده داشته و یا آنطور که خود مطرح می کند نمی توانسته است "نرسی فراموش نشدنی

پس از انشعاب در کنگره هشتم خود که عملاً به دو قسمت تقسیم گردیده با اینکه جناح انشعابی بطور یکطرفه با کومه له اعلام آتش بس نموده باز ضمن تأکید بر شروط کاملاً غیردمکراتیک خویش، از پذیرش آتش بس خودداری ورزید و سپس هنگامیکه کومه له بدنبال اعلام آتش بس یکطرفه از طرف جناح انشعابی، با هر دو جناح این حزب اعلام آتش بس نمود، رهبری حزب دمکرات کماکان بدون احساس کمترین مسئولیتی در قبضه جنبش و توده های رنج دیده کردستان، به این آتش بس نیز پاسخ منفی داده و همچنان بر "ضرورت" جنگ با کومه له تأکید ورزید.

اگر طی جنگ برادر کشی در کردستان، صدها پیشمرگه خلق کرد قربانی سیاست های ارتجاعی حاکم بر این جنگ گشته و خون آنان بطرز دردناکی توسط یکدیگر بر زمین ریخته می شد، حزب "مشول" (۴) ما را باکی نبود و همچنان پیشبرد سیاستهای غیرانقلابی در تداوم جنگ برادر کشی در کردستان را امری ضروری می شمرد. اگر جنگ غیر انقلابی فیما بین دو نیرو که اساساً می بایست در صحن واحد لوله تفنگ های خود را به سینه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نشانه روند، در بین پیشمرگان انقلابی که تا دیروز خالق حماسی ترین صحنه های مبارزاتی بر علیه دشمن بودند باعث تشمت و سرخوردگی گشته و بخشی از پیشمرگان نرسد بدلیل وجود درگیری بین حزب دمکرات و کومه له از فعالیت انقلابی دست کشیده و صفوف جنبش را ترک می نمودند، باز حزب "مشول" خم برابر نمی آورد و حاضر به قبول آتش بس بی قید و شرط نمی شد. هرز رفتن انرژی های انقلابی، تأثیر بسیار منفی درگیریها بر روی توده های که علیرغم همه دشواریها با تمام وجود از جنبش حمایت می کردند و غیره و غیره هیچیک نتوانست حتی اندکی از "قاطعیت" این حزب "مشول" در تداوم جنگ غیر انقلابی در کردستان بکاهد.

بنابراین کلی باید گفت که تداوم ۵ سال جنگ خونین و

(۳) - وقتی بر نقش حزب دمکرات به عنوان مسبب اصلی آغاز و تداوم جنگ غیر انقلابی در کردستان تأکید می شود، این امر به هیچ وجه به معنای تأیید گرفتن نقش و مسئولیت منحص کومه له در این درگیریها نیست.

(۴) - حزب دمکرات با "روحیه" تمام همسواره از خود بعنوان حزبی مشول نام میبرد.

خود مختاری خواست برحق خلق کرد است

میدارد. چرا که به این نحو او همواره می‌تواند با این-  
انما که ما "در شرایط" جنگ با کومله را قطع کردیم که  
کومله حضوری در کرستان نداشت و "بصورت مانع جدی  
بر سر راه مبارزه و فعالیت حزب دمکرات ظاهر" نگردیده  
بود، برطیل جنگ بکوبد و آتش آنرا شعله‌ور سازد.

و بالاخره وقتی حزب دمکرات جنگ غیرانقلابی و براندازی  
۵ سال اخیر را "درس فراموش نشدنی" به کومله قلمداد  
می‌کند و بدین ترتیب صرفنظر از همه مضرات این جنگ و  
بطور کامل روغن بی‌اعتنائی خود به خون صفا پشم‌رگه  
"فراموش نشدنی" خلق کرد که در جریان این جنگ  
غیر انقلابی به شهادت رسیدند را ابراز می‌دارد بروشنی  
آشکار می‌کند که تا کجا "غیر مسئول" و "دور افتاده از  
واقعیت" بوده و چگونه فاقد هرگونه پتانسیل درس‌گیری  
از واقعات می‌باشد. چنین است که حتی بررسی دلایل  
پنجمی آتش‌بس از سوی رهبری حزب دمکرات، خود گواه  
روشنی مبنی بر اینکه این حزب در تناوم درگیری‌های غیرانقلابی  
۵ ساله اخیر در کرستان، مسئولیت اصلی را داشته است و  
بست می‌دهد و یا به عبارت دیگر این دلایل گواهی است بر  
عدم کمترین احساس مسئولیت وی در قبال تونده‌های رنج‌دیده  
خلق کرد و دیگر خلقهای ایران. بررسی این دلایل در عین  
حال عدم اعتقاد رهبری حزب دمکرات به موازین دمکراتیکی که  
اصولا باید در روابط سازمانهای انقلابی حاکم باشد را نیز  
آشکار می‌سازد.

"انعطاف" اخیر رهبری حزب دمکرات در اعلام آتش-  
بس "در شرایط کنونی" با کومله بدون شك از شرایط و  
دلایل مشخصی ناشی گشته و شرایط و دلایلی جز آنکه رهبری  
حزب خود عنوان ناعده است. اگر به گفته بازگردیم  
می‌بینیم که حزب دمکرات هر کوششی برای قطع جنگ با کومله را با  
پیش کشیدن شروطی بغایت غیر دمکراتیک به بن بست  
می‌رساند. او همواره نشان می‌دهد که آن شروط را بدین دلیل  
مطرح می‌کند تا با جلوگیری از آتش بس لطمه‌ای به  
مذاکرات این حزب با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وارد  
نشود. آخر این امر "فراموش نشدنی" است که درگیری با  
کومله یکی از خواستهای جمهوری اسلامی در مذاکره با حزب  
دمکرات بوده است. بلکه حزب دمکرات همانقدر که در مقابل  
نیروهای ضد انقلابی "منعطف" و یا بقول خودی "مسئول"  
و "واقع بین" بود و حتی حاضر شد در مذاکره با رژیم

به آشوبگران جنگ افروز نهد" از اینکه اکنون دیگر کومله  
بسیار ضعیف شده و "امروز گذشته از ۲ گویه کوچکی در جنوب و  
در سراسر کرستان هیچ تظاهراتی از کومله به چشم نمی‌خورد"  
و با آنها دیگر "کرستان و میدان مبارزه را به کلرها کرده" و "تک  
و توکی هم که باقی مانده اند بار سفر" بسته اند و غم‌سره  
سخن گفته و نتیجه می‌گیرد که "در شرایط کنونی برخورد  
سلحانه با افراد مسلح کومله معنای روشنی بربر ندارد و  
لزومی به ادامه آن احساس نمی‌شود" این، آن دلیل اصلی  
یا بواقع تنها دلیلی است که رهبری حزب دمکرات برای  
قطع درگیری با کومله و پشیمانی آتش‌بس، در بهام مزبور  
ذکر نموده است. باری رهبری حزب دمکرات با عنوان این  
دلیل در حالیکه يك بار دیگر از خوبی چهره‌ای ضد دمکراتیک  
در مقابل تونده‌ها قرار داده، در عین حال ورشکستگی سیاسی  
خود را نیز برملا ساخته است.

وقتی رهبری حزب دمکرات اعلام می‌کند که "در شرایط  
کنونی برخورد سلحانه با افراد مسلح کومله معنای روشنی  
نبر ندارد و لزومی به ادامه آن احساس نمی‌شود" (تاکیدات  
از ماست) نشان می‌دهد که به هیچ وجه از آنچه که در این  
سالها بر علیه منافع و مصالح جنبش خلق کرد انجام داده  
است "درس" نگرفته و تازه ضمن تأیید درگیری‌های ۵ ساله  
اخیر با کومله، بصورت کامل زشت و تنفر انگیز راه را  
برای ادامه آن در آینده نیز باز می‌گذارد.

وقتی حزب دمکرات پایان جنگ با کومله را بسا  
"شرایط کنونی" توضیح می‌دهد و تأکید می‌نماید که در شرایط  
کنونی "لزومی" به ادامه آن "احساس" نمی‌شود. بروشنی  
نشان می‌دهد که علیرغم همه ضرباتی که این جنگ غیرانقلابی  
به مبارزه و مردم ما وارد ساخته است، این حزب نه تنها  
آنرا در ۵ سال گذشته امری "لازم" و ضروری می‌پندارد بلکه  
از پیش آمادگی خود را برای برپائی جنگ غیر انقلابی در  
شرایطی دیگر - و البته نه "در شرایط کنونی" - اعلام می‌کند  
وقتی که رهبری حزب دمکرات پنجمین قطع جنگ با  
کومله را نه بدلیل غیرانقلابی بودن آن، نه بدلیل زبان‌بار  
بودن آن برای منافع جنبش خلق کرد و نه بدلیل آنکه  
این جنگ تنها و تنها به نفع رژیم جمهوری اسلامی بوده  
است، بلکه تنها به این عنوان که کومله حضور فعالی در  
صحنه کرستان ندارد، توضیح می‌دهد. در حقیقت "حق"  
ایجاد درگیری‌های جدید با کومله را برای خود محفوظ

آورده است. اگر علیرغم همه مساعدات جوئیها و ترمیمهای شرم آور حزب دمکرات از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، سودی نصیب این حزب نشده درحالیکه عساکر ووزی او برای برقراری آتش بس با کومهله بمنابہ دلیلیستی برجسته، موجب انزوای وی گشته است، بنابراین این حسابگریهای رهبری سازشکار حزب دمکرات، آتش بس با کومهله حداقل نوفایده میتواند برای وی ترمیم داشته باشد. اول آنکه حزب به این وسیله نسبت به مانور جدیدی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی زده و به اصطلاح در مقابل وی "قدرت نمائی" میکند تا شاید مزدوران کار بدست جمهوری اسلامی برسر "عقل" آینده اندک توجهی به حزب نگون بخت مبدول نارند و بالاخره به ترمیمهای او پاسخ هر چند ناچیز ولی مثبت دهند.

دوم آنکه اگر چنین نیز نشود، حزب بدین وسیله قدمی برای خارج کردن خود از انزوای هفت بار چند ساله اخیر که در آن قرار گرفته است، برنماید و میتواند جای پایش را بین نیروهای اپوزیسیون رژیم محکم سازد.

اینهاست برجستهترین دلالتهای که موجب "انعطاف" امروزی حزب دمکرات شده و او را مجبور ساخته است که با لخره به آتش بس در جنگ غیر انقلابی با کومهله تن در دهد. اگر چه این حزب بهمانگونه که شرح رفت این اقدام را با چنان دلائل ابلهانهای تبیین نموده است که به نوبه خود تنها بیانگر افلاک هرچه بیشتر دیدگاههای حاکم بر این حزب میباشد.

اگر حزب دمکرات میتواند دریا بد که براه انداختن جنگ برانگیزی در کرستان نستان او را به خون پیغمبران دلیر خلق کرد آغشته کرده و لکه ندگی برنامن این حزب نهاده است، دیگر در چنان شرایطی قرار نمیگرفت تا امروز مجبور شود برای لایوفانی شکست سیاست های غیر انقلابی، قطع جنگ با کومهله را با دلالتهای توجیه نماید که خود سند دیگرست مبنی بر محکومیت این حزب. در حالیکه برقراری آتش بس در جنگ غیر انقلابی بسن حزب دمکرات و کومهله خواست قلبی همه توندها و همه نیروهای مبارز و آزاد بخواه بوده و میباشد.

رهبری حزب دمکرات در شرایطی قطع جنگ با کومهله را اعلام داشته است که هیچک از شروط غیر دمکراتیکی که تاکنون برای برقراری آتش بس مطرح میساخته، از طرف

جمهوری اسلامی از شعار "استراتژیک" خود یعنی "دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کرستان" دست شویسد و علاوه بر آن در مقابل گرفتن امتیازهایی چند در بازسازی "نظام جمهوری اسلامی" نیز شرکت نمایده به همان اندازه در مقابل کومهله از خود قاطعیت و انعطاف ناپذیری نشان داده و دیگر "مستول" و "واقع بین" نبود. این حزب حتی پس از آنکه مزدوران تروریست جمهوری اسلامی دبیرکل اش را در سر میز مذاکره ترور نمودند، باز هم بهیرمانه برای توجیه مذاکراتش با جمهوری اسلامی اعلام نمود که در "اصل" مذاکره بعنوان نتیجه و سرانجام هر مبارزه برای مسا تردیدی وجود ندارد" ... به نظر ما این اصل اکنون هم يك اصل کاملاً درست و اصولی است. هر جنگ و مبارزه ای اگر قرار باشد روزی به نتیجه برسد سرانجامش صلح و آشتی است" (۸) در عین حال همین حزب در ۵ سال گذشته هیچوقت این "اصل" کذائی را در جنگ با کومهله بکار نگرفت و در حالیکه هرگز تن به مذاکره با کومهله نداد و "سرانجام" "صلح و آشتی" برای "جنگ و مبارزه ای" که با کومهله براه انداخته بوده قائل نشده، لفظهای نیز از نمیدن بر آتش جنگ غیر انقلابی در کرستان کوتاهی نکرد و نشان داد که برآستی آنقدرها هم پایبند چنان "اصلی" نمیباشد و ... مجموعه این عملکردهای ضد انقلابی حاصلی که برای حزب دمکرات نداشت با آشکار ساختن ابعاد و رشکستگی سیاسی این حزب او را با مخالفت گسترده ای در بین توندها و نیروهای سیاسی مبارز مواجه ساخت و باعث انزوای هرچه بیشتر این حزب گردید. منزوی بودن در بین نیروهای اپوزیسیون از یکسو و بی حاصلی سیاست سازشکارانه و مساعدات جویانه مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی که حزب دمکرات آنهاست بدان دل بسته بود - ولی دبیرکل خود را برسر این سیاست در پای میز مذاکره از دست داد - در شرایطی که ضربات حاصل از آیندهها و سیاستهای انحرافی این حزب و این کومهله یعنی سازمان کرستان حزب کمونیست، ایسران انرژی جنبش خلق کرد را شنیدند و وسعها به هرز برده و بنوبه خود از جمله موجب تضعیف حزب دمکرات گشته، امروز شرایط بس دردناک و هفت باری را برای این حزب بوجود

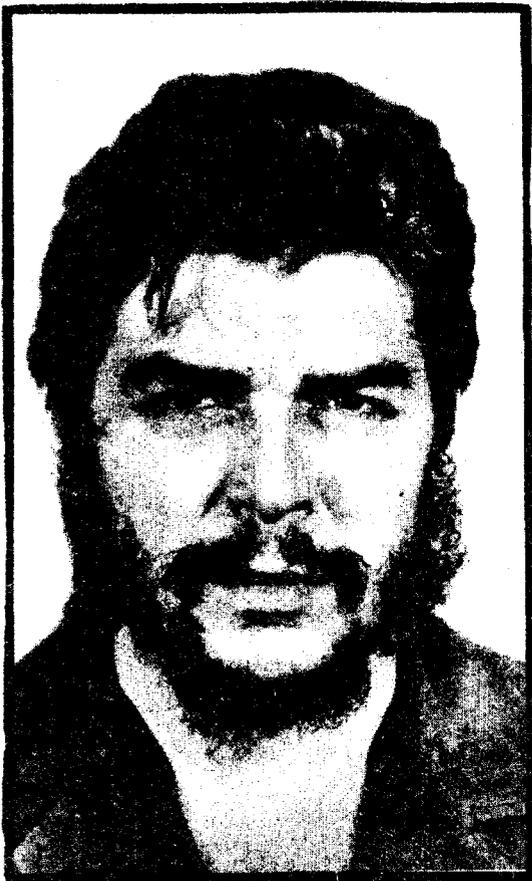
قرار بلنوم فروردین ماه سال جاری این حزب است که در آن بر لزوم جنگ با جناح انشعابی ( حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی) تاکید نموده و در حالیکه اعلام می کند " گروه منحرف از منی حزب را خائن و مزدور دشمنان جنبش کردستان میدانند" وظیفه خود می شمارد که " از همه امکانات نظامی، سیاسی، تشکیلاتی و تبلیغاتی در برابر آن استفاده بعمل آورد"

اما اگر جنگ با کومه له نتیجه ای جز بد نامی و انزوا برای حزب دمکرات در بر نداشت و این حزب سرانجام مجبور گردید از تمامی ادعاهای قبلی اش دست بکشد و عقب نشیند و بالاخره به قطع درگیری با کومه له تن بدهد جنگ با " جناح انشعابی" نیز بدون تردید حاصلی جز ننگ و رسوائی هرچه بیشتر برای حزب دمکرات در بر نخواهد داشت. ما حصلی که دیدگاه های انحرافی حاکم بر رهبری این حزب و تداوم سیاست های غیر انقلابی آنها برای حزب دمکرات اجتناب ناپذیر ساخته است.



کومه له پذیرفته ندهد است و از آنجا که کومه له خواهان آتش بس بی قید و شرط بوده و رهبری حزب دمکرات خود در پیام دفتر سیاسی تاکید می کند که " کومه له تحلیل رفته در به اصطلاح حزب کمونیست ایران چه از نظر رفتارهای آشوبناک و موضع گیریهای غیر مسئولانه دچار تحول نشده است" بنا بر این پذیرش آتش بس از سوی این رهبری آنها بدون هرگونه قید و شرطی بهمانگر عقب نشینی عملی وی از مواضع گذشته اش میباشد. عقب نشینی ای که رهبری حزب دمکرات بالاخره با خفت بدان تن داد و آنقدر دیر صورت گرفت که ضربات جبران ناپذیر جنگ پیش از آن به جنبش خلق کرد و به اعتبار جایگاه بس والای این جنبش در جنبش سراسری، به جنبش همه خلقهای ایران " فراموش نشدنی" است.

این عقب نشینی همانطور که تشریح گردید به هیچوجه به مثابه تغییر در سیاستها و دیدگاه های ورشکسته حزب دمکرات محسوب نمی گردد. آخرین دلیل این مدعا



یاد آرستو چه گوارا  
کمونیست کبیر گرامی باد!  
" مرگ یا پیروزی  
جز این راه دیگری نیست.  
در این مرحله مرگ قابل  
لحس است اما پیروزی تنها  
افسانه ای ست که یک  
انقلابی می تواند بسدان  
بیانندیشد!"



چریک فدائی خلق رفیق اسمر آتری یام



چریک فدائی خلق رفیق  
شهید محمد حسین حاتمی نواز

## نگاهی به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

افزایش ناگفته باقیم" و ی انامه میدهد که " امور دفاعی نیز ۱۷٪ نسبت به برنامه افزایش دارد" جمع این ارقام با اعتراف آشکار وزیر دفاع ضد خلقی جمهوری اسلامی، مبنی بر اینکه در برنامه ۵ ساله تنها نزدیک قلم ۱۰ میلیارد دلار یعنی بطور متوسط سالانه ۲ میلیارد دلار - یعنی نزدیک به ۲۰۰۰ میلیارد ریال - برای " تجهیز و نوسازی" نیروهای سرکوبگر اختصاص یافته و نشان میدهد که دولتمردان رژیم چه تدارکات و انرژی و امکانات عظیمی را قصد دارند در راه تهمز کردن سرزمینهای دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر میهن ما در سال ۶۹ صرف نمایند.

با توجه به این فاکتها روشن میگردد که در بودجه سال ۶۹ نیز همچون دوران جنگ ارتجاعی، قرار است که بخش اعظم درآمدهای مملکتی را ارتش امپریالیستی، سپاه پاسداران ضد خلقی و سایر ضمام و - موسسات ریز و ذریعت تهمز وابسته به آنها تحت عناوین " تقویت بنیه دفاعی"، " امور دفاعی" و... در شرایط " نه جنگ نه صلح" بپلمند. با لایحه آنچه که از رهگذر این بودجه صرف امور اجتماعی و خدماتی، بهداشت و درمان و آموزش و غیره خواهد گشت نه تنها قزاقتر از سطح سالهای قبل و بطور مشخص سالهای تناوم جنگ امپریالیستی نیست، بلکه برعکس از آن قلهل تر خواهد بود. در این رابطه سران فریبکار رژیم جمهوری اسلامی که بخوبی از انتظار برحق تودهها برای ایجاد حداقل امکاناتی نظیر بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، امکانات تأمین اجتماعی و غیره برای برطرف نمودن نیازهای اولیه زندگیمان مطلعند، برای توجیه بودجه عظیمی که به بهای تحمیل فشار بیشتر به تودهها بکام ماعین سرکوب نظام ریختهاند و برای " اقتناع" تودههای خمگین و بجان آمده، از زبان دستجاتی اعلام کردند که: " حاله ای از جنگ در کشور وجود دارد که تأثیرش را در برنامه و بودجه گذاشته است و ما به بعضی دفاع توجه زیادی کردیم" ( تأکید از ماست )

لایحه بودجه سال ۶۹ همچون تمام لویح و برنامههای پیشین جمهوری اسلامی، ثقل اصلی خود را بر تقویت ستون فقرات نظام یعنی نیروهای مسلح سرکوبگر قرار داده است. در این رابطه تاکنون هیچ عدد و رقم واقعی و آشکاری در مورد هزینههای سرسام آور نیروهای نظامی رژیم انتشار نیافته اما کاملاً روشن است که دولتمردان رژیم در دهه " بازسازی" همچون دوران جنگ (۶۰) و با روندی فتابنده همچنان مرکز توجه خود را بر استحکام و تقویت ارتش امپریالیستی و سایر زوائدش معطوف داشته و ارقام عظیمی را صرف تسلیح و افزایش توان آن میکنند. مطابق این سیاست ضد خلقی است که سران رژیم برهم قطع جنگ ایران و عراق نه تنها یک ریال هم از هزینههای نجومی ماعین سرکوب رژیم کسر نکردهاند بلکه با دستاویزهایی نظیر حالت " نه جنگ نه صلح" در زمینهای مختلف رقمهای بس بیشتری را بکام نیروهای سرکوبگر حافظ نظام سرمایه داری وابسته ریختهاند. کما اینکه در همین رابطه حائری زاده یکی دیگر از نمایندگان رژیم در مجلس ارتجاع راجع به میزان افزایش بعضی از هزینههای ماعین سرکوب رژیم در لایحه بودجه سال ۶۹ مطرح میکنند: در حالیکه ما در زمان جنگ و امنیت داخلی را با همان مقدار جرخانده ایم چرا باید نسبت به سقف سال ۶۸ و ۹۰ میلیارد ریال در فصل امنیت داخلی

(۱۱) - در این رابطه رمضان روحانی نیز یکی دیگر از نمایندگان مجلس ارتجاع ارقام تکان دهنده ای را راجع به سهم هزینههای نظامی در بودجه کل رژیم فاش نموده است که گرچه باز هم بیانگر تمام واقعیت هولناک جنگ امپریالیستی ایران و عراق نیست ولی جلوههایی از آن را نشان میدهد وی میگوید: " در طول سالهای گذشته کل درآمد دولت از ۲۰۰ میلیارد تجاوز نمی کرد و هزینههای دولت بهی از ۴۰۰ میلیارد بود که گاهی ۵۰ درصدی هزینه جنگ میداد."

در سال ۶۹ را به عهده افشا می‌کند.

البته پیش از بررسی آمار و ارقام رژیم در مورد بودجه مربوط به مناطق محروم باید متذکر شد که منظور رژیم از "محرومیت زدائی" بهیچ رو رسیدگی به وضعیت و رفع کار و محبت توده‌ها، رفع معضلات اقتصادی - اجتماعی آنها و بسا احیاناً از بین بردن ریشه‌های مادی فقر و محرومیتشان در عرصه‌های مختلف نیست. در فرهنگ جد خلقی جمهوری اسلامی "مناطق محروم"، آن استانها و مناطقی هستند که بدلائل مختلف در طول سالها روابط و مناسبات طبقه حاکم یعنی مناسبات بورژوازی وابسته به میزان معینی در آنها کمتر بسط و توسعه یافته و به این اعتبار به لحاظ منابع مادی و نیروی کار ارزان و ... زمینه‌های مناسبی جهت غارتگری و زراوندوزی هر چه بیشتر سرمایه‌داران را الوصلت وابسته بر آن نقاط موجود میباشد و با این وصف باید با ایجاد امکانات لازم شرائط بهره‌برناری از این منابع را برای طبقه حاکم فراهم نمود. پس منظور از "محرومیت زدائی" و تخصیص واحیاناً افزایش ارقام تحت نام "مناطق محروم" در بودجه سال ۶۹ رژیم، عبارت از اقدام به سرمایه‌گذاریهائی است که دولت و طبقه حاکم در قالب این عنوان برای ایجاد حداقل تسهیلات لازم بمنظور حصول به منافع مادی بیشتر و توسعه و بسط نفوذ خود و محکمتر نمودن پایه‌های نظام غارتگرانه خویش در برخی از استانها و مناطق کمتر رشد یافته مملکت درصدد انجام آن هستند. بالطبع برای رسیدن به این اهداف یعنی سرمایه‌گذاری به منظور بسط و توسعه بیشتر نفوذ بورژوازی وابسته در اقصی نقاط کشور یعنی از هر جزیره ایجاد امکاناتی از قبیل، امکانات نقل و انتقال واحداث جاده، سیستمهای ارتباطات عمومی و گسترش شبکه برق و آب و امکاناتی برای حداقل آموزشی و سوادآموزی نیروی کار و غیره آنها تا حدودی که برطرف کننده نیاز طبقه حاکم در این مناطق باشد ضروری میباشد. حال با بررسی بعضی "مناطق محروم" آنچه بودجه رژیم میتواند فهمید که ابعادهای واقعی رژیم جمهوری اسلامی در مورد "محرومیت زدائی" بودجه سال ۶۹ تا چه حد واقعی و دور از حقیقت است.

بودجه‌ای که در سال ۶۹ قرار است صرف "مناطق محروم" شود ۴۳ میلیارد ریال است که بازم آنها برابر از هزینه‌های نظامی رژیم در سال آتی کمتر میباشد. حال اگر بازم مجموع تمام بودجه‌ای که در سال ۶۹ زیر لوای مبارزه با "محرومیت"

اما ابعاد این بذل "توجه زیادی" سران جمهوری اسلامی به "بعضی دفاع" و یا بمبارت صحیح به سرکوب عنان گسیخته توده‌ها در آنچه بودجه سال ۶۹ رژیم هنگامی خود را روغنتر مینمایاند که هزینه نیروهای سرکوبگر را با برخی دیگر از هزینه‌هایی که رژیم با ادعای کوشش در جهت حل معائب و مشکلات کمرنگن جامعه مرقوم نموده مقایسه کنیم.

سران فریبکار رژیم علیرغم اختصاص بودجه کلان به امور نظامی در عمل و با بوق و کرنای فراوان جار زده‌اند که ویژگی برنامه سال ۶۹، "اولویت" امر آموزش و پرورش بجای "الویت" جنگ میباشد. آنها همچنین مدعی شده‌اند که ویژگی دیگر این بودجه، توجه به "مناطق محروم" و مبارزه با "فقر گسترده" در جامعه است. اما برای اینکه با ادله بیشتری روشن گردد که ابعادهای برطنطرای رژیم در این زمینه به سیای گذشته از حیطه حرف و لاف و گزاف فراتر نرفته است، لازم است تا مفهوم "اولویت" ادعائی امور آموزش و پرورش مملکت به "مسئله جنگ" را از نظر جمهوری اسلامی روشن کنیم. البته برای این منظور احتیاج به تالی زیادی نیست تنها مقایسه ساده‌ای بین رقم بودجه تخصیص یافته برای آموزش و پرورش و هزینه‌های نظامی رژیم اوج عوامفریبی رژیم جمهوری اسلامی را در این زمینه روشن میکند.

مطابق گزارشی رئیس جمهور در مقطع ارائه لایحه بودجه سال ۶۹ به مجلس، در کل برنامه ۵ ساله، برای آموزش و پرورش که بنا به ادعای سران رژیم گویا "اولویت" برنامه رژیم را بجای هزینه‌های جنگی اغفال کرده، مبلغ ۹۰/۶ میلیارد ریال بودجه در نظر گرفته شده که این مقدار به مراتب کمتر از  $\frac{1}{10}$  بودجه سرسام‌آور تجهیز و تقویت ماشین جنگی رژیم و تقریباً معادل میزان افزایش - نقت کنید فقط افزایش - است که در طول يك سال برای "فصل امنیت داخلی" همی پیشی شده است. اما رقم ۹۰/۶ میلیارد ریال بسرای آموزش و پرورش، برای ۵ سال است. کل بودجه آموزش و پرورش در سال ۶۹ بنا به اعتراف یوسف پور نماینده مجلس ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است. البته صرفنظر از بودجه‌های استانی - که بهیچ رو حتی قابل مقایسه با هزینه نجومی یکسال ماشین سرکوب رژیم نمیباید.

سنجش میزان بودجه‌ای که در سال ۶۹ قرار است به اصطلاح صرف "مناطق محروم" شود با هزینه‌های سرکوب رژیم نیز باریک، ماهیت دروغین "محرومیت زدائی" برنامه رژیم

جنگ خانمانسوز ایران و عراق گردد. تعیین این مقصدار قلیل برای بازسازی شهرها و روستاهای ویران شده در اثر جنگ که تعداد آنها به مراتب بیشتر از رقم اعلام شده میباشد آنقدر مغرر است که حتی نمایندگان مجلس رژیم نیز بستان معترفند. مثلاً محمد رحیمیان یکی از نمایندگان رژیم در مجلس ضد خلقی اعتراف میکند: "در برنامه ۵ ساله، ۲۵ میلیارد تومان برای بازسازی گناخته‌اند که این در یک گوهدای از شهرهای ایلام، باختران، کردستان و خوزستان کم می‌شود درحالی‌که فقط تعمیر و مرمت و بازسازی خانه‌های روستائی و شهری آبانان و خرمشهر نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان تخمین زده شده است."

به این ترتیب مفهوم عملی شعار پرطنطراق "بازسازی" در نزد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خود را عیان می‌سازد. لایحه بودجه سال ۶۹ به‌نوبه خود تأکیدی بر این حقیقت است که "بازسازی" از نظر رژیم حاکم، نه بازسازی و ترمیم زندگی ویران شده توده‌ها و آبانانسی شهرها و روستاهای مغروبه، بلکه به‌طور اولی بازسازی منافع ضربه خورده سرمایه‌داران وابسته در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. به همین دلیل است که در بودجه سال آتی، اگر عمده انرژی و امکانات مملکت و تمامی هم‌سران مسزبور رژیم جمهوری اسلامی در سطحی بالاتر از زمان جنگ، مصرف ترمیم و تجهیز توسازی و تقویت ماشین سرکوب نظام شده‌است، در عوض به همان نسبت "توجه" و "حجدهای" در کار بازسازی خانه و کاغاه و حیات و هستی ویران شده میلیونها تن از هموطنان جنگزده و دریندر ما به خرج ناده شده‌است. نامنه عدم توجه و اهمالهای رژیم در این مورد آنقدر گسترده شده که حتی نماینده مجلس ارتجاع از آبانان نیز عنوان میکند با این وصف بازسازی آبانان و خرمشهر تا "مد سال دیگر" هم طول خواهد کشید!

و بالاخره لایحه بودجه صوبه اسفند ماه ۶۸ رژیم، علاوه بر تمام ویژگیهای فارتکرانه و ضد خلقی فوق و یک "عیدی" فوق‌العاده هم برای توده‌های دریندما به همراه نارت و آنهم نوید آغاز قطع تدریجی سوسید هاست. یعنی رژیم از سال ۶۹ به بعد خواهد کوبید در طول برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ۵ ساله خوبی سوسید برخی از حیاتی ترین اقلام مورد نیاز زندگی روزمره توده‌ها نظیر فرآورده‌های نفتی، آب، برق و خدمات عمومی و

و "اولویت" آموزش و پرورش به اموری نظیر بری روستائی و آب روستائی، بهداشت و درمان، ایجاد راه روستائی و بالاخره امر آموزش و پرورش اختصاص یافته و مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال را بر بر می‌گیرد. با هزینه‌های ماهین جنگی رژیم در همین سال قیاس کنیم باز هم کل این رقم حتی تنها با  $\frac{1}{2}$  بودجه حداقل ۲۰۰۰ میلیارد ریالی ارگانهای جنگی رژیم برابری نمیکند.

بیا مد برنامه بودجه سال ۶۹ رژیم جمهوری اسلامی برای روستائیان محروم و کفار و زان زحمتکس نیز انا مد رونسند محرومیت و ورشکستگی تدریجی، در سطحی فزونیتر میباشد. لایحه بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی تحت نام بخش "کفاورزی" ۱۶ میلیارد تومان را در چند محور به این بخش اختصاص داده است. گرچه سران رژیم موکنا از نقش اساسی کفاورزی در مملکت و رسیدگی به آن در برنامه ۵ ساله ناد سخن میدهند، اما برغم این شعار پراکندهای عوامفریبانه روشن است که اوضاع وخیم کار و حیات کفاورزان در شرایط فعلی و روند رعد یافته آن در سالهای اخیر که زیانزد خاص و عام است بهی از هر چیز محصول مستقیم سیاستهای ضد خلقی این رژیم در رابطه با کفاورزی بوده و میباشد. بنا بر این رقم نازل اختصاص یافته برای بخش کفاورزی در سال ۶۹ نیز خارج از چهارچوب سیاستهای رژیم در این مورد نبوده و با توجه به انبوه متضلات و کپیوهای کفاورزان بهیچ رو گری از مشکلات آنها را باز نخواهد کرد و کفاورزی مملکت نیز در سال ۶۹ اوضاعی بهتر از سالهای پیش نخواهد یافت.

یکی دیگر از فصلهایی که در آن برنامه بودجه ۶۹ جمهوری اسلامی ماهیت ضد خلقی این رژیم را بهی از بهی بنمایش می‌گذارد فصل مربوط به بازسازی مناطق جنگی است. با قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق دولت‌مردان حاکم، تبلیغات وسیعی را مبنی بر پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور سازمان ناندند. اما در حالیکه بهی از یکسال و نیم از آن مقطع شهری گفته است، رژیم فریبکار جمهوری اسلامی کمترین گام جدی در بازسازی زندگی ویران شده توده‌ها در مناطق جنگزده برنداشته است و حال لایحه بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی تأکید رسمی دیگری بر این روند است. برغم تمامی هیاهوی سران رژیم، در سال آتی در خوش بینانه‌ترین حالت قرار بر آنست که  $\frac{1}{2}$  میلیارد تومان صرف بازسازی ۱۰ شهر و بهی از ۱۰۰۰ روستای ویران و نیمه ویران مملکت در اثر

رو به نزول خوده همواره مبالغه سرسام آوری پول بدون  
بقتوانه را تحت نام استقرار بانکی وارد سیستم پولسی  
بیمار و پریمان جامعه تحت سلطه کرده و با این تاکتیک  
بکوشد تا کسری نرآند خود را جبران کند. تاثيرات بس  
مغرب این شیوه زیانبار در نرجه اول متوجه توده های  
تحت ستم است. چه رژیم جمهوری اسلامی با این ترتیب بسا  
تزیق میلیاردها تومان پول بدون بقتوانه و فاقد ارزش  
به سیستم پولی جامعه به طور اولی موجب نا امن زدن به تورم  
و عتاب آن می گردد. به این ترتیب این توده های تحت ستم  
و در راس آنها کارگران و زحمتکشان فقیر و کم درآمد  
هستند که متضرر شده و فقر و خانه خرابی هرچه بیشتر زندگی  
آنها را در خود می یلعد. اما آنچه که سمای لایحه بودجه  
سال ۶۹ را لژسالیهای قبل متمایز می سازد ابعاد فزاینده  
و خطرناک این استقرار است. به طوری که رژیم جمهوری  
اسلامی در مدد است تا نیمی از هزینه های نجومی خود را به  
این شیوه زیانبار تامین کند. این واقعیت را می توان در  
اعتراف رک و پوست کنده علی پناهنده، نماینده رژیم مشاهده  
نمود. او ضمن یادآوری این مسأله که "استقرار از سیستم  
بانکی افزایش یافته" عنوان می کند که: "در حالیکه نیمی از  
بودجه کشور استقرار است آنوقت پول قرض کنیم و خرج کارهای  
جاری بکنیم؟" (تاکید از ماست)

اما دولتمردان رژیم جمهوری اسلامی، این "قهرمانان"  
مبارزه با "فقر" و "محرومیت" برغم این واقعیت مدعیند  
که برنامه ۵ ساله آنها علاوه بر "فقر زدایی" "تورم زدایی"  
نیز هست. آنها برای اثبات ادعاهای خویش، برای سالیهای  
آینده حتی آمار و ارقام هم در مورد کاهش تورم بیسی بیسی  
کرده اند. اما هرگاه ادعای جمهوری اسلامی راجع به خصوصیت  
"شد تورمی" برنامه پنج ساله را از حیثه حرف و عمار  
بیسرون آوریم آنگاه نه تنها عوامفریبی آشکار ادعاهای  
رژیم در مورد کنترل تورم در بودجه سال ۶۹ بروشنی هویدا  
خواهد شده بلکه روشن خواهد گفت که یکی از محصولات اجتناب  
ناپذیر اجرای این برنامه افزایش تورم به نرجهای بسیار  
فزاتر از نهزاد فعلی ست. در واقع جمهوری اسلامی در برنامه  
خویش می خواهد با افزایش تورم در عمل، به "کنترل" تورم  
در حرف بپردازد. کاری که از عهد کسانی به غیر از سران  
رژیم جمهوری اسلامی و طراحان این برنامه ساخته نیست.  
استقرار نیمی از بودجه سال ۶۹ از سیستم بانکی نیز مؤید این

مغایرات را قطع کند. در این رابطه مسعود روحانی و نجاشی  
رئیس سازمان برنامه بودجه جمهوری اسلامی تاکید می کند:  
"در حال حاضر دولت برای کالاهائی مثل فرآورده های نفتی و  
آب، برق و خدمات و مغایرات و بستم سوید می دهد که در  
نظر است طی برنامه ۵ ساله نرخی این خدمات بصورت تصاعدی  
افزایش پیدا کند و کم کم سوید برنامه خود" به این  
ترتیب افزایش سرسام آور میزان اخذ مالیات به موازات قطع  
تدریجی سویدها نمار اقتصادی مغایسی را بردوش توده های  
تحت ستم و بویژه طبقات تهیدست وارد خواهد نمود و حیات  
و هستی فلاکت بار آنها را بهر از پیش در معرض ورعکستگی  
قرار خواهد داد. اما ستاندرکاران رژیم که بخوبی بر این  
حقیقت و همچنین به نفرت و خشم روز افزون توده های به جان  
آمده نسبت به اتخاذ این سیاست واقفند پارها کاری تمام  
نرصدد لافافه بافی برای این سیاست ضد خلقی خود برآمده و  
به همین خاطر بار دیگر از زبان روحانی زنجانی اعلام میکنند  
"مردم باید بدانند که در برنامه توسعه اقتصادی وقتی ما  
اعلام می کنیم سوید را کم خواهیم کرد این به معنی بسالا  
رفتن قیمتها نیست (!؟) بلکه سیاست فقیر نرخی تار سیدن  
به قیمت های تعاونی ست." همین مزدور هنگام تصویب لایحه  
بودجه سال ۶۹ در مجلس ارتجاع در توجیه برنامه تن اولیسن  
گامهای پیش بینی شده برای لغو سویدها، راجع به افزایش  
بهای آب و قنطاریه عنوان می کند: "به چه دلیل ما باید  
سوید بهمم، هر کسی که در تهران زندگی می کند باید خدماتی  
را که می گیرد پولی را بدهد." البته روشن است که اولیسن  
قریبانان قطع سوید ما به احتاج اساسی زندگی نرخر آب و بری  
و غیره، کسانی به غیر از طبقات فرودست و محروم جامعه نیستند.  
و همین واقعیت یکی دیگر از مایخ های ست که بوسیله آن میتوان  
عبار ادعاهای بوچ رفع "محرومیت" و "فقر زدایی" برنامه  
سال ۶۹ رژیم جمهوری اسلامی را محک زد.

چنا از این موارد یکی از مهمترین مشخصه های قابسل  
تامل دیگره در لایحه بودجه سال ۶۹ رژیم مسأله "استقرار"  
است. رشد سرطانیای بحران امپریالیستی ای که با عواقب  
و ابعاد مرگبار خود در طول سالیها بر جامعه تحت سلطه ما  
سرعکن شده سقوط چشمگیر درآمد های ارزی و در يك كلام  
افلاس اقتصادی حدت یافته رژیم و ۰۰۰ جمهوری اسلامی را  
واناعته که در اوج ورعکستگی برای ایجاد توازن بیسن  
هزینه های نجومی رو به افزایش دستگاه دولتی و درآمد های

خواهد آمد .

خلاصه کنیم : برنامه بودجه سال ۶۹ رژیم ، برنامه‌های در خدمت تحقق اهداف غارتگرانه سرمایه‌داران وابسته و بودجه‌ای برای تضمین بیشتر فقر و فلاکت روزافزون توده‌های تحت ستم است . این بودجه برخلاف تمام تبلیغات ریاکارانه رژیم ، نه تنها "فقرزدا" و "محرومیت زدا" نیست ، نه تنها هیچگونه "رفاه" و "آسایش" اقتصادی‌ای برای توده‌های تحت ستم به ارمغان نمی‌آورد و بالاخره نه تنها گرهی از انبوه معضلات اقتصادی - اجتماعی آنها را باز نمی‌کند ، بلکه روند فقر و فلاکت میلیونها تن از توده‌های محروم را به نفع کسب سودهای نجومی برای اقلیتی از زالموفتان و استثمارگران وابسته تشدید میکند . در واقع سران رژیم جمهوری اسلامی در "نوع" بازسازی "نظام امپریالیستی موجود ، با سازماندهی و اجرای این برنامه در جهت وابسته‌تر کردن هر چه بیشتر مملکت به امپریالیستها در شرایط پس از جنگ و محکوم نمودن زنجیرهای اسارت و بندگی بریاهای کارگران و توده‌های محروم ما حرکت میکنند . این جوهر حقیقی لایحه بودجه ضد خلقی‌ای است که سران رژیم جمهوری اسلامی آنرا برای سال ۶۹ از تصویب مجلس خود گذرانده‌اند .



چریک فدائی خلق رفیق  
شهید اسکندر صافی نژاد



چریک فدائی خلق رفیق  
شهید رحمت‌الله پیروندیری

واقعیات است . در واقع انعکاس بلاواسطه پدیده مخرب "استقراض" در جامعه و ورود حجم عظیمی پول بدون پشتوانه در سیستم اقتصادی به طور اولی خود را به صورت تورم انفار گسیخته ، رشد لحظه‌ای قیمت‌ها و نزول روزافزون ارزش پول کشور در مقابل ارزهای خارجی می‌نماید . اما با این وجود سران فریبکار جمهوری اسلامی که یکی از اهداف خود را در تبلیغات مزورانه شان حول برنامه ۵ ساله ، کرارا مبارزه با تورم و "کنترل" آن وانمود ساخته‌اند ، در عمل قصد دارند کسری چشمگیر ۱۶۳۱ میلیارد ریالی بودجه شان در سال ۶۹ را با استقراض از سیستم بانکی تامین کنند . جالب اینجاست که اگر در سال گذشته میزان "استقراض" رژیم از بانک مرکزی ۱۰۵۱ میلیارد ریال بوده اما در لایحه بودجه "تورم زدای" سال ۶۹ جمهوری اسلامی ، برای میزان استقراض ، یک افزایش سهمناک ۴۲ درصدی یعنی مبلغی معادل ۴۱۶ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که خود بخوبی پرده از "کنترل" تورم ادعائی سران رژیم برمی‌دارد . با این وصف رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه‌داران زالموفت‌گرا وابسته‌ای که در طول سالها همواره و تا حد ممکن از اضافه کردن چند تومان ناقابل به دستمزد ناچیز کارگران به بهانه افزایش تورم طفره رفته‌اند ، در عوض در برنامه سال ۶۹ خویش بدون هیچگونه نغدغه‌خاطری با تزریق صدها میلیارد ریال اسکناس بدون پشتوانه به اقتصاد بیمار و وابسته جامعه ، تحت عنوان استقراض ، موجد عتاب تورم انفار گسیخته‌ای شده‌اند که کمر کارگران و توده‌های تحت ستم را در پایان اجرای این "برنامه" هر چه بیشتر زیر بار انفار طاقت فرسای خود خرد خواهد کرد . از سوی دیگر باید دانست که استقراض از سیستم بانکی تنها قادر است کسری بودجه ریالی عظیم جمهوری اسلامی را با عواقب مرگبار بر سر مرده‌ها بر کند . هرگاه در نظر بگیریم که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در کل بودجه ۵ ساله اش مبلغی معادل ۲۲ میلیارد هم کسری دلاری دارد که درصد است آنرا مستقیما از منابع امپریالیستی‌ای نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول - آنها با قبول شرایط فوق‌العاده اسارت‌بار بازپرداخت آنها - قرض کند ، آنگاه تصویب روشنتری از نقشه‌های شوم سران این رژیم در تشدید غارت و چپاول توده‌ها و در وابسته‌تر کردن هر چه بیشتر مملکت به امپریالیستها ، در این برنامه با بودجه آنچنان‌بسی بدست



## اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با فاجعه زلزله در استانهای گیلان و زنجان

خلقهای قهرمان ایران!

در اوائل با مناد روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ماه زلزله قدرتمندی به قدرت ۷/۳ ریشتر بخشی از ایران را به لرزه درآورد که در استانهای گیلان و زنجان صدمات جانی و مالی بزرگی بر جای گذاشت و فاجعهای مهمتناک آفرید.

اگرچه هنوز از تعداد کشته شدگان و مجروحان این زلزله بطور دقیقی نمیتوان سخن گفت، اما براساس آخرین گزارشهای منتشر شده تعداد کشته شدگان به ۴۰/۰۰۰ نفر میرسد و این در حالی است که حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر مجروح و حداقل ۴۰۰ هزار نفر بی‌خانمان گشته اند. شهرها و روستاهای بسیاری با خاک یکسان شده اند و تلی از اجساد بر جای مانده و هزاران انسان خانه و کاشانه خود را از دست داده اند. این ارقام خود بروشنی ابعاد فاجعهای که بر اثر زلزله مزبور بوجود آمده است را روشن میسازد و تصویری است دردناک از مناطق زلزله زده پس از فاجعه اخیر، زلزله‌ای که بنا به گزارش خبرگزاریها در ۱۴ سال اخیر در سراسر جهان بی‌سابقه بوده است.

پس از وقوع زلزله در استانهای گیلان و زنجان و نتایج فاجعه بارش، خامنهای رهبر جمهوری اسلامی بی‌سرمانه این فاجعه را يك " امتحان الهی " نامید و کوشید با توسل به خرافات مذهبی ذهن نوده‌ها را از دلائل زمینی و عینی این واقعه و مسئولیت نظام حاکم و رژیم جمهوری اسلامی برگسترده‌گی لطمات و زیانهای وارده به مردم منحرف نموده و ذهن آنان را به آسمانها و ناپیره اوهام و خیال سوق دهد.

سرمداران جمهوری اسلامی که دقیقاً می‌دانند ایران بر روی یکی از سه کمربند زلزله خیز سیاره زمین قرار دارد و به همین دلیل نیز خطر زلزله همواره مردم ما را تهدید می‌نماید نه تنها تئوریکاً برای مقابله با این حوادث تدبیر و تمهیداتی بلکه بی‌سرمانه تمامی امکانات جامعه را به پیشبرد سیاستهای ضد انقلابی خود اختصاص می‌دهند. آنان در صورت بروز چنین حوادثی که هزاران انسان جان خود را از دست میدهند ریاکارانه با توسل به منقلب میکوشند توده‌ها را فریب داده و آنها را به آرامش و تسلیم در برابر تقدیر وادارند. در حالیکه زلزله همچون سیل و طوفان و نظایر آن، حوادث طبیعی ای هستند که دانش بشر در اثبات تکوین و شکل‌گیری آنها را کاملاً شناخته و به اثبات رسانده است. و اتفاقاً سطح تمدن بشری نیز تا بدان حد پیشرفت کرده است که بتواند با اقدامات و بهمه‌بینی‌های مناسب در صورت بروز اجتناب‌ناپذیر چنین حوادثی از شدت صدمات آنها کاسته و از آن مهمتر با رساندن سریع امداد به قربانیان حادثه از گسترده‌گی ابعاد ضربات چنین حوادثی جلوگیری نمود.

بنابر این اگر رویکرد زلزله حادثه ای طبیعی بوده و وقوع آن از اراده انسانها خارج است اما واقعه‌ای نیست که نظام حاکم و رژیم‌های موجود نقش بزرگی در ابعاد و گسترده‌گی لطمات وارده

داشته و چگونگی کمک رسانی آنان به قربانیان و بازسازی مناطق آسیب دیده می تواند تا حدودی از گسترده گی لطمات و خسارات به توده ها بکاهد. چنین است که در نظام سرمایه داری وابسته ایران و تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که همه امکانات جامعه در جهت فریب کشیدن هرچه بیشتر سرمایه داران زالمصفت و اربابان امپریالیست آنها بکار گرفته شده و مبالغ سرسام آوری صرف خرید اسلحه و تقویت ماعین سرکوب دولتی می گردد و درست به این دلیل کمترین توجهی به شرایط زندگی توده های تحت ستم و از جمله به مسئله مسکن آنان نمی شود، بهنگام وقوع زلزله و خسوات طبیعی ای نظیر آن ابعاد لطمات و خسارات بسیار سنگین گفته و فاجعه ای آفریده میشود که خود ننگی است بر پستی نظام ظالمانه حاکم و حامیان و بهشیرندگان جنایتکار این نظام .

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله پس از فاجعه زلزله اخیر، سفره گدائی خود را بر هر کوی و برزن گموده و از مردم رنجیده ما که شدیداً از این حادثه دلخراش متاثر شده اند می خواهند که کمک های خود را در اختیار آنان قرار دهند. ولی با توجه به ماهیت ضد خلقی این رژیم واقعیت اینست که نه خود این رژیم ضد مردمی بواقع خواهان کمک و امداد رسانی به قربانیان زلزله اخیر می باشد و نه کمک های توده ها از طریق مزدوران نزد و فاسد این رژیم می تواند بنست آنان برسد. خلقهای قهرمان ایران :

فاجعه زلزله در استانهای گیلان و زنجان حادثه دلخراشی است که بدون شك باعث غم و اندوه مردم ستم دیده ما گردیده است. چریک های فدائی خلق ایران خود را در این غم شریک دانسته و ضمن ابراز مراتب همدردی خود با مجروحین و آسیب دیدگان و همه بازماندگان این فاجعه از شما مردم فداکار و متعهد می خواهند که راساً به یاری هموطنان رنجیده خود شتافته و تا آنجا که مقدور است آنها را یاری دهید.

تاکید ما بر آنست که خود راساً به سازماندهی جمع آوری کمک های لازم پرداخته و بطریقی مطمئن آنها را بنست بازماندگان زلزله برسانید. شما هرگز نباید کمک های خود را بدست مزدوران نژاد فاسد رژیم سبزه و به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اجازه دهید اینبار به بهانه زلزله و با سوء استفاده از احساسات باک شما و همدردی ستایش انگیزی که نسبت به هموطنان رنج دیده خود دارید به اغازی و چپاول از شما بپردازد و آنرا در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و تقویت قوای سرکوبگرش بکار گیرد.

مرکز بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی  
با ایمان به پیروزی راهمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
۳ تیر ماه ۶۹

### گفته‌ها و نکته‌ها

را دیو جمهوری اسلامی ۱۲۳  
 ستاد رسیدگی به زلزله زدگان مستقر در ریاست جمهوری  
 شمار گفته شدگان و مجروحان فاجعه زلزله استانهای گیلان  
 و زنجان را تا ظهر امروز جمعا ۲۲۵۸۶ نفر اعلام کرد که  
 از این رقم شمار گفته شدگان زلزله در استان گیلان ۲۳۰۰  
 تلفات زلزله استان زنجان ۱۹۹۱۳ نفر بوده است همچنین شمار  
 تلفات زلزله استان زنجان ۳۰۹۳ نفر و تعداد مجروحان  
 ۱۵۲۸۰ نفر گزارش شده.  
 روزنامه جمهوری اسلامی پنجم میخورد. بار سنگین زلزله  
 که متأسفانه هماهنگی لازم نگشته است. حتی بیل و کلنگ کاری در  
 کمترین اما دگرگان را نگرفته است.  
 دستوری اما دگرگان نیست.

هاشمی رفسنجانی نماز جمعه ۸ تیرماه:  
 فاجعه‌ای که در گسترش ۱۲ هزار کیلومتر  
 باد در نوع خودش در دنیا کم نظیر بود و به  
 همین جهت رسیدگی به تمامی زلزله زدگان و  
 مناطق آسیب دیده کار بسیار مفکلی است که  
 خوببختانه از همان اوائل وقوع زلزله با  
 همکاری تمامی مسئولان، ستاندرکاران و مردم  
 ایثارگر که در مدت انقلاب آزمونهاى زیادی  
 را گذرانده‌اند این مهم انجام شد و کسانی که  
 از خارج آمده بودند و حوادث دیگری را هم  
 دیده بودند اعتراف کردند که دولت ایران و  
 مردم ایران کار بسیار بزرگی را انجام داده‌اند  
 و از سرعت انتقال نرسد کمکها گفت زده  
 شده بودند.  
 ... مجموع این مصیبت را چون این لحظه  
 آنطورکه عایسته يك ملت انقلابی بود شمایست  
 سر گذاریدید و انشاءالله برآینده همین حالت  
 را تا پایان کاربازسازی این مناطق و مناطق  
 جنگ‌زده حفظ خواهیم کرد و دريك کار دسته  
 جمعی این مناطق را بهتر از گذشته خواهیم  
 ساخت.

روزنامه ابواره: "در شهر ویران شده رودبار بی برنامه‌گی عجیبی بر کار حکمفرما بود.  
 بی نظمی در سراسر مدت و در جاهای مختلف از ستاها و ارگانها  
 گرفته تا روستاهای و شهرهای منطقه مشهود بود."  
 کار گرفته شوند.

روزنامه جمهوری ۲ تهر: "هنوز شرایطی فراهم نشده که امدادگران به کار گرفته شوند.  
 مقامات ایران در اعلام خبر زلزله ۲ ساعت تاخیر کردند و پرواز  
 هواپیماهای امداد رسانی از خارج به ایران نیز تاخیر افتاد.  
 زیرا مقامات ایرانی نمی‌توانستند تصمیم بگیرند که امداد رسانی  
 غریبی را بایسد بپذیرند یا نه. به این ترتیب فرصت هائی  
 که می‌توانست به نجات جان شماری از آسیب دیدگان و زیر آوار  
 ماندگان منجر شود از بین رفت."  
 یکی از امدادگران فرانسوی میگوید: "شاید حکومت ایران عمق و دامنه  
 فاجعه زمین لرزه را بدرستی تشخیص نداده بود."

روزنامه تابنده: "فاجعه زمین لرزه را بدرستی تشخیص نداده بود."  
 یکی از امدادگران فرانسوی میگوید: "شاید حکومت ایران عمق و دامنه  
 فاجعه زمین لرزه را بدرستی تشخیص نداده بود."

کانال تلویزیونی T.V.O ایتالیا از قول یکی از امدادگران خارجی میگوید:

"زمانی که به منطقه رسیدیم کار از کار گذشته بود"

روزنامه "کوریت" اتریش بنقل از گروه خارجی:

"ارتش هیچ هلی کوپتری برای بریدن ما قرار ندارد. ما یک ساعت طول می کشیم تا به منطقه نرسیم. برای هر یک از ما ۲۰۰ کیلو متر راه را باید طی کنیم"

خبرگزاری فرانسه:

در اردوگاه لوشان چهار هزار نفر را در گرمای شدید تابستان در ۳۰۰ چادر روی هم انباشته اند. آنها از محاصره پاسداران به عذاب آمده اند. "....." اکیپهای بین المللی برای هر کمک و اقدامی باید بیوسته با پاسداران که در صدد کنترل منطقه هستند مذاکره و بحث کنند. و بنقل از یک امدادگر خارجی میگوید: "هر چیزی به بحث و مجادله گذاشته میشود، حتی نصب یک چادر و یا استقرار یک توالت"

روزنامه شیکاگو تریبون:

"در مناطق زلزله زده حتی روز دوشنبه یعنی ۵ روز بعد از وقوع زلزله نیز هرج و مرج وجود داشت و مقامات به یک گروه پزشکان فرانسوی امدادگر دستور دادند که از محل خارج شوند. این در حالی بود که مردم مصیبت دیده به آنها التماس میکردند که به آنها کمک پزشکی برسانند"

روزنامه جمهوری اسلامی:

ایران از امریکا کمک قبول نمیکند. مردم حتی در زیر آوار مرگ بر امریکا میگویند"

ریپو رژیم ۶/۳ منطقه رود بار ۱۰۰٪ تخریب مناطق لوشان و منجیل و روستاهای رودبار ۹۰٪ تخریب گریخته است.

روایتی:

روزنامه کیهان انترنشنال: کسانی که در زلزله خانواده همه و یا کودکان خود را از دست داده اند در شرایط و موقعیتی هستند که در اطاق با تهویه مطبوع نشسته است آسان است که از بازماندگان این مصیبت بخواهد مرگ بر امریکا بگویند"

روزنامه "دی پرس" اتریش: گروه نجات اتریش که در زلزله ارمنستان خیلی موفقیت داشت می توانست بعد از اعلام این فاجعه با ۳۰ تیم شامل سگهای رد یاب و ۱۰ کمک پزشکی به ایران سفر نماید ولی به علت مخالفت خاندانهای رهبر مذهبی رژیم، اجازه این کار به آن داده نشد"

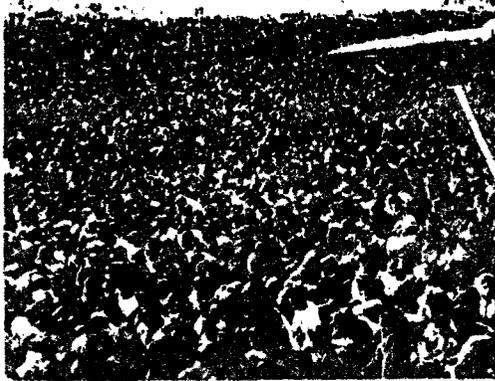
روزنامه رسالت: "حتی تا روز شنبه ۳ روز بعد از وقوع زلزله بسیاری از روستاهای ایران توسط امداد نیبوندند"

.....

رها کنید مرا  
تا ببینم  
من این گل را میفکام  
من این گل را میفکام  
من با این گل سرخ  
در تپه‌ها خانه‌ها دستفام  
من به این گل سرخ  
در مینان راه آهن سلام بادفام  
آ... ی  
من این گل را میفکام  
دستانم دو کبوتر بودند  
هر ماهی تفنگ  
در کودکی  
در گندمزار می‌پریدم  
در جوانی  
در گلوله‌ها  
با این دمان خونین  
من این گل را میفکام  
در چشم هایم  
عمله و خنجر ناهت  
و در قلبم  
زنجبلی و  
چشم آهنی  
که جرمه جرمه  
می‌گریست  
روی بهار پنجاه و یک  
میهد گوزن سرخ  
سعد فن تاب عقی



این مرد نعره بسته  
در خون لخته کیست؟  
گرامی باد خاطره ماعز انقلابی خلق  
رفیق سدید سلطانپور



بر دیوار ارتش می‌کوبید  
صدای گلوله  
صدای محاصره  
صدای باروت  
صدای "زندگیا..."  
آ... ی  
برنارید  
آن برنده را برنارید  
خون روی شاپان بریز میزند  
با خنجر عصب  
پرتل می‌کوبم  
تیغه در خون می‌چرخانم  
تا بنتر ترا ای گلبن تبریاران

در خونجاله دل بکارم  
چون کوهی از آتشی  
هر می‌خیزم  
با چشمه خونین امک  
سروی تجزیه‌های شهادت  
مرتبه سوزان زماندام را می‌براهم  
و خرمند و عاق  
خفته بر چشای لبانم  
رویای بهرقرار بوسه و آتشی  
تازنجکی در مفت  
سکس در بال  
با اوراتی که چون گل در جبهه‌ها هم شکفته‌اند  
بسوی سازمان مردم بهی‌مروم



شهر منجیل که بر اثر  
زلزله اخیر به تلی از  
خاک تبدیل گردید.



امام تمام نقد و نخواهد شد. این ثابت شده. اما این دشمنی که می‌گردد. میان یک عده دوست‌ناتان در داخل کشور به عنوان نلسوزی به عقل ناقص خودشان به چیزی رایب‌گوشه‌ای نشان‌کننده که خیال‌کنند این بساط امام و انقلاب نسیازه‌عیون سرد دهند که دوران امام تمام شده.

خامنه‌ای سپس همدار ناد: "اگر چنین سخنی ولو به اشاره از زبان کسی صادر بشود دشمن‌ها خواهد بود، مواظب باشید."

خامنه‌ای در ادامه تعرض آشکار خود به مخالفان دولت و رئیس‌جمهور متذکر شد که جمهوری اسلامی از "چهارچوب ترسیم شده انقلاب" تخطی نکرده که "یک عده ناپه‌های مهربانتر از مادر" می‌اینجا و آنجا می‌نشینند ذهن مردم را خراب می‌کنند.

اشاره صریح رهبر جمهوری اسلامی به "ناپه‌های مهربانتر از مادر" نیز روشن است. وی در واقع جناح مخالف دولت و اظهارات سخنگویان آنها را طرف یک هفته اخیر آماج قرار داد. چرا که درست چند روز قبل از سخنان خامنه‌ای در مشهد بود که علی‌اکبر محتشمی یکی از چهره‌های سرشناس مخالف دولت در محاسبه با روزنامه کیهان اعلام کرد "از سرگیری مناسبات سیاسی با ایالات متحده با موازی‌ساز عرص اسلام مبی‌اینت نارد و حتی به خاطر باز پس گرفتن سپرده‌های مسدود شده نیز نباید با آمریکا تجدید رابطه کرد." محتشمی با حمله غیر مستقیم به رئیس‌جمهور و جناح رقیب در حکومت ادامه داد: "منتقد انفرادی که می‌گویند باید برای باز پس گرفتن

سپرده‌های ایران و دریافت قطعات پزشکی و بازسازی جنگی باید با آمریکا تجدید رابطه کرد. ولی این مواضع دقیقاً با ارزشهای انقلاب و رهنمودهای امام خمینی مبی‌اینت نارد." محتشمی مباحثاً تاکید کرد که: "آنهايي که کار و سیاست خود را بر امل تفتیح زبانی در رفیع بحران با آمریکا قرار داده‌اند نه از اسلام چیزی می‌فهمند و نه انقلاب و رهنمودهای امام خمینی را ترک می‌کنند." محتشمی سر آخر بنا سخنانی بر طمطراق تهدید کرد که توده‌های انقلابی اجازه چنین چیزی را نخواهند داد.

همچنین موسوی خویینی‌ها این مزدور شناخته شده از زمره "نگر " ناپه‌های مهربانتر از مادر" بود که با سخنان رهبر جمهوری اسلامی مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت. وی نیز چند روز پیش طی یک مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اشاره به افرادی که "مخامیل به برقراری رابطه با آمریکا" هستند اظهار ناخوشی کرد: "اینگونه افراد از اسلام ناب محمدی دور می‌شوند و می‌خواهند اسلامی به وجود آورند که مورد پسند آمریکا قرار گیرد."

هرگاه به این خط و نشان که پندها و تشبیهات اظهارات هفته گذشته سید احمد خمینی مبنی بر اینکه وی بحال روزی که دولت از خط امام "منحرف" بشود را نیز اضافه کنیم آنگاه فضای روغنتری از اوج گسری اختلافات درونی بین سران رژیم جمهوری اسلامی در روزهای اخیر بدست می‌آید.

مهمترین سوالی که در رابطه با این تضادها طرح می‌گردد عبارت از این پرسش است که براساسی در ورای

تمامی اظهارات فوق که ظاهر آنها را اختلاف برسر رابطه با آمریکا و همچنین اختلاف برسر خط امام و اسلام و غیره تشکیل می‌دهد، چه منافع مادی ای نهفته است؟ آیا در رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی واقعا عده‌ای خواهان "برقراری" رابطه با امپریالیستها و عده دیگری مخالف "تجدید" این رابطه می‌یابند. و بالاخره آیا آنطور که تبلیغات کاذبانه بلندگوهای امپریالیستی می‌خواهند جلوه دهند در جمهوری اسلامی جناحی "میان‌درو" و موافق رابطه با غرب و جناح دیگری "تندرو" و مخالف این رابطه است؟

واقمیت این است که رژیم جمهوری اسلامی با تمام نارودسته‌های درونی اش از اولین روز حیات خویش رژیم وابسته به امپریالیستها و نوکر و مجری اوامر آنها در ایران و در سطح منطقه بوده و می‌یابند. تمامی سیاستها و عملکردهای این رژیم در طول یک دهه اخیر چه از زاویه غارت و استثمار خلقهای ما و رختن سود ناهی از آن به جیب انحصارات امپریالیستی، و چه از زاویه سرکوب و قلع و قمع جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی چه خدمات ذی‌قیمتی را در طول مدت حیات خویش برای سرمایه‌داران جهانی انجام داده است. گذشته از این عملکردها، در طول یک دهه گذشته مواردی نظیر افتتاح "ایران گیت" نیز که اتفاقاً در زمان حیات خود خمینی مزدور و کار بدستی به اصطلاح تندرو-ترین جناح جمهوری اسلامی به وقوع پیوست بخوبی ثابت کرده است که تمام نارودسته‌های درونی رژیم تا مغز

استخوان به امپریالیستها وابسته می‌باشد. با توجه به این واقعات است که میتوان دریافت در طول يك دهه اخیر تمامی دولتمردانی که تحت مناسبات سرمایه‌داری وابسته و حاکمیت شاه رژیم جمهوری اسلامی در مسند قدرت بوده و هستند از به اصطلاح تندروترین آنها تا به اصطلاح میانه‌روترینشان جز مزدوران جیره‌خواری نبوده‌اند که دستشان تا مرفق به خون خلیفهای تحت ستم ما آلوده بوده و می‌باشد. در خدمتگزاری به منافع طبقه سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در غارت و سرکوب کارگران و توده‌های تحت ستم ما بهین خامدای و محتفمی، رفسنجانی و موسوی و بنی‌سفر و مدنی و بالآخره بازرگان و سایر نارو دسته‌های رنگارنگ دیگر حکومت و در رأس آنها خمینی جلاد هیچگونه وجه تمایز اساسی نمیتوان یافت. تمامی این نار و دسته‌ها صرف نظر از اینکه با القابی نظیر "تندرو" و "میانه‌رو" و "لیبرال" و غیره چه بره مزدور خویش را تزئین می‌کنند، جز دشمنان قسم خورده خلیفهای ما و جز مرتجعین وابسته به امپریالیسم نبوده و نیستند. آنها در غارت و سرکوب خلق به نفع امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته کاملاً متفق القولند. اما آنها جد از این تمایه ماهوی و اساسی دارای برخی اختلافات مفصی هم بنا یکدیگر هستند. اختلافاتی در فلسوف دشمنان خلق. اختلافات آنها از جنس اختلافات بین نژاد غارتگری می‌ماند که چون از برای تقسیم اموال به تاراج برده شده از توده‌های محروم برآمده‌اند. در چگونگی این امر به

جدال برخاسته‌اند. در واقع اساس اختلافات آنها و زمینه مادی تمامی جنالهای درونی چندساله اخیر در حاکمیت جمهوری اسلامی را چگونگی غارت و سرکوب خلیفهای تحت ستم ما تشکیل می‌دهد. برای اینکه انطباق این واقعت کلی را با اختلافات معین کنونی بین دولتمردان رژیم نشان نهم باید مسئله را بطور مفصی از برخی زوایای دیگر بشکافیم.

حقیقت این است که مدتهاست بحران مرگباری در تمام عرصه‌ها گریبان دولتمردان رژیم جمهوری اسلامی به مثابه حافظان نظام امپریالیستی موجود را گرفته است. اگر یکی از وظایف جمهوری اسلامی به عنوان يك رژیم وابسته به امپریالیستها در طول حاکمیتش مهار و تخفیف بحران نظام سرمایه‌داری وابسته از طریق تعدیس غارت و سرکوب توده‌های ما بسوده و میباشد، اما این واقعتیست که این بحران بویژه پس از قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق و آغاز "دهه بازسازی" ابعاد به مراتب گسترده تری یافته و مضلات بی‌شمار دیگری را برای رژیم جمهوری اسلامی بیار آورده است. حال با توجه به چنین شرایطی بفرنجیست که در میان صفوف دولتمردان حاکم پیچیدگی مصالح نظام و چگونگی هدایت نظام سرمایه‌داری وابسته به شکلی که به بهترین نحو متضمن منافع امپریالیستها و غارت و سرکوب خلیفهای تحت ستم باشد به سوزهای برای تعدید اختلافات درونی تبدیل گشته است. در این چهارچوب اگر گروهی از دولتمردان حاکم بعضی از مصالح نظام سرمایه‌داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی در دوران بازسازی را در علیی‌ترین روابط

بشت برده و نبریده حکومت خویش با غرب و تنظیم سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی در این راستا می‌بیند، در عوض عده‌ای دیگر همچنان بر پوسیده نگاه داشتن این رابطه ارباب و نوکری و حفظ ظاهر با اصطلاح "راستگال" و شنیدن "مدامپریالیستی" رژیم و غیره اصرار دارند. و به این ترتیب است که هر يك از جناحهای با اصطلاح "تندرو" و "میانه‌رو" درون حکومت جمهوری اسلامی سعی می‌کنند برای تأمین بهتر منافع اربابانفشان، با پیچید این سیاستها در حاکمیت دست بالا را ناعه باشند و کنترل و هژمونی مابین دولتی را توسط نار و دسته خود در اختیار بگیرند. امری که بدون شك از جنبه دیگر خود، بردن سهم فزونتر از غارت و سرکوب خلیفهای ما را برای این نار و دسته‌ها در برخواهد داشت. از اینجاست که می‌توان فهمید در جریان تنشهای درونی اخیر میان دولتمردان متخاصم رژیم، الفاظی نظیر "اسلام آمریکائی"، "اسلام ناب محمدی" و غیره تنها لفافه‌هایی هستند که با هدف فریب توده‌ها و انحراف افکار آنها از ماهیت کل نظام و رژیم وابسته موجود از سوی جناحهای مزدور حاکم به منظور تزئین مقاصد و سیاستهای ضد خلقی خویش کاربرد دارند.

از سوی دیگر دولتمردان متخاصم رژیم در حالی با اتهامات و الفاظی نظیر "نایب مهربانتر از مادر" و "نادان" و "نهم" و "عدم درک انقلاب" و "اسلام آمریکائی" و غیره یکدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند و علم مخالفتهای آندین بر می‌آورند که هر آنجا که پای سرکوب توده‌ها به میان

حاکم هریک در تلاشند بالغافه سازی - های عوامفریبانه برای سیاستهای ضد خلقی خود بازار گرمی کرده و ضمن تامین منافع غارتگرانه جناح خویش در حکومت، ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم جمهوری اسلامی را بیوعانند .

این که آن حقیقتی است که در بطن جنالهای ترونی جمهوری اسلامی جریان نازد و آگاهی بر ماهیت و اهداف این کارزار ضد خلقی و توضیح آن برای عموم از نقطه نظر مبارزاتی یکی از وظایف اصلی نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه را تشکیل می‌دهد.

\* \* \*

باز دیگر آتش تضادهای ترونی بین سگان زنجیری امپریالیسم در ایران گر گرفته است و تحت لوای مخالفت با " رابطه با آمریکا " و یا " اسلام آمریکائی " و غیره جناحهای متخاصم رژیم درصدد یورش به یکدیگر و تقویت مواضع خود در حاکمیت هستند.

در این میان توده‌های آگاه و رزمنده ما باید ترك كنند که در اختلافات بین صفوف دولتمردان رژیم از به اصطلاح " تندروها " گرفته تا به اصطلاح " میانه‌روها " و غیره نه تنها به هیچ وجه بای منافع توده‌ها و يك مبارزه واقعا ضد امریکائی انقلابی در میان نیست بلکه برعکس مزدوران

آید نه تنها تمامی این اختلافات تاکتیکی را به فراموشی می‌سپارند بلکه برای حفظ کلیت نظام از آسیب جنبشی توده‌ها به هر توطئه و دسیسه جنبشی و توافقی مفرکی با همالکی‌های متعارض خود دست می‌بازند. واقعتی که توده‌های آگاه ما در طول سالها زیر سایه سرکوب و قتل و غارت یکپارچه حاکمیت، نظایر آن را در مقاطعی که بالایشها خطری از سوی توده‌های معترض و به باخاسته حس کرده اند، به عینه مشاهده نموده‌اند.

با توجه به این واقعات است که می‌توان فهمید چرا در روزهای اخیر

### چه کسانی عامل افزایش قربانیان زلزله اخیرند؟



### بازرگان : نهرنگ امپریالیسم

از صفحه ۲۰

جماعتی نهرنگ امپریالیستها بر علیه کارگران و توده‌های محروم ما هستند. به این اعتبار و برشم تمامی فریبکارها و همراه عدل‌های ظاهری آنها با جنبش توده‌ها، مردم مبارز و آگاه ما در چهار-چوب بهشبرد بیکار انقلابی خویش برای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر و رسیدن به آزادی و برابری بالخره حساب تمامی ریزه خواران بزرگ و کوچک دیگر امپریالیستها نظیر نار و دسته بازرگان‌ها را نیز خواهند رسید و آنها را نیز با نهرنگ و لعل فریبکارانه‌ای سرانجام در جایگاه حقیقی شان یعنی در کنار جلادان رژیم جمهوری اسلامی برای ابد به گور خواهند سپارد.

\* \*

## بازرگان: نیرنگ امپریالیسم

ازمنده ۳۳

رسانهای جمعی جمهوری اسلامی بر علیه بازرگان و جماعتی سازمان یافت.

بازرگان و جماعتش مفتی "ورعکستان سیاسی" خطاب شدند که به علت وابستگی به غرب از میان مردم "طرد" گشته اند. آنها متهم به جاسوسی برای آمریکا شدند و غیره در ادامه این گیر و دار نیز چند روز پیش در اعلامیه‌ای که توسط بازرگان در اروپا انتشار یافت روغن شد که رژیم جمهوری اسلامی با یورش به "نهیشت" بازرگان ۱۰ تن از همکاران او را نیز دستگیر کرده است و بالاکره ظرف روزهای اخیر تلویزیون رژیم طی خبر کوتاهی ضمن آنکه دستگیری برخی از اعضای جمعیت بازرگان را تأیید کرده از قول نادستانی جمهوری اسلامی اعلام نمود که فعالیت جماعت نخست وزیر قبلی رژیم جمهوری اسلامی ممنوع گشته است.

بدین ترتیب برده دیگری از نمایندگان بازرگان و "نهیشت آزادی" ایمان به صحنه آمد. تبلیغات بلند گویای خبری امپریالیستی نیز ضمن نشر گسترده اخبار مربوط به این قضیه سعی کردند تا با بهره برداری از همین مسأله بار دیگر بازرگان و جماعتش را بر چمنار "مخالفت" با رژیم

جمهوری اسلامی جلوه دهند که گویا در نامه شان "برد فل مردم از اوضاع" را بیان نموده اند و به این خاطر مورد کین و غضب رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. از سوی دیگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حالی از نامه جماعت بازرگان تا بدین درجه آهسته و وادار برعکس - عملهای سریع شد که خود جناب بازرگان در طول بازده سال گذشته بارها به مناسبتهای مختلف و حتی در به اصطلاح انتقادات خویش نسبت به رژیم به سردمداران جمهوری اسلامی اطمینان خاطر داده است که به چهار چوب "نظام" ایمان کامل و فائز است و انتقادات محدود او و جماعتش هیچگاه متوجه اساس نظام ضد خلقی موجود نبوده و نیست. اما با این حال سران رژیم جمهوری اسلامی با اقدامات خویش بر علیه باند نخست وزیر سابق خود به طور اولی این واقعیت را به نمایش گذارند که در موقعیت بحرانی کنونی حتی تحمل کمترین نسیم مخالفتی با حکومت جمهوری اسلامی را ندانند و نندارند. حتی اگر این "مخالفت" از سوی چاکران و مخلصان نظام نظیر بازرگان و نار و دسته‌های باعسد البته سران رژیم جمهوری اسلامی در گذشته بارها "ضربعت" خویش را به جناب بازرگان و جمعیت ایشان

نشان داده بودند اما با اقدامات اخیر و منجمله با دستگیری و ممنوع اعلام نمودن فعالیت جماعت "نهیشت آزادی" بار دیگر تنها بته تمام تبلیغات مزورانه حول ناستان معروف به اصطلاح جناح "میان‌درو" در جمهوری اسلامی روی آب ریخته شده بلکه بار دیگر مشخص گردید که این رژیم در دفاع از منافع اربابانش بسیار جنایتکارتر و قاطع تر از آن است که حتی تحمل اظهار نظرها و انتقادات آبکی هم طبقه‌ای‌های خویش نظیر بازرگان را بنماید.

لیکن این تنها یک جنبه طبیعی قضیه و مربوط به ماهیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. از جنبه دیگری صحنه نرسیدن دوباره بازرگان و نهیشتی در شرایط کنونی و موجی از تبلیغات همراه کننده بلند گویای تبلیغاتی امپریالیسم در تعریف و تمجید از بازرگان و سابقه به اصطلاح مبارزاتی او در چهار چوب این قضیه بار دیگر این سوال را در برابر جنبش انقلابی و توده‌های آگاه و رزمنده قرار میدهد که در ورای ظواهر مربوط به رویدادهای اخیر چه منافع طبقاتی و چه دستانی عمل می‌کنند؟ و مخالفت بازرگان با سران رژیم از قماش چه مخالفتی است؟ آیا براساسی نار و دسته بازرگان از

موانع دفاع از اراده و حقوق عادلانه توده‌هاست که مانند نایب نلسون مندلما برای مردم به رژیم و نولت حاکم متعرض شده‌اند و بالاخره و مهمتر از همه این سوال که توده‌های آگاه و مبارز ما باید نسبت به امثال جناب بازرگان‌ها و نار و دسته و نهفت‌های آراسته شده آنها با القابی چون "آزادی" و "دمکراسی" چه موضعی را اتخاذ کنند؟ واقعیت این است که جناب بازرگان بجز چند ماهی که پس از انحراف و به عکسست گذاشتن قیام دلاوران توده‌ها برای برانداختن نظام فاشیست کثرتی در سال ۵۷ در سمت اولین نعت وزیر منقصب امام و جمهوری اسلامی در راس امور قرار ناعت و همواره در هیات یکی از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی بوده است. البته جالب اینجاست که مخالفت‌های بازرگان‌ها رژیم مزدور جمهوری اسلامی، درست از گونه و ماهیت مخالفت‌های ایمان بسا نظام استعماری بوده و می‌باید همه کارگران و توده‌های آگاه ما به یاد نهند که جناب بازرگان با رژیم شاه نیز به اصطلاح مخالف بود و به دلیل همان مخالفت نیز در مواقعی از سوی رژیم شاه بازداشت می‌شد. اما نباید اغتیاب کرد ایمان در آن زمان و حتی در زندان‌های رژیم به همین نیز بارها با ارسال نامه بی‌ای "علیهضرت" مراتب جاگری و وفاداری خود را به نظام آریامهری و قانون اساسی رژیم ضد خلقی شاه نیز ابراز می‌کرد. مضمون اعتقاد ایمان به دیکتاتوری امپریالیستی رژیم شاه نیز بدانجا محدود می‌شد که باید شاه سلطنت کند نه حکومت و باید حزب رستاخیز شاه ساخته اندکسی

"فدای باز" هم برای امثال بازرگان در حکومت به همین در نظر می‌گرفت. اما به هر حال رژیم مزدور شاه به دست توانای خلق‌های به پا خاسته سرنگون شد. و بجای "پاران" در خواستی آقای بازرگان "سپل" جاری شد و شاه مزدور سقوط کرده اما نظام و طبقه سرمایه‌داران وابسته همچنان بر مسند قدرت مانده و با روی کار آوردن رژیم فربکار جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها، بازسازی ضرباتی که در اثر قیام بر دیگر آنان وارد شده بود آغاز گشت. جناب بازرگان هم که هیچ تعالی با طبقه و نظام ضد خلقی حاکم نداشت در نظر خصیتی "وجه‌المله" به صحنه آمد و نولت موقت ایمان با اعلام پایان یافتن کار "انقلاب" از توده‌ها خواست که دیگر از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی سرکار آمده به خانه‌ها باز گردند و همچون گذشته امر سیاست و رفق و وفق امور مملکت را به دست سیاستمدارانی چون خود ایمان و سایر نولتمردان رژیم جدید یعنی سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی واگذارند. اما گسوس توده‌های انقلابی و به پا خاسته به این فربکارهای حکام جدید بنحکار نبود. آنها برای ناپسندی نظام ستیزانه موجود و قطع سلطه امپریالیستها به پا خاسته بودند لیکن می‌دیدند که با وجود رفتن شاه و آمدن رژیم جدید انواع همچنان دست نخورده بائسی مانده است. به همین خاطر جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها پس از قیام و به رفق توده‌های فربکارانی چون بازرگان و سایر سردمداران جمهوری اسلامی نیز به تنها فروکن نکرد بلکه نرسند به فروپهای بیشتر برآمد. در چنین

اوضاع و احوالی بود که جناب بازرگان با حرکت در سازماندهی سپاه پاسداران برای آنها از ضرورت سرکوب توده‌ها سخن می‌گفت. بهر رو امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته که از یکسویه عید عاهد عدم فروکن جنبش انقلابی توده‌ها بودند و از سوی دیگر عدم کارائی نولت جناب بازرگان را بسا وجود تمام کوشش‌های او در سرکوب این جنبش می‌دیدند صلاح را در خلق ایمان دیدند. بازرگان که تا چند صباح پیش از این "نعت وزیر منقصب امام" نامیده می‌شد توسط سر دسته جدید سگان زنجیری امپریالیسم در ایران یعنی خمینی جلاکار گناخته عد بهین ترتیب جناب بازرگان و نولت به اصطلاح "استغنا" ناند و جای خود را به سایر همپالک‌های سرکوبگرمان سپردند. از آن پس بار دیگر بازرگان همچون زمان شاه به هیات مخالفین دارودسته حاکم درآمد. البته او همچون زمان شاه به هیچ رو مخالف نظام سرمایه‌داری وابسته و طبقه حاکم نبوده و نولت به همین خاطر هم هست که کارنامه تفکیر حاکمیت جناب بازرگان و نارودسته جنایتکاران که امروز تحت نام آزادی - خواهان ایران نامه سرگشاده می‌فروشد در طول مدت کوتاه زمانه‌ی ایمان در راس اولین نولت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مضمون از جنایات و تهدیات مختلف بر علیه توده‌های تحت ستم ماست. سرکوب توده‌ها و تطهیر ارتش امپریالیستی و خلق سلاح توده‌های مسلح، لفرکسی جنایتکارانه به خلق‌های تریکن و کرد و عرب، اخراج هزاران تن از کارگران و کارمندان و غیره همه و همه لپستی

از هزاران جنایت و ظلمی است که جناب بازرگان و "نهضت" امروزی‌ایمان در خدمتگزاری به امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته در آغاز روی کار آمدن رژیم غارت و سرکوب جمهوری اسلامی سازمانده و مجری آن بودند. جنایاتی که پس از پایان زماناری کوتاه مدت جناب بازرگان توسط سایر هممالکهای ایمان در رژیم و نظام جمهوری اسلامی با ابعاد بسیار رقیله‌تری بر علیه خلقهای تحت‌ستم ما انجام یافت و امروز نیز ادامه دارد.

بنابراین جناب بازرگان و "نهضت" سالهاست که در عمل نشان داده‌اند که با نظام امپریالیستی موجود بنیابه عامل اصلی فقر و ادب‌ار بوده‌ها هیچ تعالی نناخته‌وندارند. ایشان و جماعتشان نشان داده‌اند که هنگامی هم که در قدرت باشند از اعمال هیچگونه جنایت و سرکوبی در حلقه توده‌ها و در دفاع از منافع پورژوازی وابسته دریغ نمی‌ورزند. بازرگان و نارودسته‌های نه‌بوسرمول و چهارچوبه‌ها بلکه برسر مسائلی نظیر دیوه اعمال ستم و سرکوب طبقه حاکم بر علیه توده‌های محروم و برسر چگونگی حفظ منافع امپریالیستها در ایران و در یک کلام برای کسب قدرت بهشتی در چهارچوب مناسبات ضد خلقی کنونی با ظاهری دمکراتیک با کاربردستان فعلی رژیم جمهوری اسلامی مخالفند. اما دمکراسی آنها دمکراسی برای اکثریت عظیم توده‌های تحت ستم نیست. دمکراسی برای نار و دسته جنایتکار خود ایمان است. به بهمان دیگر بز مخالفت آنان با رژیم کنونی به هیچ رو ناشی از موافقت آنان با

حقوق عادلانه میلیونها توده رنجبر و تحت ستم ما نیست. تضاد نار و دسته بازرگان با حکومت و تضادی در میان صفوف دشمنان خلق و اختلاف نژادسی می‌باشد که برسر چگونگی تقسیم اموال به تاراج برده از مردم بجان یکدیگر می‌افتند. با این توصیف اگر امروز نیز جماعت توسری غورده جناب بازرگان در نامه‌های سرگشاده به رژیم جمهوری اسلامی گاه‌ها به بیان برخی از بدیهی‌ترین واقعیات تلخ زندگی توده‌های تحت ستم ما نظیر ابعاد سرام آور فقر و فلاکت و بیکاری و غیره می‌پردازند و بدینگونه بر خلاف عادت، برخی "تندروپها" به خرج می‌دهند و جزئی از "حرف دل" توده‌ها را می‌زنند. این امر به هیچ رو بهانه‌گر اعتراک منافع آنان با توده‌های محروم نیست. آنها از بیان گاه و بیگاه این بدیهی‌ترین بلایهای زائیده حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی قصد بهره برداریهای سیاسی به نفع خود و منافع ضد خلقی عسان را دارند. و گروه جماعت جناب بازرگان در پراستیک خویش نه تنها نشان داده‌اند که جز نوکران سرسپرده و چاکرمدنی امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته زالوصفت نیستند بلکه بسیار غدارتر از آنند که بواقع دلان برای توده‌های تحت ستم و حیات فلاکت‌بار آنها بسوزد. با این توصیف برسیدنی است که چرا در شرایط فعلی بار دیگر فائلسه بازرگان و نهضت ناخ‌شده و با آنها در خدمت به چه منافسی به صحنه آمده‌اند که در تمام تبلیغات اخیر بلندگوهای غیرمی مظهر مقاومت و مخالفت با جمهوری اسلامی ضد خلقی شده‌اند. و بالخره جایگاه و نقش جناب بازرگان در نظام کنونی چیست؟

اساس پاسخ به این سئوالات را باید در اوضاع بحرانی نظام سرمایه‌داری وابسته و همچنین وضعیت بحرانی رژیم ورعکسته جمهوری اسلامی جستجو کرد. واقعیت این است که امروز مسازده سال پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، حاکمیت امپریالیسم در ایران بیش از هر زمان دیگر در امواج سیک بحران تمام عیار دست و پا می‌زند. بحران اقتصادی حدت یافته و افلاس و ورعکستگی رژیم جمهوری اسلامی از یکسو و رشد روزمره فقر و فلاکت توده‌ها و نارضایتی و تنفر آنان از وضع موجود و هزاران معطل‌ریز و درشت دیگر مجموعاً چنان اوضاعی را برای امپریالیستها و سگان زنجیرشمان در ایران بوجود آورده که احتمال اوج‌گیری دوباره جنبش اعتراضی توده‌ها برای امپریالیستها امر دور از انتظاری نیست. این احساس خطر حتی در هندلر نادنیهای روز مره سران رژیم به یکدیگر نیز مشهود است. علاوه بر این موج وسیعی از تظاهراتی که ظرف چند ماه گذشته در شهرهای مختلف میهنمان از سوی توده‌های به جان آمده بر علیه رژیم جبار جمهوری اسلامی سازمان یافت و حتی به درگیری و خونریزی نیز انجامیده به نوبه خود شاعدی بر واقعیت تشدید بحران در نظام حاکم می‌باشد. در چنین چارچوبی است که امپریالیستها صرف نظر از اتکا روز افزون به نیروی قهر و سرکوب لحام گمیخته رژیم مزدورشان در ایران ه صرف نظر از تشدید تلاشها بهمان برای قلع و قمع کوچکترین قنای اعتراضی بر علیه نیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر میهنمان به اقدامات دیگری در سایر زمینه‌ها دست می‌هازند که

مطرح کردن دوباره جناب بازرگان و جماعتشان در شرایط فعلی در صحنه سیاسی ایران از جمله آن اقدامات است. اربابان امپریالیست جمهوری اسلامی که در قیام بهمن ۵۲ به خوبی ضربت توده‌های به جان آمده ما را چیده‌اند، در طول سالها در عین حال که از هیچ اقدامی در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش توده‌ها خودداری نکرده‌اند در همان حال نشان داده‌اند که از این مسئله غافل نیستند که اگر بنا باشد برغم تمامی این تمهیدات سرکوبگرانه روزی بار دیگر امواج جنبش انقلابی توده‌ها طغیان کرده و خطر جدی‌ای را متوجه منافع امپریالیستها در ایران نماید، امکان به انحراف بردن و تضعیف این جنبش حتی الامکان برای آنها مقدور باشد. براساس چنین ضرورتی است که ما شایسته‌ترین روزمان که عواهدی نال بر اوج یابی اعتراضات توده‌ای و گسترده شدن نامنه جنبش توده‌ها بسوزد می‌کند سر و کله نارو بسته‌های ضدانقلاب و فریبکاری نظیر جناب بازرگان و نهضت و جماعت آبرویافته آنان نیز پیدا می‌شود و به یکباره نامنه‌های سرگشاده این عالیجنابان مزدور توسط بوقهای تبلیغاتی امپریالیستها نقل هر مجلس می‌گردد. بازرگان و جماعتش، قهرمان مقاومت معرفی گردیده و مظهر بیان به اصطلاح درد دل توده‌ها جلوه‌گر می‌شوند و تمامی امکانات موجود برای انحراف افکار عمومی از جنبش انقلابی و تمرکز آن بر امثال این نارو بسته‌ها صرف می‌شود.

بله! اگر همواره در طول چند سال گذشته و در شرایط اوج یا بسی

نظام امپریالیستی بوجود را نداشته و ندارند سوپا اطمینانی که هرازچندگاه یکبار که ابعاد آتش خیم توده‌ها بر علیه نظام سرمایه‌داری وابسته خطرناک می‌شود برای جلوگیری از "انفجار" به صحنه فرستاده می‌شوند. آنها نیز همچون دولتمردان جمهوری اسلامی جز جلادان شناخته شده‌ای نیستند که امروز برای مهار اعتراضات برخی توده‌ها بر علیه کلیت نظام، بزرگمکتب و معتدل به خود گرفته‌اند. با این توصیف روشن می‌گردد که به رغم تمامی اکانیسی که اینروزها در مدح جناب بازرگان اینس رجل سیاسی ورشکسته و آبرویافته، ولی به اصطلاح "معتدل" و جماعت ضد - انقلابی ای چون نهضت آزادی از بلندگوهای امپریالیستی انتشار می‌یابد، ایشان جلوه یکی از بارزترین سیاستهای مکارانه امپریالیستها بر علیه خلقهای تحت‌ستم ماست. براساس این واقعیت است که توده‌های آگاه و مبارز ما نیز با توجه به تمام فکارها و ممانی که از سوی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی متحمل می‌شوند، در پیبرد مبارزه و اعتراضشان بر علیه این رژیم به هیچ رو نباید فریب دسیسه‌گرانی نظیر بازرگان و جماعتش را بخورند. توده‌های آگاه باید از پشت‌انگ تساح ریختنهای نارو بسته‌های ضد انقلابی ای نظیر جناب بازرگان و نهضت، از ورای حرفهای فریبنده آنها، منافع طبقاتی این جماعت که چیزی جز یک دشمنی خطرناک بر علیه توده‌ها نیست را دریابند و در مبارزه انقلابیشان بر علیه رژیم وابسته جمهوری اسلامی دشمنی، اینگونه نارو بسته‌های رسوا و ضد انقلابی را نیز کاملاً ترک نمایند. بازرگان و

## چه کسانی در فاجعه زلزله اخیر گناهکارند و باید مجازات شوند؟

از صفحه ۳۳

کارانی " بودند که در این " آزمایشی الهی " مجازات شدند. آیا این باوه‌های به غایت وقیحانه تنها و تنها می‌تواند جز از زبان بی‌عزم لراذل و جیره خواران فربکاری همچون سران رژیم جمهوری اسلامی تراوش گردد؟ برآستی " گناه " تونده‌های محرومی که در مناطق زلزله زده غب هنگام خسته و کوفته از کار روزانه مشغول استراحت بودند و حتی روحشان هم از فاجعه فریب - الوقوعی که چند لحظه بعد حیات و هستی آنها را در کام کفیده عبرتداعیت چه بود؟ گناه مائری که در يك آن مرگ، طفل غمخوار او را از آغوشی ربود و در زیر خروارها خاک مدفون نمود چه بود؟ و بالاخره مگر گناه تونده‌های محرومی که روزها پس از وقوع این فاجعه نابود کننده بسا قلبی ناخداره و پیرانه‌های زندگیان را بسا چنگ و دندان برای یافتن پسره مانده برادره خواهره عروس و یا جگر گوشت و عزیزای کنار می‌زنده‌ده چه بود که امروز امام جمعه رذل منجیل - شهری که در این فاجعه با خاک یکسان شد - بسا وقاحت تمام آنها را شایسته " مجازات " می‌دانند؟ آیا این وقاحت و بی‌بهره‌سی جز تر قاموس مفتی از غدارترین نوکران امیرالایم در ایران یعنی سران رژیم جمهوری اسلامی می‌گنجد؟ قطعا خیرا اما پرشم وقاحت بی‌نظیر امام جمعه

مزدور منجیل، دهها هزار تن لرتونده‌های تحت ستمی که در استانهای گیلان و زنجان به خاطر این زلزله فاجعه‌بار کشته و یا زخمی و در بند و بی‌خانمان شدند کوچکترین گناهی نداشتند. اکثر آنها تونده‌های زحمتکش و بی‌گناه و ستمیده‌ای بودند که زندگی محقر آنها زیر سلطه رژیم خونخوار و وابسته‌ای نظیر جمهوری اسلامی می‌گشت و درست به همین دلیل و به خاطر فقر و فلاکت و بی‌امکاناتی ناشی از نظام ستمگرانه موجود و حاکمیت این رژیم بود که حیات و هستی محنت بارغان با ابعادی اینچنین گسترده و رحمتناک قربانی زلزله اخیر شد!

شاید هم تنها " گناه " اکثریت قریب به اتقای آنها این بود که به خاطر فقر و نداری و بی‌امکاناتی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته و رژیم منحوس این رژیم جمهوری اسلامی، مجبور بودند که سالها در زیر سقفهای چوبی و در خانه‌های خفتی و بی‌نوام زندگیان را با هزار و يك بدبختی سپری کنند و درست به دلیل چنین موقعیتی هم اکثر آنها در اثر اولین امواج این زلزله در زیر خروارها خاک ناشی از پیرانه‌های این خانه‌های بی‌نوام و کهنه مدفون شدند. نه! آنها هیچ گناهی نداشتند که امروز امام جمعه دون ملت رژیم در منجیل به خود حرات می‌دهد از مجازات

آنها سخن گوید و با وقاحت تمام عریده بکشد که " این زلزله آزمایشی الهی ای بود که در آن گناهکاران مجازات شدند ". اما برآستی در وقت این اظهار نظر جنایتکارانه چه اهداف و منافعی قرار دارد که امام جمعه رژیم را وا می‌دارد به چنین عوامفریبی بزرگی دست بزند؟ و برآستی در عواقب سرسام آور این فاجعه سهمگین چه کسانی گناهکاران اصلی اند و باید مجازات گردند؟ واقعیت این است که فاجعه زلزله اخیر به عنوان يك حادثه دلخراش نه تنها بیسی از چهل هزار تن از تونده‌های محروم را کشت و بکشد هزار نفر را زخمی و بیسی از نیم میلیون تن دیگر را بی‌خانمان و آواره نموده در عین حال نقص بغایت ضد - خلقی رژیم جمهوری اسلامی و مناسبات ظالمانه حاکم برجامه تحت سلطه ما را در تبدیل این زلزله به يك فاجعه نه‌تنها هرچه بیشتر رو نمود.

همه و از جمله سران مزدور رژیم جمهوری اسلامی می‌دانند که کشور ما بر روی یکی از سه کمر بند اصلی زلزله خیز دنیا قرار دارد که وقوع فجایعی نظیر زلزله اخیر هر آن و در هر شرایط دیگری نیز دور از تصور نیست. اما رژیم جمهوری اسلامی در طول سالها با وقوف کامل به این واقعیت و بجای انجام حداقل اقدامات پیشگیرنده و

## پیام فدائی

ارگان جریکهای فدائی خلق ایران

سال پنجم

شماره: ۳۳ - خرداد و تیر ۶۹

ایمنی نظیر احداث خانه‌های مستحکم و انجام پروژه‌های شهرسازی بسا استانداردهای بین‌المللی و در سبک کلام به جای کمترین رسیدگی به زندگی زجر آور توده‌های محروم تمام امکانات مملکتی را صرف تأمین منافع اربابان امپریالیست خویش و هرچه بیشتر فربه کردن سرمایه‌داران وابسته و تسلیم ماعین نظامی امر بر علیه توده‌های تحت ستم ما نموده است. در اثر این سیاستهای ضد خلقی و بی‌توجهی‌های آشکار مقامات رژیم به خطراتی که زندگی توده‌ها را به طور جدی و در هر لحظه در این مناطق تهدید می‌کنند و به خاطر اینکه تحت مناسبات ظالمانه حاکم در اکثر شهرهای میهنمان - روستاها که جای خود ندارند - خانه‌ها از ساختمانهای بسیار قدیمی و کهنه و حتی پینه‌لده‌ها و آلونک‌ها تشکیل یافته است. بنابراین این روشن است که با بروز حوادث طبیعی از این دست چه لطمانی به زندگی توده‌ها وارد می‌شود. چنانکه در فاجعه زلزله اخیر نیز اکثر کارمندان مختلف متفق القول بودند که وجود هزاران باب خانه خشتی و عدم انجام کمترین اقدامات ایمنی از سوی رژیم در شهرهای نظیر رشت، لوشان، رودبار و منجیل عامل اساسی ای بوده است که در وسعت یافتن ابعاد این فاجعه نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. پس تا اینجا با این توضیحات روشن می‌شود که به رغم یاوه‌گوئیهای امام جمعه منجیل گناهکاران اصلی در این فاجعه نه توده‌های قربانی شده بلکه سران رژیم مزدور جمهوری اسلامی بودند و می‌باشند که کمترین پیسی ببنیهای لازم برای مصون کردن حتی الامکان

زندگی توده‌ها در مقابل این فاجعه را آگاهانه و عمدانه به عمل نیاورده‌اند.

ایا اینها يك سوي قضیه است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حتی پس از وقوع این فاجعه سه‌ساعت تا ساعتها از اعلام خبر آن خود ناری و زوزه و همچنین گروههای امداد حکومت بسا حداقل ۲۰ ساعت تاخیر به یکسری از شهرها و روستاهای ویران‌شده رسیدند. و به این ترتیب روشن بود که با توجه به قدرت وحدتناک این زلزله سران رژیم اگر می‌خواستند کمک جدی‌ای برای نجات جان توده‌های مصیبت‌نیده به عمل بیاورند می‌بایست بسیار زودتر دست به اقدام بزنند و همچنین امکانات بسیار بیشتری را به این کار اختصاص دهند تا ابعاد قربانی شدن توده‌های بی‌گناه سربه‌ساز ۵۰ هزار نفر نزنند اما بر واضح است که سران رژیم جمهوری اسلامی به مثابه رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم ارزشی برای جان توده‌های محروم قائل نبوده و نیستند که برای نجات جان آنها اقدام جدی‌ای را به انجام برسانند. نتیجه اینکه در اثر مجموعه چنین غرائطی بود که ابعاد فاجعه وحدتناک زلزله اخیر تا بدین حد گسترده شد و تلفات و ضایعات غیر قابل‌تخمینی را به زندگی توده‌ها وارد نمود. اینها بغضی از واقعیات و حقایقی هستند که به خاطر اشراف کامل توده‌های تحت ستم ما به آنها عدم و نفرت بسیاری را بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برانگیخته است. تحت چنین غرائطی است که سران رژیم در طول روزهای اخیر سعی کرده‌اند که با منحرف کردن افکار توده‌ها از علل اصلی بدبختی‌ها و معقباتی که در

اثر این فاجعه گریبانگیر آنها گردیده به لایوهائی نقش منحوس خویش در این فاجعه بپردازند. آنها می‌گویند که بسا سوء استفاده از احساسات مذهبی توده‌ها و یا نشر اراجیف و یاوه‌های نظیر اینکه زلزله امتحان و آزمایش الهی است اذهان توده‌ها را از یافتن علل واقعی ابعاد فاجعه منحرف ساخته و ذهن آنها را به جای تفحص در علل مادی این حادثه دلخراش و دلایل ابعاد وسیع زیانهای حاصله از آن، به آسمانها و غسنا و غیره حواله دهند تا به این ترتیب موفق گردند نقش برجسته رژیم مزدور جمهوری اسلامی را در گستردگی این ضایعه وحدتناک از انظار پنهان‌دارند به دلیل همین واقعیات آشکار هم هست که محور سخنان رهبر رنل جمهوری اسلامی در پیامش خطاب به توده‌های مصیبت‌زده ما را تاکید بر روی این مسأله تشکیل میدهد که این زلزله «امتحان الهی» بود. و باز هم به دلیل همین

فریبکاری است که این مزدور دوباره به صحنه آمده و بر جمع ایادی رژیم در نمایشات هفتم تصریح با وقاحت و عوامفریبی تمام به توده‌ها تاکید می‌ورزد که زلزله اخیر امتحان الهی است که باید آن را به «حساب خدا بریزند» و با «صبر» و «تسلیم» در برابر این تقدیر به ناخ جانگزانانی از آن تن ندهند.



گرامی باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق کبیره حمید اشرف و همزمانش که در ۸ تیرماه ۱۳۵۵ پس از ساعتها نبرد حماسی با مزدوران ساواک شاه، قهرمانانه شهید شدند و خون خود را نثار انقلاب رهائی بخش کارگران و خلقهای ستمدیده ایران نمودند.

که در آن گناهکاران مجازات شدند و به این ترتیب داغ ننگی که در انسر این فاجعه درآورد بر پیشانی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نشسته است را پررنگ تر ساخت.

اما به رغم تلاشهای مزدوران فرومایه ای نظیر سران جمهوری اسلامی، فاجعه زلزله اخیر در استانهای گیلان و زنجان یکبار دیگر به توده های تحت ستم ما چیره کریه دشمنان غدارش یعنی سران رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستشان رابه عینه نشان داد و معلوم کرد که آنها از زمره بزرگترین جنایتکاران و مجرمان نرجه اولی هستند که باید با سرنگونی حکومت ضد مردمیشان و برقراری حکومتی مردمی به دست توده های محروم و زجر دیده، محاکمه و مجازات گردند. آرمانی که قلب داغدیده توده های مصیبت زده و تمامی کارگران و توده های تحت ستم دیگر سالهاست به انتظار تحقق آن می تپند و توده های معترض و به جان آمده ما سالهاست که برای آن بیکار می کنند.

زنده باد کمون! زنده باد انقلاب اجتماعی!



به مناسبت سالگرد شکست کمون پاریس اولین حکومت کارگری جهان و تیرباران کمونارده های انقلابی در ۱۸۷۱

## اخبار و

## گزارشهای خبری

- در با مناد روز ۳۱ خرداد ماه زلزله وحشتناکی به قدرت ۷/۳ ریشتر استانهای گیلان و زنجان را به لرزه درآورد. که براساس گزارشهای منتشره حداقل ۵۰ هزار نفر کشته برجای گذاشت. در جریان این فاجعه بزرگ بیش از ۱۰۰ هزار نفر مجروح و ۵۰۰ هزار نفر بی خانمان گردیدند. - بعضی از غیرگزاریهها قدرت ایسمن زلزله را ۷/۷ ریشتر گزارش داده اند.

- در رابطه با طرح مبارزه با بدحجابی و مفکرات اوپایی حکومتی مزاحمتهای بسیاری برای مردم ایجاد نمودند. برای نمونه در نوم خرداد ماه در تهران حداقل ۶ زن بوسیده چاقو مجروح گردیدند. در میدان ولیعصر در قبال اعمال جنایتکارانه اوپایی حکومتی، مردم به شمار دادن بر علیه رژیم پرداختند. پاسداران به مردم پورش برده و ضمن ضرب و شتم آنها عدهای را دستگیر نمودند.

- مزدوران رژیم در شیراز در چهارچوب طرح مبارزه با بدحجابی به انیت و آزار زنان پرداختند که این امر باعث اعتراض و تجمع مردم گردید.

- روز جمعه ۲۵ خرداد ماه در زنجان وکیل آباد مشهد عروسی رخ داد که به بهزانی بخشی از زنان متجر گردید. جمهوری اسلامی ذلیل این عروسی را اقدام به فرار عدهای از زندانیان که مسلح شده بودند اعلام نمود و اضافه کرد در جریان یک برخورد مسلحانه سه ساعته ۹ زندانی کشته و تعدادی مجروح شدند.

- در اوائل خرداد ماه چند روستا در حوالی زاهدان صحنه درگیریهای پاسداران رژیم با اهالی مسلح بود. غیر این درگیریها در ۷ خرداد ماه بوسیده رادیو رژیم تحت عنوان برخورد با "اشرار مسلح" اعلام گردید.

- روز جمعه ۱۸ خرداد ماه امام جمعه زاهدان زمانیکه

از نماز جمعه بازمیگفت در جلوی مسجد شهر مورد هجوم عدهای مسلح قرار گرفته و به هلاکت رسید. در جریان این درگیری ناماد امام جمعه زاهدان نیز به اسارت گرفته شده است. - رادیو رژیم در ۲۸ خرداد ماه اعلام کرد که پاسداران رژیم بهیکی از مراکز مهم قاجاقچیان و اشرار مسلح در بلوچستان حمله کرده و منطقهای که تحت کنترل قاجاقچیان و اشرار مسلح بوده است را پاکسازی نموده اند. در جریان این حمله آنها پاسدار کشته شده اند. براساس گزارشی رادیوی دولتی آنها یکی از مناطق صعب العبور منطقه را تحت کنترل خود داشته و در آنجا تارای مقرات ثابت بوده اند و به این وسیله بر محورهای کرمان - زاهدان و کرمان - زابل تسلط داشته اند.

- رفسنجانی در مشهد اعلام کرد که نهادهای مستقیسی بین نمایندگان ایران و عراق جریان دارد و گفت تونولست می توانند برای حل همه اختلافات خود براساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به یک توافق همه جانبه دست یابند. رفسنجانی اضافه کرد که جمهوری اسلامی حاضر نخواهد بود در مذاکرات بی شمر شرکت جوید.

- روزنامه نوموگن چاپ برلین گزارشی داد: در سه ماهه آخر سال ۸۹ دولت آلمان عرقی ۲۴ فروند جنگنده میگ ۲۱ و ۵۰ فروند تانک و مقایسه دیگری سلاحهای سبک و نیمه سنگین به جمهوری اسلامی فروخته است.

- خبرگزاریهها گزارش دادند که اخیرا بین شوروی و جمهوری اسلامی قرار دادی برای خرید میگ ۲۹ و تانک ۷۲-۷۰ و سلاحهای پیشرفته دیگر منعقد گردیده است.

- مجلس جمهوری اسلامی لایحه انقاع نیروهای سرکوبگر کمیته ه پلینس و ژاندارمری را به تصویب رساند براساس این لایحه این نیروها زیر یک فرماندهی واحد درخواهند آمد و نام آنها به نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی تغییر خواهد یافت.

- در چهارچوب رید تضاعهای درونی طبقه حاکمه روزنامه رسالت به افشاگری بر علیه هادی غفاری پرداخت و نوشت: موجودی حساب بانکی هادی غفاری در سال ۶۶ مبلغ ۵۵ میلیون و ۸۳۹ هزار و ۹۷۸ دلار بوده که در هفتم اردیبهشت ماه سال ۶۷ به این مبلغ ۳۳۸ هزار فرانک سوئیس نیز اضافه شده است و این در حالی است که حساب مزبور با سرمایه اولیه یک میلیون دلار باز شده بوده است.

لازم به یاد آوری است که جنا از نفت مجانی ای که جمهوری اسلامی به سوریه تحویل می دهد قرض فوق از بابت فروش نفت به سوریه می باشد.\*



چریک فدائی خلق رفیق  
بهرزدهقانی



چریک فدائی  
خلق رفیق  
فاطمه حسینی

**تعمیرات مالی**

- انگلستان
- امیر ۱۰ پوند
  - کیومرث سنجری ۱۰ پوند
  - نازلی ۲۰ پوند
  - کاظم سعادت ۱۰ پوند
  - گارد پرولتری ۱۰ پوند
- کانادا
- پویان ۱۰ دلار
- نروژ
- هامون ۴۰ کرون
  - ویگت بر ۲۰ کرون
  - سهاکل ۱۰۰ کرون
  - ن - نروژ ۲۰۰ کرون
  - پویان ۹۰ کرون

- در چهارچوب " ابتکارات " جهانگردانه جمهوری اسلامی مدتی است که بسیاری از سیگارهای تهر با توتونهای نامرغوب تر پر میشود و به این وسیله رژیم مبالغ هنگفتی به جیب می زند. اخیرا در سطح وسیعی سیگارهای تهری مشاهده میشود که در واقع همان سیگار زر می باشد ولی به اسم سیگار تهر و با قیمت بالاتر بفروش میرسد.

- آخوند بیزدی اعلام کرد: اگر کسی به تقلید صدا و سخنان خمینی بپردازد به عدت با او برخورد خواهد شد چرا که حفظ حرمت کلام امام بر همه آحاد ملت در هر سمتی واجب است.

- اخیرا هر کسی را که به بهانه مبارزه با بدحجابی و منکرات دستگیر می نمایند ۵۰۰ تومان جریمه می کنند و به این وسیله حوزه جدیدی برای اخانیهای جمهوری اسلامی ایجاد شده است.

- پاسداران جنایتکار رژیم در چهارچوب سیاستهای غارتگرانه جمهوری اسلامی به میدان بارفروشان تهران رفته و به زور قصد جمع آوری پول برای تکمیل قبر خمینی را داشتند اما این اقدام با اعتراض بارفروشان مواجه میگردد در نتیجه پاسداران به ضرب و شتم آنها می پردازند و در جریان این درگیری بر اثر شلیک پاسداران یکی از بارفروشان کشته میشود.

- در چهارچوب " حل " دعاوی جمهوری اسلامی و امریکا در دادگاه لاهه، رژیم با پرداخت ۶۰۰ میلیون دلار به بسک شرکت نفتی امریکائی موافقت نمود.

- به گزارش خبرگزاریها برای دومین سال متوالی تهران به عنوان گرانترین شهر جهان انتخاب شده است. بعد از تهران پایتختهای ژاپن و گابن قرار دارند.

- دوز دوزانی نماینده رژیم در مجلس در اعتراض به سانمور سخنرانی رئیس مجلس توسط صدا و سیما رژیم گفت: نزدیک به یکساعت سخنرانی ریاست محترم مجلس را شما می آئید مثلثه می کنید و مسائل اساسی آنها کنار می گذارید. مگر با سران قوه های دیگر نیز همین کارها را می کنید؟ این چه شیوه غلطی است که در مملکت باز شده است.

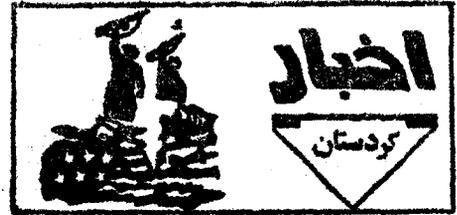
- در خیابان ناصر خسرو تهران با وجود ماموران رژیم و در حضور آنها مواد مخدر بطور آزادانه مبادله میشود.

- اخیرا فاش گردیده است که سوریه از باز پرداخت ۳ میلیارد دلار قرض خود به جمهوری اسلامی ناتوان است.

ایادی رژیم قرار گرفته و اموالش درزینده میبود نامبرده برای باز پس گرفتن اموالش به سپاه پاسداران شکایت می‌کند. اما پاسداران او را به رگبار بسته و می‌کشند.

- در اواخر اردیبهشت ماه بدنبال موج سرکوبی که جمهوری اسلامی تحت پوشش مبارزه با بدحجابی پراهناخته است پاسداران رژیم در سنندج نوزن را به جرم بدحجابی در ملاعام به شلیک بسته و به هریک ۶۰ ضربه شلیک زدند.

- در چهار چوب اغائبهای مختلف از مردم جمهوری اسلامی در سنندج برای دادن اجازه برگزاری مراسم عروسی از هر خانواده ۳۰۰ تومان دریافت می‌کنند و خانواده‌ها ضمن پرداخت این مبلغ باید تمهید بپسارند که در مراسم عروسی زن‌ها از مرد ها جدا خواهند بود.



- اخیرا کمیبود نان در شهر سفر مشکلات زیادی برای مردم ایجاد کرده است و مردم که غذای عمدتاً نان را تشکیل می‌دهد باید ساعتها در صفهای طولی مقابل نانواها بایستند و گاهی پس از ساعتها انتظار بدون نان به خانه بازگردند.

- در ۱۳ اردیبهشت ماه گروه ضربت مستقر در روستای ربط به خانه و کاغذخانه مردم محروم روستای مالونه حمله برده و خانه‌ها را مورد بازرسی قرار دادند. مزدوران رژیم در خانه یکی از روستائیان پس از آنکه چیزی پیدا نکردند مباشرت به سرقت ظروف مسی صاحب خانه می‌کنند که بسا اعتراض زن خانه مواجه می‌گردند که در پاسخ به ایسمن اعتراض به ضرب و عتم زن روستائی پراخته بطوریکه او زیر ضربات آنها جان می‌پسارد.

- در اول ماه مه تعدادی از کارگران مبارز پوماک و کوره پزخانه در سنندج خود را با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر می‌پسارند. رژیم به محض اطلاع از برگزاری این مراسم به آنها حمله کرده و حدود ۳۰ نفر را دستگیر می‌کند که یکی از دستگیر شدگان کارگر پوماک سنندج بنام عبدالهی بوده است، دستگیر شدگان پس از چند هفته بازداشت سرانجام آزاد می‌شوند.

- رژیم فرمانده ففارهای به خانواده‌های بهمهرگان خلق کرد خانه چند تن از اهالی مریوان که فرزندانان در صفوف بهمهرگان پراعله جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند را مایه کرده و در سنندج نیز خانواده‌ها را تهدید نموده است که اگر فرزندانان را جهت تسلیم به جمهوری اسلامی تحت فشار قرار ندهند بزودی آنها را به استانهای دیگر تبعید خواهد کرد.

- یکی از کاروانچی‌های منطقه ترگور مورد حمله

## ایران از سر چه آمار

از صفحه ۴

عرصه فیزیکی جنگلهای کشور نابود شده است. او گفت ظرف ۳۰ سال گذشته از ۱۰۰ میلیون هکتار مربع نیز تنها ۱۵ میلیون هکتار باقی مانده و ظرف ۲۰ سال گذشته در هراتانیه ۳۲۰ متر از جنگلهای و ۴۵۰ متر از مراتع کشور تحت تاثیر عوامل غیر طبیعی نابود شده‌اند. و این در شرایطی است که بر اساس استانداردهای بین المللی فضای سبز باید ۲۲۵ سطح جغرافیائی هر کشوری را تشکیل دهد. در حالیکه در سالهای اخیر در ایران این سطح به ۲۷ سقوط نموده است.

- رئیس سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی گفت: يك سوم نوزادان در ایران با نقص عضو بدنیا می‌آیند. ولی بسیاری از نوزادان به سبب آلودگی هوا و دیگر عوامل از جمله سوء تغذیه، بعد از تولد دچار نقص عضو می‌شوند.

- معاون اطلاعات و عملیات فرماندهی کمیته انقلاب اعلام کرد: در اجرای مرحله سوم طرح والمادیات در نوروزین ماه سال جاری ۲ هزار و ۹۰۶ نفر قاچاقچی و ۲ هزار و ۶۱۱ نفر معتاد دستگیر و ۲ هزار و سیصد کیلو گرم انواع مواد مخدر کشف و ضبط گردیده است. او تاکید کرد که ۴ نرسال جاری ۱۰۰۰ نفر دیگر بجرم قاچاق مواد مخدر اعدام خواهند شد.

- فرماندار فردوس اعلام کرد که بعلمت فقر مالی و نبود امکانات، ۶۰۰۰ نفر آموز در این منطقه در آستانه تفرک تحصیل هستند.





نیروهای پلیس از گاز بیرویان بر علیه کارگران استفاده کردند. در جریان این یورش دستانه که باعث مجروح شدن تعدادی از کارگران گردیده سه پلیس نیز مجروح شدند.

- کارگران و کارکنان گمرک، انتشارات کتب درسی و بخش فراورده های نفتی در الجواهر بدلیل وضعیت بد اقتصادی به اعتصاب دست زدند.

- چند صد هزار کارگر و کارمند فلسطینی در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه دولت اسرائیل بیهک اعتصاب یکروزه مبارت نمودند.

- کارگران راه آهن لهستان در اعتراض به کمی دستمزد به اعتصاب مبارت کردند که بر اثر آن امور حمل و نقل در بنابر لهستان فلج گردید.

- نهم هزار کشاورز اسپانیا با تراکتورها و گاوهای خود تمامی راههای کشور را بستند. علت این عمل، اعتراض به کمی قیمتهایی است که دولت برای محصولات کشاورزی تعیین کرده است.

- در خرداد ماه بیهک میلیون کارگر یونانی در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت یونان دست بیهک اعتصاب سراسری زدند. این اعتصاب حرکت قطارها و پرواز هواپیماها را مختل و به تعطیلی مدارس انجامید.

- سه هزار معلم و دانشجو در کره جنوبی ضمن بیهک گردنمایی بزرگ خواستار بازگفت به کار ۱۰۰۰ معلم اخراجی گردیدند. این گردنمایی با یورش پلیس کره جنوبی مواجه شده و تعدادی از معلمین و دانشجویان دستگیر شدند.

- در اواسط خرداد ماه به مناسبت سالگرد سرکوب و حیدانه جنبش اعتراضی مردم چین در سال گذشته میدان "تین آن من" بکن شاهد تظاهرات و تحصن فعالین دولت چین بود. نار و دسته ضد انقلابی حاکم بر چین تنها بزرگترین راهزنی برای جلوگیری از تجمع مردم نموده بودند، اما برگزاری این مراسم که علیرغم همه این تنها بزرگترین اقدام شده از چار مردم از این نار و دسته را بار دیگر به نمایش گذاشت.

- در اواخر اردیبهشت ماه ده هزار نفر از مردم اردن در حمایت از انقلاب فلسطین دست به تظاهرات زدند که نیروهای سرکوبگر اردن ضمن پرتاب گاز اشک آور، به آنها یورش برده و به متفرق کردن مردم پرداختند. در جریان این حمله حداقل ۵۰ نفر مجروح شدند. در ضمن رژیم جنایتکار اردن در اوائل خرداد ماه، ضمن حمله بیهکی از اردوگاههای

- کارگران کمپانی شکر فنا بخاطر افزایش دستمزدهایمان بیهک اعتصاب دو روزه مبارت نمودند. بدلیل موج بیکاری وسیعی که این کشور آفریقایی را فرا گرفته، کمپانی شکر فنا با درخواستهای آنها موافقت ننمود. اتحادیه عمده کارگران شکر در فنا خواستار اضافه شدن دستمزد روزانه کارگران تا حد ۱۶۰ دلار فدائی معادل ۴/۸۰ دلار آمریکا شده بود.

- بدنبال غایباتی که بر علیه حزب کمونیست پرو مبنی برکنار گذاشتن مبارزه مسلحانه برای سازماندهی مجدد نیروهای این حزب رواج یافته بود، نیروهای این حزب دو ایستگاه رادیویی اصلی کشور پرو را برای مدتی تسخیر کرده و اعلام نمودند "ملح، آهن، بی و اسلحه بر زمین گذاشتن از سیاستهای ما نبوده و نخواهد بود و این خبرها صرفاً غایمات می باشد" لازم به یاد آوری است که چریکهای راه نرفغان اخیراً در یک سلسله عملیات موفقیت آمیز تعداد زیادی از تکل های پرو را منقذ نموده و لطبات زیادی به رژیم پرو وارد ساختند. بر اثر این عملیات بخش بزرگی از پایتخت دچار خاموشی گردید.

- ۱۵۰ هزار نفر از کارگران بنابر برزیل پس از یک هفته اعتصاب به سرکارهای خود باز گشتند. این اعتصاب که از سوی اتحادیه های کارگری برزیل در اعتراض به کمی دستمزدها سازمان یافته بوده، باعث قطع صادرات این کشور گردید. بدنبال این اعتصاب دولت برزیل پذیرفت که در ظرف ۳ ماه آینده به خواستهای کارگران پاسخ دهد.

- هزاران کارگر حرکت منعنی هائیدی در کره جنوبی بدلیل وضع بدکار و زندگی مان دست به اعتصاب زدند. رژیم جنایتکار کره جنوبی برای درهم شکستن این اعتصاب با ده هزار پلیس که لوله های آهنی در دست نداشتند، حرکت مزبور را محاصره و به کارگران حمله نموده، در جریان این درگیری

اعتراضات رو به رشد اهالی این کشور اعلام حکومت نظامی نموده بود، ولی اعتراضات مردم ادامه یافت و در نتیجه دولت فرانسه ضمن خارج کردن ۵۰۰ تن از اتباع خود از این کشور با اعزام دو گروه از چتربازانش به محله به بهانه حفظ جان اتباع فرانسه به باری رژیم نیکتاتوری گابن پرداخت. لازم به یاد آوری است که حداقل ۶۰۰ مستعار نظامی امپریالیسم فرانسه در این کشور آفریقائی مشغول به کار می‌باشند.

- رژیم نیکتاتوری کشور آفریقائی لیبیا از جبهه ملی آن کشور که نیروهایش به نروازه‌های پایتخت رسیده‌اند خواست که به گفتگو با دولت برای برقراری صلح بپردازند. رهبر جبهه ملی ضمن پذیرش آتش بس اعلام کرد که هدف از آتش بس نایل فرستی برای خروج رئیس جمهور رژیم از کشور می‌باشد. نیروهای این جبهه که یکی از وزرا سابق دولت در رهبری قرار دارد تا ۵۸ کیلومتری پایتخت پیروی کرده‌اند و خبر باز ستانی یک بندر استراتژیک در ۱۴۰ کیلومتری جنوب غربی پایتخت بوسیله نیروهای دولتی را تکذیب نمودند. لازم به یاد آوری است که بدنبال وخامت اوضاع در لیبیا دولت آمریکا با فرستادن چند زیمانوا و دوهزار تلنگنار دریائی به سواحل این کشور خود را برای مداخله مستقیم در صورت خارج شدن کنترل اوضاع از دست رژیم موجود واپوزیسیونهای ضد انقلابی از آماده نموده بود.

- خبرگزاری تاس گزارش داد که تریبی حمله "ناسیونالیستهای افراطی" ارمنی به سربازان شوروی زد و خورد هائسی در این منطقه روی داده‌است. در حالیکه جنبش ملی ارمنستان سربازان شوروی را مسئول آغاز خصومت اعلام نمود. این در شرایطی است که در اوائل خرداد ماه مردم ارمنستان به تشیع جنازه ۳۳ نفر از قربانیان سرکوبهای اخیر دولت شوروی پرداخته بودند. لازم به یاد آوری است که فرمانده نیروهای وزارت کشور شوروی که به ارمنستان رفته بسرد خواستار اقدام قاطع برای خلع سلاح "ناسیونالیستهای افراطی" در این جمهوری گردیده و گفته بود: "با رهبران گروههای مسلح غیر قانونی ملاقات کردم اما آنها حاضر نبودند سلاحهایشان را تحویل دهند."

- طبق گزارش خبرگزاری تاس در جریان درگیریهای فیما بین قرقیزها و ازبکها در جمهوری قرقیزستان شوروی تنها در یک هفته مجموعاً ۱۰۲ نفر کشته و ۴۳۶ نفر مجروح گردیدند. در جریان این درگیریها حدود ۲۴۸ ساختمان

فلسطینی در نزدیکی پایتخت این کشور يك فلسطینی را به عبادت رسانده.

- بمناسبت سی من ماه قیام خلق فلسطین تظاهرات بزرگی در مناطق اشغالی رزی یاد که تظاهرکنندگان با سنگ و کوکتل مولوتف به خودتوهای نظامی اسرائیل حمله کردند. در جریان این تظاهرات يك نوجوان ۱۴ ساله به عبادت رسیده در ضمن یکی از مزدوران اسرائیل بسوی کارگسران فلسطینی شلیک کرد که منجر به شهادت ۲ کارگر و زخمی شدن ۱۰ تن دیگر گردید. بدنبال این جنایت کارگسران فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن به اعتصاب مبارزت کردند.

- مبارزین تامیل در سرلانکا یکی از مراکز سرکوب رژیم حاکم را اشغال و ۴ پایگاه مهم نیروهای دولتی را مورد حمله قرار دادند. ببرهای تامیل در جرمان این عملیات ۱۰ تن از مزدوران رژیم ضد خلقی حاکم را به هلاکت رساندند. در ضمن دولت سرلانکا اخیراً ۷۰۰ میلیون دلار دیگر برای خرید هواپیما و قایقهای مسلح، بویجه تعیین نموده و به فرماندهان ارتش برای سرکوب جنبش تامیل مسا اختیارات کامل داده است. تریبی این دستور ارتش به قتل عام مردم بیگناه در برخی از روستاها پرداخت.

- در اول خرداد ماه دولت آمریکا ۲۲۰ میلیون دلار کمک نظامی به دولت‌های السالوادور و پاناما را تصویب کرد. در همین رابطه سناتور برمن گفت: "یک میلیارد دلار کمک نظامی به دولت السالوادور در چند سال گذشته نتوانسته است مسائل داخلی این کشور را حل کند. شاید این ۲۲۰ میلیون دلار تغییراتی ایجاد کند."

- بدنبال رشد روزافزون مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا سفارتخانه‌های این کشور در اروگوئه و شیلی ضمن انتشار اطلاعیه‌هایی اعلام کردند: "دولت آمریکا برای افراد گروهها و تشکیلاتی که گزارش‌هایی از گروههای چریکی که بر علیه آمریکا مبارزه می‌کنند ارائه نماید، پاناهای نقدی چند میلیون دلاری در نظر گرفته است."

- سفیر آمریکا در شیلی طی ملاقاتی با رئیس جمهور این کشور اعلام کرد آمریکا قصد دارد ۲ میلیارد دلار در بخش معادن آمریکای لاتین سرمایه‌گذاری کند که ۴ میلیارد دلار آن در معادن شیلی به گردش در خواهد آمد.

- علی‌رغم اینکه رژیم ضد مردمی گابن برای مقابله با

مزدور این کشور ۷ تن را به هلاکت رساندند. در ضمن بدنبال فرار ۵ زندانی سیاسی از زندان " بایرپاما " استانبول پلیس جستجوی وسیعی را برای پیدا نمودن آنها سازمان داده. براساس خبرگیری مبارزین ترکیه در زندانهای این کشور یکی از زندانیان را که خیانت کرده و باعث ضرباتی به مبارزین ترکیه گردیده بوده در زندان به هلاکت رساندند.

مردم بشکالاش در اعتراض به افزایش مالیاتها که اخیراً از سوی دولت اعلام شده است در ناکا پایتخت این کشور تظاهرات بزرگی براه انداختند که با حمله نیروهای سرکوبگر این کشور مواجه شد. بر اثر حمله نیروهای سرکوبگر تعدادی از تظاهرکنندگان کشته و مجروح شدند.

نشریه این سایت بتاريخ ۲۳ آوریل گزارش داده: رهبر جبهه پولیساریو بدنبال مذاکره برای سازش با دولت حاکم بر مراکش توسط نیروهای گارد خودی در زمانیکه از کمپ نهندوف خارج میشده مورد حمله قرار گرفت. او از این واقعه جان سالم بدر برد. بدنبال این حادثه ۲۸ تن از فرماندهان و نیروهای محافظ رهبر جبهه پولیساریو تصفیه گردیدند.

رژیم مزدور عربستان سعودی برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت جنرال دینامیک امریکایی که قرارداد ۳ میلیارد دلاری با این شرکت منعقد نموده در نتیجه شرکت مزبور که به بدلیل بحران مالی قصد نداشت یکی از دو کارخانه بزرگاش را تعطیل کند به این وسیله از این بحران خلاصی یافت. در ۱۸ تیر ماه اعلام شد که بر اساس این قرارداد عربستان ۲۱۵ تانک از نوع M۴۸ و مقادیری تجهیزات کمکی دریافت خواهد کرد.

بیش از ۶ هزار نفر از اهالی آلبانیایی به سفارتخانههای کشورهای دیگر در تهران پایتخت این کشور پناهنده شدند. خواست آنها خروج از آلبانی است که سرانجام دولت آلبانی با صدور کفرنامه و دادن اجازه خروج به آنها با خواستشان موافقت نمود.



چریک فدائی خلق رفیق شهید محمد حسینی ابوده

نیز به آتش کشیده شد.

بدنبال اعلامیه دولت شوروی مبنی بر اینکه درجهای خوب اصلاحات اقتصادی ترکشوره از اول ژوئیه قیمت بعضی از مواد غذایی ۳ برابر افزایش خواهد یافت، مردم مسکو برای خرید مواد غذایی به مغازهها هجوم بردند و این در حالی بود که گوریباچف مکرراً از مردم میخواست آرامش خود را حفظ نمایند. برای مقابله با این وضع دولت شوروی ورود کسانی که اهل مسکو نیستند را به فروشگاهها ممنوع نمود.

در همین رابطه گوریباچف در تلویزیون شوروی اعلام کرد: برای حل مشکلات اقتصادی اتخاذ يك نظام اقتصادی متکی به بازار آزاد را نمیتوان به عقب انداخت.

گراسیموف سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی اعلام کرد افزایش قیمتها بدنبال گرایش اقتصاد شوروی بسوی " اقتصاد آزاد " بوجود میآید. این همان طرحی است که در لهستان به تورم سه رقمی (۹۰۰ درصد) منجر گردیده. در ضمن گوریباچف اعلام کرد که طرح جدید باعث بهکاری میلیونها نفر از کارگران میشود (حدود چهار میلیون از ۱۲۵ میلیون نفر جمعیت) او گفت کارخانهها در حال بسته شدن میباشد.

در اولین انتخابات عوراهای محلی در لهستان که پس از تحولات اخیر در این کشور برگزار گردیده، اتحادیه همبستگی که دولت را در دست دارد و متحدینش جمعاً حدود ۸۵٪ آرا بدست آوردند. شکست رویزیونیستها در این انتخابات بار دیگر خشم و نفرت مردم لهستان را از آنها به نمایش گذاشت.

هزاران اسرائیلی که هوادار جنبش " صلح اکنون " بودند در ۵ خرداد ماه در یکی از میدانهای شهر تل آویو دست به تظاهرات زده و خواستار آغاز گفتگو با سازمان آزادی فلسطین گردیدند. تظاهرکنندگان عمار میمانند: " خون ریزی را متوقف کنید، باید مذاکره را آغاز کرد " در مقابله با رشد این جنبش، پلیس اسرائیل تعدادی از هواداران این جریان را بدلیل در دست داشتن پرچم فلسطین بازداشت نمود.

گوریباچف میبایست به تهیه قانونی نموده است که براساس آن هرکس با او مخالفت کند به حداقل سه سال زندان محکوم خواهد شد.

مبارزین کرد در ترکیه ضمن حملهای به نیروهای ارتش

## ایران از دریچه آمار

بوده که این رقم در سال ۶۵ -  $20/7 \times$  کاهش یافته است.  
- رئیس سازمان آزمون ورودی دانشگاهها گفت: از هر  
۶۰ نفر دبیرمه فقط يك دبیرمه عانس ورود به دانشگاه را  
دارد.

- مطبوعات رژیم گزارش دادند: میزان نقدینگی  
بخش خصوصی در عرض ۷ سال ۳ برابر شده است. نقدینگی  
بخش خصوصی که در پایان سال ۶۷ مبلغ ۱۵.۴۲۸ میلیارد ریال  
ارزیابی گردیده در سال ۶۰ مبلغ ۵۱۱۱ میلیارد ریال بوده  
است.

- در کنگره قلب و عروق اعلام شد: هر سال ۲۵ هزار  
کودک مبتلا به بیماریهای مادرزادی قلب متولد میشوند  
و این در حالی است که ۱۲ هزار کودک مبتلا به بیماری  
قلب هم اکنون در انتظار عمل جراحی ثبت نام کرده اند و  
در این کنگره عامل مهم رشد این بیماری جنگ و بیماریهای  
در طی جنگ اعلام شد.

- روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: قیمت بعضی از کالاهای  
مورد احتیاج تودهها ردهای نزدیک به چهار برابر شده است.  
به طور مثال لپه که در سال گذشته هر کیلو ۳۵ تومان بفروش  
میرسیده و در امسال به کیلویی ۱۳۰ تومان رسیده و  
کرایه تاکسی و کرایه خانه نیز به ترتیب ۴۰ و ۳۵۰ رسیده  
داشته است.

- سرپرست سازمان تربیت بدنی اعلام کرد: قیمت توپ -  
فوتبال که ۲۷ تومان بوده امروزه در بازار آزاد به ۱۰۰۰ تومان  
رسیده است.

- رئیس دانشگاه تهران گفت: تعداد اعضای هیات  
علمی دانشگاه تهران که در سال ۵۵ حدود ۲ هزار نفر بود  
در سال ۶۸ به ۱۰۵۰ نفر کاهش یافت و این در شرایطی است  
که تعداد دانشجویان که در سال تحصیلی ۵۶ - ۵۵ حدود ۱۸/۵۰۰  
نفر بوده در سال ۶۹ - ۶۸ به ۶۷ هزار نفر افزایش یافته است.  
- معاون کشاورزی جهاد سازندگی اعلام کرد: واردات  
گندم که در سال ۵۶ يك میلیون و ۶۰۰ هزار تن بوده در سال  
۶۸ به ۵ میلیون تن رسیده است یعنی حدود ۳ برابر گردیده  
است. و واردات برنج نیز در فاصله سالهای ۵۶ تا ۶۸ از  
۱۷۷ هزار تن به ۷۱۶ هزار تن رسیده یعنی حدود ۴ برابر  
شده است.

- معاون آموزش و ترویج سازمان جنگلی و مراتع کشور  
اعلام کرد: بیش از ۱۲ میلیون هکتار از جنگلهای کشور از  
توجه ۳۶

- مرکز آمار ایران اعلام کرده که:  $20/7 \times$  جمعیت  
ایران در شهرها و  $20/7 \times$  در روستاها سکونت داشته و بقیه  
نیز غیر ساکن می باشد.

- معاون کشاورزی جهاد سازندگی گفت: واردات گوشت  
کهور در سال ۵۶ حدود ۱۸۲ هزار تن بوده که در سال ۶۸ به  
۲۲۰ هزار تن رسیده است و واردات علوفه نیز از میزان  
۹۹۳ هزار تن در سال ۵۶ به يك میلیون و ۸۰۰ هزار تن در  
سال ۶۸ رسیده است.

- رانده رژیم در خرداد ماه اعلام کرد که: براساس  
آخرین سرشماری ۲۰ میلیون نفر بیسواد در کشور وجود دارد  
که این رقم به نسبت سال ۵۵ ردهای ۱۵٪ داشته است.  
- معاون سازمان برنامه و بودجه گفت: دولت در حال  
حاضر ۵ هزار میلیارد ریال طرح نیمه تمام دارد که اگر به بهره -  
برداری نرسد سالانه ۵۰۰ میلیارد ریال خسارت دهر کرد به  
آنها تعلق می گیرد.

- روزنامه رسالت گزارش داد: نرخ بیکاری از  $12/6 \times$   
در سال ۶۰ به  $10/2 \times$  در سال ۶۶ رسیده است و در سال ۶۶  
در میلیون نفر مطلقا بیکار بوده اند و اگر بیکارهای  
پنهان و مغایل کاتب را نیز به آمار بیکاران اضافه  
کنیم آنگاه روشن میشود که در سال ۶۶ چیزی قریب به  
نصف جمعیت کشور یعنی ۴۸٪ نیروی فعال جامعه یا بیکار  
بوده و یا نقش موثری در تولید نداشته اند.

- مدیر عامل صنایع شیشه نشکن اعلام کرد: تولید  
کارخانه شیشه نشکن که ظرفیت اسمی اش در حدود تولید  
۵۰۰ هزار متر شیشه در سال می باشد در حال حاضر فقط ۵۰ هزار  
متر در سال شیشه تولید می کند.

- تلویزیون C.T.V آمریکا گزارش داد: نرخ بیکاری  
در جمهوری اسلامی به ۲۵٪ رسیده است که یکی از بالاترین  
نرخهای بیکاری در سراسر جهان می باشد.

- ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی گزارش داد: سهم  
ماشین آلات در تشکیل سرمایه ثابت در سال ۵۴ ه  $20/6 \times$

## گزارش هیات تحقیق، در خدمت تطهیر

## رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

از صفحه ۵۲

احکام او نمی‌بایم. و لازم نیست از سجنفا (عورای عالی) پرسیده شود که چگونه رژیمی که تا امروز به قول خود سجنفا (عورای عالی) "هرگونه ندای حق طلبانه مردم را با گلوله پاسخ داده است" و رژیمی که در تمام جنایات حیات زندگی بر علیه خلقها همواره از حمایت‌های مادی و معنوی، پنهان و آشکاره و مستقیم و غیر مستقیم جهات مختلف بین المللی برخوردار بوده و می‌باشد چرا و بنا به چه منافع و ضرورت‌های مادی‌ای "با ست خود آنها" در اوج ضعف و زبونی "سند محکومیت خود را در مجامع بین المللی امضا" می‌کند؟ و اصولا بنا به کدام ادله روشن می‌توان این حکم متعسف را مایه نمود که صرف "ورود" این هیات به ایران به معنای "شکست" و "تسلیم" و "امضای" سند محکومیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آنهاست توسط "خود" او است؟

خیر! در منطق عقب مانده سجنفا (عورای عالی) برای توجیه مندرجات این "فراخوان" هیچ دلیل معتبری غیر از دید فرصت طلبانه و سازشکارانه خود این جریان وجود ندارد. از نقطه نظر سجنفا (عورای عالی) که بنا به فرمایش خویش باورش شده بود که "هیات تحقیق" اعزامی از طرف سازمان ملل "وظیفه‌اش" واقعا تحقیق در باره جنایات جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر می‌باشد. ورود این "هیات ویژه" کافی بوده است تا وی "شکست و غفت" برای جمهوری اسلامی و "پیروزی" ای برای خود به ثبت برساند. "ورود" این "هیات ویژه" برای سجنفای کوتاه بین کافی بود تا باورش شود که رژیم تبهکار جمهوری اسلامی - این دشمن قسم خورده خلقها - "خود بدست خود" سند محکومیتش را امضا کرده است. و بالاخره "ورود" این هیات کافی بوده است تا سجنفا (عورای عالی) به نهایت از توده‌ها "سرفصل مهمی" را در مبارزات "ضد استبدادی" مردم رقم بزند. با این

انسان و قتل انسان و نفی حقوق انسان توسط دستگاه دیکتاتوری منمبی حاکم به تحقیق بپردازد" (گویا نیمه ۶۸) "فراخوان" و با این "استدلال" نتیجه گیری می‌کند. "ورود" این هیات به همان اندازه که برای ما پیروزیست برای جمهوری اسلامی و دستگاه آدمکشی اش شکست و غفت است. سجنفا (عورای عالی) که صرفا با "ورود" این هیات دیگر در "شکست" جمهوری اسلامی و پیروزی "خود" هیچ عکس را روا نمی‌دارد و حتی قادر نیست که به قول آن مثل معروف دو قدم نورتر از خود را هم ببیند ادامه می‌دهد: "جمهوری اسلامی پس از ۴ بار محکومیت صریح در سازمان ملل متحد سرانجام اوائل ماه گذشته در نتیجه افزایش روز افزون فشارهای داخلی و خارجی ناگزیر از پذیرش این هیات و در واقع تسلیم در برابر وجنان بیدار جامعه بشری شد. این تسلیم برای رژیم جنایتکاری چون رژیم جمهوری اسلامی در عین حال شکست سنگینی نیز هست." (همانجا)

اضافه بر این سجنفا (عورای عالی) که با ورود "هیات تحقیق" عنان از کف داده، در دنباله "فراخوان" پا را از حد صدور احکام "نون کیهوت وار" خود نیز فراتر گذاشته و بر این باور می‌شود که جمهوری اسلامی آنقدر مستاصل و درمانده و یا شاید هم ساده انگار و ابله بوده که خود بدست خود سند شکست و محکومیت و تسلیم خود را "امضا" نموده است. در "فراخوان" معلوم می‌گردد:

"رژیمی که تاکنون هرگونه ندای حق طلبانه مردم را با گلوله پاسخ داده است، اینک در اوج ضعف و زبونی با ست خود سند محکومیت خود را در مجامع بین المللی امضا" می‌کند." (همانجا)

اگر تمام فراخوان ابلهانه سجنفا (عورای عالی) معنی فشرده مواضع این جریان در مقابل سفر "هیات تحقیق" سازمان ملل را زیر و رو کنیم دلیل معتبری برای اثبات

البته سنجفائی که در طول سالها نشان داده که فاقد يك  
بیش و درك صحیح و انقلابی از ماهیت وابسته به امپریالیسم  
جمهوری اسلامی است و این رژیم را حداکثر "ستگاه دیکتاتوری  
منهیی حاکم" می داند که با "الزامات نظام سرمایه داری" در  
ایران در تضاد می یابد باید هم اینگونه ابلهانه بیاندهد  
که " معنی از آدمکشان بیمار حاکم برای ایران (ب) پس از  
سالها خیانت و نقض فاحش حقوق بشر برای ایران سرانجام مجبور به  
" تسلیم در برابر وجدان بینار جامعه بشری " شده اند و به  
این ترتیب هم " شکست سنگینی" را بر خود تحمیل کرده اند  
و هم فراتر از آن " با دست خود سند محکومیت خود" را  
در مجامع بین المللی امضا کرده اند. اپورتونیسیم و عقب -  
ماندگی شگرف سنجفا ( شورای عالی) بسیار نامنه دارتر از  
آن است که مجالی برای يك پیش صحیح و موضع گیری اصولی  
در نزد این جریان حول قضیه فوق - و نه تنها این قضیه -  
باقی بگذارد.

اما برای اینکه پلان آینده های انحرافی که به مقابله  
معتابیه از سوی نیروهای سازشکار و نانی نظیر سنجفا  
( شورای عالی) در سطح جنبش اعاده یافته ثابت گردد لازم به  
گفتن مدت زمان زیادی نبود. همانطور که براتیک ستر  
این " هیات ویژه" و انتشار تراز نامه کار آن ه خیلی زود  
خود به بهترین معیار معك زدن توهم پراگنیهای اپورتونیسها  
و فرصت طلبانی امثال - سنجفا ( شورای عالی) بدل گردید.  
انتشار "گزارش" این " هیات ویژه" که ورود آن از نظر  
سازشکارانی نظیر سنجفا ( شورای عالی) " سرفصل مهمی در  
مبارزات ضد استبدادی مردم" تلقی میشد و گویا به عنوان  
تجلی " وجدان بینار جامعه بشری" به ایران آمده بود تا  
" بینادی که یازده سال است بر مردم ایران می رود را خنثاوت  
و ثبت کند" یا " بهرامون شکنجه انسان ه قتل انسان ونفس  
حقوق انسان " تحقیق کننده آنچنان آبی به آسیاب " دستگاه  
دیکتاتوری منهیی حاکم" می ریزد که بسیار دور از انتظار

توصیف پرسیدنی است که آیا میتوان هیچ وجه تفکیک  
اساسی ای بین مواضع معامات جویانه و اپورتونیسستی این  
سازمان به اصطلاح مارکسیست - لنینیست که همه ای از آن  
برشمرده شده با تبلیغات مسموم و عوامفریبانه امپریالیستی  
که در طول سفر این هیات با مضمون " اجبار" جمهوری  
اسلامی به تغییر رویه از " دیکتاتوری" به " دمکراسی "  
جریان باعث مشاهده کرد؟

البته سنجفا ( شورای عالی) سرانجام از آنجا که با این  
" فراخوان" پرحرارت راجع به سفر " هیات تحقیق" به  
ایران آنچنان چشم انداز کاذبی را " در ایسن عرصه از  
مبارزه" ترسیم کرده که حتی هم آن برای خودش نیز  
مشکل است به این رضایت می دهد که " ورود این هیات  
به معنای پهروزی کامل [ دقت کنید پهروزی کامل! ]  
در این عرصه از مبارزه نیست " ( همانجا - تاکهفات و  
جمله داخل کروشه از ماست)

" فراخوان" سنجفا ( شورای عالی) نشان می دهد که مانور  
فریبکارانه جمهوری اسلامی در قبول سفر " هیات تحقیق" و ورود این  
هیات به ایران ه موجد آنچنان شور و شعفی در این جریان  
گردید که آن را " سرفصل مهمی" در مبارزات ضد استبدادی  
مردم به شمار آورد. چرا که فرمایش و فرصت طلبی در " شورای  
عالی" کوتاه بین ما آنقدر تعمیق یافته که او را واقعاً  
است تا با به پای تبلیغات نعمتان تونده ها اینده او روانمود  
کند که گویا " هیات ویژه" واقعا موظف است " پیرامسون  
شکنجه انسان ه قتل انسان و نفی حقوق انسان توسط دستگاه  
دیکتاتوری منهیی حاکم به تحقیق بپردازد" غافل از اینکه  
آنچه را که سنجفا ( شورای عالی) " شکست و خفت" جمهوری  
اسلامی و " تسلیم در برابر وجدان بینار جامعه بشری" وبالخره  
" پهروزی" خود می بینارده اتفاقا مانور حساب شده ایست  
که از سوی این رژیم سرکوبگر برای فریب تونده ها و  
اپورتونیسها و سازشکاران مستعدی نظیر او سازمان یافته  
است. و الحق که امثال سنجفا ( شورای عالی) به کرات نشان  
داده اند که از چه استعداد بزرگی در فریب خوردن و افتسان  
در نام تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی برخوردارند.

(ب) ما فعلا به مضمون قراطیقاتی این عبارات فرهنگ  
سنجفا ( شورای عالی) کاری نداریم.

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسیم نیست

عده و یا حماقت به خرج نماند که با قبول سفر این هیات "سند محکومیت" خود را "بخت خود" امضا کند. ولسی آنچه مسلم است این حقیقت می‌باشد که در این میان شکست سنگینی نصیب اپورتونیستهای سازشکار و فرصت طلبی نظیر سففا (هورای عالی) عده که با اغاعه چنین تحلیل‌های کوتاه بهانه‌های ضمن آنکه فقر انراک انقلابی خود را در این عرصه از مبارزه در مقابل توندهای آگاه به نمایش گذارده‌اند، آب به آسیاب تبلیغات و اهداف عوامفریبانه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و کارگرنانان می‌جامع شناخته شده‌ای نظیر "هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل" ریخته‌اند. این نمادی از ستاورد عملی و جوهر واقعی مواضع رفرمیستی و اپورتونیستی سففا (هورای عالی) در قبال ورود "هیات تحقیق" به ایران است. اما مثل معروفی است که می‌گوید: "اپورتونیسم بر روی هزاران پانده می‌چرخد." و از آنجا که سففا (هورای عالی) نیز صدای بارز همین حقیقت است، نگاهی به مواضع بعدی "هورای عالی" در این زمینه عالی از فایده نمی‌باشد.

پس از انتشار گزارشی "هیات تحقیق" که تمام حسابهای اپورتونیستها و سازشکاران و "آلترناتیوها" و "بدیل‌های" آنها را در هم ریخته، سففا (هورای عالی) نیز به جای یک نقد جدی و انقلابی از مواضع مسامحت چوپانده و توهم پراکنی‌های عنان گسیخته خویش شروع به چرخش از مواضع قبلی نموده و در اظهار نظر نسبت به "گزارش" هیات تحقیق، درحالیکه نشان می‌دهد که هنوز نمی‌خواهد و نمی‌تواند از رفرمیسم خود گسست کند در گفتار رأی‌نویسی خود تحت عنوان گزارشی "گالین نوبل": "انکاس غیر واقعی شکجه و سرکوب می‌گوید: طی این گزارش که حکایت از سازش پنهانی میان جنایتکاران حاکم بر ایران با کمیسیون مزبور دارد، گالین-نوبل به شکل غیر مسئولانه و دور از انتظاری مدعی شده است که ابعاد با ابعاد عدل حقوق بشر در ایران شدید نیست." (گویا اسفند ماه ۶۸) (تاکید از ماست)

البته ما از سففا (هورای عالی) توضیح نمی‌خواهیم که چگونه "هیات ویژه‌ای" که نماینده "وجدان بهینار جامعه بشری" می‌باشد با "مفتی از آنکشان بیمار حاکم بر ایران" به یکباره و پنهانا سازش کرده است. اما جالب اینجاست که "هورای عالی" عقب مانده ما از آنجا که به شکل ابلهانه‌ای هنوز "انتظار" دارد که امثال گالین نوبلها

سازشکاران بودند است. (بم)

با پیامهای تهیبت آمیز کارگزاران رنگارنگ "ستگاه نیکتا توری مذهبی حاکم" و با تکریم و تائید پدهای بی حد و حصر "مفتی از آنکشان بیمار حاکم بر ایران" نسبت به خدمات این "هیات ویژه" و بالاتر از آنها با قبول بازبید مجدد این "وجدان بهینار جامعه بشری" از ایران از سوی "ستگاه نیکتا توری مذهبی حاکم" روشن می‌شود که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی طبق همان منطق عقب-مانده سففا (هورای عالی) در این "عرصه از مبارزه" نه تنها "شکست" نخورده بلکه "ببروز" هم شده است. - البته نه "ببروزی کامل"! -

همین واقعیات بخوبی ثابت می‌کند که نه این "هیات ویژه" تجلی "وجدان بهینار جامعه بشری" است و نه "ستگاه نیکتا توری مذهبی حاکم" "آفتاب" ضعیف "و" زبون

(ب) - متعك تر از همه اینجاست که سففا (هورای عالی) با "ورود" این هیات که آنرا به منزله "شکست سنگینی" برای جمهوری اسلامی اعلام می‌نمود از این امر آنقدر سرمت گردیده بود که در مقابل بوی و کرنای تبلیغات سازمان مجاهدین خلق و درخواست آن سازمان برای اعزام نماینده‌ای از خود همراه "هیات تحقیق" عینا به خصم آمده و به این سازمان همدار می‌دهد با "تاکتیک اعزام نماینده" به همراه این هیات کاری نکنند که جمهوری اسلامی از "امضا" ی "سند محکومیت" و "تسلیم" خود استنکاف جوید. آری جالب توجه است. بلاغت رقت‌آور سففا (هورای عالی) در این جریان به جایی رسیده که وی به رغم تمام خوبتین ناری سرانجام تاب نیاورده و در مقابل تبلیغاتی که رهبری مجاهدین خلق حول درخواست اعزام نماینده از سوی این سازمان به همراه "هیات تحقیق" در سفر به ایران و سازماندهی کرده بدون اینکه بفهمد این درخواستها فاقد هرگونه پاسخ عملی است و سازماندهندگان این هیات قبلا زد و بندهای خود را کرده‌اند به منظور "افسای" تلافی مجاهدین جهت بهره‌برداری از این سفر در راستای "منافع گروهی و فرقه‌ای خود" می‌نویسد: "فرض کنیم ملل متحد به طومارهای جمع آوری شده از سوی مجاهدین خلق تسلیم شد و رای به اعزام نماینده رجوعی به همراه هیات نمایندگی سازمان ملل متحد دارد. آیا این جزیره استنکاف رژیم ارتجاع از تسلیم خود به امر دیگری منجر خواهد شد؟ قطعا خیر... در چنین صورتی چه پیش خواهد آمد؟... رژیم ارتجاع از این فرصت برای مانده عالی کردن از تسلیم خود در مقابل افکار عمومی جهان سود خواهد جست و بدون دغدغه فشار بر زندانیان سیاسی را تشدید خواهد کرد." (گویا دی ماه ۶۸)

عجبا در رویاهای غیرین "هورای عالی" این "هیات تحقیق" چه معجزه‌هایی که نمی‌بایست به منصف ظهور برساند!!

به زعم این جریان قبول سفر این هیات به ایران از طرف جمهوری اسلامی به منزله این حکم پرطمطراق بود که "استیفاء یک گام عقب می‌نهند" اما با انتشار گزارش "هیات مزبور معلوم شد که این اپورتونیست‌هایی نظیر سجنفا (هورای عالی) هستند که باید "عقب‌نمی‌کشند" البته سجنفا (هورای عالی) به سبب رفتار اپورتونیستی خویش بدون آنکه بروی خود بی‌آورد که چرا و چگونه تا امروز ورود "هیات ویژه سازمان ملل" در تئوری - برنامه‌های مجمع او به منزله "عقب‌نمی‌کشند" بوده امروز عنوان می‌کند که "در مقابل این اظهارات (اظهارات گالین نوبل) مردم ایران تنها یک پاسخ دارند و آن اینکه هیچ نیازی به درخواست گالین نوبل برای رحم و شفقت وجود ندارد زیرا مرتجعین حاکم را با چنین درخواست‌هایی سرو کار نیست. آدمکان حاکم را تنها با زور و فشار می‌توان به عقب‌نمی‌کشاند" (گویا اسفند ماه ۶۱ تا کسفات و جمله داخل کروشه از ماست)

تناقض فاحش و جریک‌های تمام عبار مواضع این جریان روشنتر از آن است که احتیاج به تفسیر بیشتر داشته باشد. تنها می‌توان گفت که عدت نااستواری و فرصت طلبی سجنفا (هورای عالی) که در تمویض روزمره تعلیمات این سازمان به عنوان یک رفتار شناخته شده تجلی یافته آنچنان هوشناست که با هیچ پرده ساتری نمی‌توان آنرا پوچاند و شاید از اینروست که "هورای عالی" تفضیص ناده است بی تفاوت از آن بگذرد و چیزی را جز روی خود نیلوردنمی‌داند که انسان را به یاد کیکی می‌اندازد که چون سر خویش را در برف فرو برده می‌بیند که دیگر هیچ کس او را نمی‌بیند. فی الواقع اگر نیروهای سازشکار و فرصت طلبی نظیر سجنفا (هورای عالی) می‌توانستند و یا میخواستند از پشت عیبای "مشتی از آدمکان بیمار" و یا "ستگاه نیکتاتور" منمهی حاکم" و عبارت برنامه‌های پوچ از این ردیف چهره حاکمیت شوم امپریالیست‌ها و نیکتاتوری طبقه سرمایه‌داران وابسته را تفضیص نهدند شاید آنگاه می‌توانستند ترک کنند که چه منافع و اهداف طبقاتی ضد خلقی ای در ورای ظاهر نریک‌کارانه سفر این هیات که از سوی مجامع تحت نفوذ سرمایه‌داران جهانی نظیر سازمان ملل و سازمان یافته و از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مورد قبول قرار گرفته بود و وجود نداشت. در چنین صورتی

گزارش "مسئولان" و "واقعی" در باره حقیقت "ایمضاد با افعال عدل حقوقی سفر نمایران" توسط "جنایتکاران حاکم" ارائه نهنده به او شکوه می‌کند که چرا منعی شده است که "ایمضاد با افعال عدل حقوقی سفر نمایران" در ایران دیده نیست. هر کس که یکبار گزارش سراسر جعل این هیات در مورد نقض حقوقی سفر نمایران را مطالعه کند جای شکی برایش باقی نخواهد ماند که با توجه به ایمضاد هولناک جنایات فئورون و سلالی رژیم جمهوری اسلامی بر علیه توده‌ها در طول مبارزه سال گذشته روح حاکم بر "گزارش" حتی ندانگر بعضی کوچکی از این جنایات و دهنمنی‌ها که زبان از بیان ناقص است نهر نمی‌باشد؛ لیکن سازشکاران و فرصت طلبانی نظیر سجنفا (هورای عالی) با وجود اینکه اکنون به قول خود به "سازش پنهانی میان جنایتکاران حاکم بر ایران با کمیسیون مزبور" پی برده‌اند هنوز جرات بیان این حقیقت و افشای چهره واقعی مجامعی نظیر سازمان ملل و "هیات تدنیتی" آن در مقابل توده‌ها را به خود نمی‌دهند و انتقادات و گلایه‌های شکوه آمیز خود را حنا کتیره بر روی "ایمضاد" گزارش مبتنی ساخته‌اند. این کوفش بی دلیل نیست. چرا که با افشای انقلابی چهره واقعی امثال اینگونه هیات‌ها حقیقت جلوه‌هایی از رفرمیسم ذاتی اپورتونیست‌ها نیز آشکار و چهره سازشکارانی نظیر سجنفا (هورای عالی) نیز لاجرم افشاء خواهد شد.

البته سجنفا (هورای عالی) حال دیگر با انتظار "گزارش" و افشای مواضع اپورتونیستی خویش در این کارزار تنها حدودی دورنگرتر از قبل شده و با فراموش کردن تمام اجکام فرصت طلبانه قبلی خود طلی یک هفتک و آروی کامل عنوان می‌کند که "با توجه به نتایجی که گالین نوبل منتظر ساخته است تجدید دیدار وی از ایران نیز در برگیرنده گزارش حقیقی وضعیت زندان‌ها و حقوقی سفر تحت حاکمیت مرتجعین اسلامی نخواهد بود." (همانجا) بلی این واقعیتی است. ولی واقعیتی که بسیار دیرانا مهجود و عجیب نیست. "هورای عالی" همواره نشان ناده که فرسنگها دورتر بیندیشد واقعیت می‌تود و این خصوصیت بارز اپورتونیسم ذاتی این جریان است. در زیگزارهای متوالی مواضع سجنفا (هورای عالی) نسبت به سفر "هیات تحقیق" به ایران یک نکته دیگر نیز به چشم می‌خورد.

اگر "ورود" هیات تحقیق از نظر سجنفا (هورای عالی) متساوی اعلام و "صرفاً مهمی" در مبارزات توده‌ها بوده و اگر

در خدمت به اهداف فوق الذکر فروگذار نمی گردند. تلاشی که نقش آنها را در تومم پراکنی و تریب توندها بار دیگر برومی نشان میدهد از سوی دیگر این واقعہ چهره متمعیان و مراجع بین المللی نظیر "هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل" که در حرف برای حقوق توندهای تحت ستم بقده فرانی میکنند را بار دیگر افشا کرده و نشان میدهد که جایگاه نهائی آنها در عمل در کنار رژیمهای سرکوبگری نظیر جمهوری اسلامی و اربابان جهانی قرار ندارد.

اما تجربه سفر این هیات درس آموزنده بس مهمتری را نیز برای توندهای آگاه و رزمنده ما در برداشت. این رویداد به طور اولی یکبار دیگر بر این حقیقت مهر تائید زد که "دمکراسی" و "حقوق بشر" برای توندهای محروم نه تنها در چار چوب دیکتاتوریهای امپریالیستی ای نظیر جمهوری اسلامی قابل حصول نیستند بلکه تحقق این خواستها در جامعه در مرحله اول مستلزم سلب آزادی از غاصبان و سلب کنندگان حقوق و آزادی مردم است. اعاده حقوق پایمال عده توندهای تحت ستم تنها در میدان مبارزه و با اعمال قهر انقلابی بر علیه دشمنانی است که قابل حصول میباشد. مبارزه عادلانه و طولانی ای که در فرجام گریز ناپذیر خود با نابودی قطعی نظام سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری و موسسات حافظ آن ضمن برقراری جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر راه را برای آزادی قلمی ستمکشان و استقرار دمکراسی نوین انقلابی در تمام عرصه های حیات آنها باز خواهد نمود.

باز هم شاید این جریان می فهمید که اهداف و نتایج سفر این "هیات ویژه" تماما در خدمت آن سیاست امپریالیستی قرار داشت که مدتهاست در مدد تزئین و تطهیر چهره کریه دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی و مقبولیت بخشیدن به این رژیم در انظار بین المللی است.

اما مع الاسف باید تاکید کرد که چنین واقع بینی و ادراکی از نیروهای فرصت طلب و کوتاه بین نظیر سنجفا (غورای عالی) بسیار بعهد است. چرا که لازمه این امره در درجه اول يك خانه تکانی تمام عبار و چرخش کامل در نظر و عمل این نیروهاست. چرخش کاملی از اپورتونیسیم و رفرمیسیم به مارکسیزم - لنینیسم و روی آوری به تحلیلهای تاکتیکیهای انقلابی. امری که البته مختصات تاکنونی حرکت نیروهای نظیر این سازمان کاملا با آن بیگانه بسوده است.

جمع بندی کنیم:

تجربه سفر "هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل" به ایران و گزارش رسوای سازمان دهندگان این هیات که با مضمون تطهیر چهره جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی تنظیم شده بوده آموزه های انقلابی ارزمنددی را برای جنبش انقلابی توندهای تحت ستم ما برجای گذارد. این کارزار تبلیغاتی یکبار دیگر چهره ریاکار انواع دشمنان ستم خورده مردم ما که ستانمان در دوره های متفاوت تا مرفق به عسود توندها و فرزندان انقلابیمان آغشته است را افشا نمود.

این سفره همسویی آشکار دوستان نایان خلق سازشکاران و فرصت طلبان رنگارنگ را با دسائس و توطئه های رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به نمایش گذارد. و نشان داد که رسالت تاریخی سازشکاران و اپورتونیستها در نهضت خلق همانا افلات انزوی انقلابی توندها و آب به آسباب دشمنان خلق ریختن است. اگر بلندگوهای امپریالیستی بمنوان بعضی از اهداف پست برده خود در اعزام "هیات تحقیق" به ایران برسدند نفر این اکانیب بودند که قبول سفر این هیات از سوی رژیم گویای گشوده شدن سرفصل دیگری در حیات دیکتاتوری حاکم و عقب نشینی و تسلیم او برای تفهیر رویه از دیکتاتوری به دمکراسی در مقابل فشارهای بین المللی است. الحق که نیروهای نظیر سازمان مجاهدین خلق و فرصت طلبانی همچون سنجفا (غورای عالی) با مواضع عوام فریبانه خویش در این کارزار ریاکارانه از هیچ تلاشی



### گرانی از زبان لرقام

یکی از حادثترین معضلات زندگی توده‌های رنج‌دیده ما تحت حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، معضل گرانی و رشد سرسام‌آور آن است. نگاهی به قیمت برخی کالاها و اقلام مورد نیاز زندگی توده‌ها که در زیر قید شده است، به روشنی ابعاد ملاقه فرسای فشار و رنجی که توده‌های محروم برای تهیه ما به‌احتاج خود باید متحمل شوند را نشان میدهد. مقایسه این قیمت‌ها با حداقل دستمزد روزانه يك کارگر در جمهوری اسلامی یعنی ۱۰۰ تومان و یا دستمزد روزانه ۳۰۰ تومانی يك کارگر ساختمانی و یا حقوق ماهانه ۱ هزار تومانی يك کارمند دولت و همچنین حقوق ماهانه ۴۰۰۰ تومانی يك معلم ساده، تصویر وحشتناک زندگی توده‌های تحت ستم ما را با برجستگی هر چه بیشتری بنمایان خواهد گذارد.

برنج ایرانی هرکیلو	۱۶۰ تومان	- خیار هرکیلو	۹۰ تومان	- خمیر دندان خارجی يك عدد ۳۵۰ تومان	۹۰ تومان
- برنج خارجی هرکیلو	۷۵ تومان	- برتقال هرکیلو	۵۰ تومان	- خمیر دندان ایرانی کوچک يك عدد	۹۰ تومان
- تخم مرغ هرخانه ۱۵۰ الی ۱۷۰	۱۷۰ تومان	- سیب هرکیلو	۴۰ تومان	- مابون سفید (سرفه‌ئی) يك کیلو	۱۳۵ تومان
- مرغ هرکیلو	۱۸۰ تومان	- نارنگی هرکیلو	۶۰ تومان	- دستکش ظرفشویی (رزماری) يك جفت	۲۲۰ تومان
- ماهی سفید هرکیلو	۵۰۰ تومان	- سیبزی هرکیلو	۲۵ تومان	- نشتال کاغذی حریر يك بسته	۱۴۰ تومان
- گوشت گوسفند هرکیلو	۳۰۰ الی ۳۵۰ تومان	- سیب زمینی هرکیلو	۶۰ تومان	- بنبیه يك بسته	۷۵ تومان
- جگر گوسفند هر عدد	۱۰۰۰ تومان	- پیاز هرکیلو	۵۰ تومان	- عینک طبی	۶ هزار تومان
- روغن ۴/۵ کیلوتی قو	۹۰۰ الی ۱۳۰۰ تومان	- سیر هرکیلو	۱۲۰ تومان	- ویتزیت دکتر	۱۵۰ تومان
- لبه هرکیلو	۱۲۰ تومان	- تاپد هرکیلو	۲۲۰ تومان	- پرکردن دندان	۲۵۰۰ تومان
- عدس هرکیلو	۹۰ تومان	- سیگار تهر کوپنی ۵۰ (آزاد ۹۰ تومان)	۲۰۰ تومان	- یخچال (۹ فوت) يك دستگاه	۳۸۰۰۰ هزار تومان
- لوبیا چیتی هرکیلو	۱۰۰ تومان	- سیگار خارجی فی المثل مارلبورو	۹۰ الی ۱۱۰ تومان	- فریزر (مونتاژ ایران) ۶ کفوشی	۴۵۰۰۰ هزار تومان
- عدس هرکیلو	۴۰۰ تومان	- کبریت هر بسته	۳۵ تومان	- تلویزیون سیاه و سفید ۱۲ اینچ	۲۴۰۰۰ هزار تومان
- چای هرکیلو	۲۰۰ تومان	- نفت هر لیتر ۴ تومان (قیمت آزاد)	۴ تومان	- يك دستگاه	۴۰ هزار تومان
- قند هرکیلو	۲۰۰ تومان	- بنزین هر لیتر کوپنی	۳ تومان (آزاد ۶ تومان)	- ویتنو يك دستگاه	۳۳ الی ۱۰۰ هزار تومان
- شکر هرکیلو	۱۵۰ تومان	- جوراب مردانه هر جفت	۷۵ تومان	- فرماده ۵۱	
- پنیر هرکیلو	۲۴۰ تومان	- جوراب زنانه هر جفت	۹۰ تومان		
- کره هرکیلو	۵۸۰ تومان	- جوراب بچه گانه هر جفت	۴۰ تومان		
- ماست هرکیلو	۲۰ تومان	- سیبائی پلاستیکی معمولی هر جفت	۱۲۰ تومان		
- شیر هرکیلو	۲۰ تومان	- خودکار بيك يك عدد	۲۵ تومان		
- گردو هرکیلو	۱۳۰ تومان	- مابون گلنار بيك قالب	۲۵ تومان		
- يك مائو بیج معمولی با نوسابه	۵۷ تومان	- مابون لوکس بيك قالب	۵۰ تومان		

## گزارشی از اوضاع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان

در تاریخ نوزدهم مه ۹۰ جمعی از پناهندگان ایرانی در کشور یونان  
مبادرت به انتشار گزارشی از اوضاع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی  
در یونان نموده اند که مارتیزر مبادرت به چاپ بخشهایی از آن می نمایم.

این بنیاد که به طور کلی انجام خدمات اجتماعی از قبیل  
کمک های مالی، خدمات بهداشتی، آموزشی، هنری و ورزشی  
را برای پناهندگان به عهده نبرده گذشته از اینکه کمبود  
پرسنل و همچنین نداشتن مترجم به طور قابل ملاحظه ای از  
کارآیی این می گاهد به بهانه نداشتن بودجه و به طور کامل  
عمدی، وظایف اصلی این راه فراموشی سپرده و به یک  
بنگاه کارایی برای پناهندگان تبدیل شده است به  
طوری که کارهای سخت و طاقت فرسای را که کارگران  
یونانی به خاطر دستمزد کم، حاضر به انجام آن نیستند پس  
از مدت های طولانی و با قرار ملاقات های مکرر به پناهندگان  
توصیه می نماید و با این کاره از سویی ناچار بودن مقدار  
حقوق ماهانه پناهندگی را لایقانی کرده و از سوی دیگر و  
مهمتر از همه با تامین کارگر ارزان برای سرمایه دارها،  
خدمات شایانی را به سرمایه داری یونان انجام می دهد.

حقوق ماهانه پناهندگان از سوی دولت یونان، فقط به  
پناهندگان متاهل، آن هم به مدت یک سال پس از پذیرش  
تقاضای پناهندگی شان، پرداخت می شود. بدین صورت که هر  
نوماه یکبار، خانواده دو نفره ۱۷۰۰۰ دراهم، سه نفره  
۲۲۰۰۰ دراهم، چهار نفره ۲۵۰۰۰ دراهم و پنج نفره  
به بالا ۳۰۰۰۰ دراهم بابت حقوق ماهانه پناهندگی  
دریافت می نمایند (۱۷۰ دراهم برابر یک دلار) می باشد. حال با  
توجه به گرانی قیمت ها و تورم موجود و در نتیجه مکفی  
نبودن این مقدار حقوق ماهانه جهت تامین هزینه های یک  
زندگی با حداقل مصرف و از سویی با وجود ممنوعیت  
ظاهری کار برای خارجیان و پناهندگان ایرانی بالاجبار و  
ظاهرا به طور مخفی به کارهای سیاه روی آورده و در تمام

در چند سال اخیر تعدادی از پناهندگان و آوارگان  
ایرانی، مدتی را در یونان اقامت نامتواند و اگر قبلا  
امکاناتی از سوی دولت یونان و با عصبه کمساری های عالی  
سازمان ملل برای پناهندگان (United Nations High  
Commissioner For Refugees (UNHCR))

آن و در اختیار آنان قرار نگرفته هم اکنون این امکانات  
بالکل از آنها سلب گردیده است به طوری که در مجموع  
امره پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان، از ابتدایی -  
ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی برخوردار نیستند. از این رو  
بر اساس انجام وظایف و جهت اطلاع به خاطر اخذ  
تصمیمات مقتضی، اختصارا به تفریح اوضاع اسفنا پناهندگان  
و آوارگان ایرانی در یونان می پردازیم.

آوارگان ایرانی که پس از تحمل مشکلات و مصائب  
فراوان به یونان وارد می شوند با مراجعه به سفارتخانه آن  
به عنوان یکی از مراجع بین المللی مسئول در ارتباط با  
امور پناهندگان و آوارگان، به طرح مسایل و مشکلات خود  
پرداخته و تقاضای اخذ پناهندگی از دولت یونان می نمایند.  
این عده به خاطر هزینه بسیار این راه طولانی و به  
خصوص پول بسیاری که به قاچاقچی ها جهت آوردن شان  
پرداخته اند، در بند ورود خود به یونان دیگر پولی را  
برای تامین هزینه های روزمره شان ندارند و به همین  
خاطر دولت یونان بنا بر وظایف این باید این مشکل آوارگان را  
بر طرف نماید.

اما دولت یونان علاوه بر اینکه آوارگان را تا پذیرش  
تقاضای پناهندگی شان از هیچگونه حمایتی برخوردار نمیسازد،  
مسایل مربوط به پناهندگان را نیز توسط "بنیاد مددکاران  
اجتماعی" (Social workers Fundation) رسیدگی نمیداند.

یونان می‌باشد. در یونان به با توجه به قیمت های بالای هتل ها و اجاره مسکن و ندانستن زبان یونانی و محدود کردن لغات و مجربین از سوی صاحبان منازل نیز مزید برعلیت می‌گردد که در نتیجه همه اینها خانه‌هایی که نصیب پناهندگان و آوارگان ایرانی می‌شود عموماً زیر زمینهای مرطوب و تنگ و تاریک و با اطاقهای مغروبه زیرغیرزانی است که در هر دو صورت سلامتی و امنیت بهداشتی عموم پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان در معرض خطر جدی قرار دارد.

در بررسی اوضاع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان مشکلات کودکان از اهمیت خاص برخوردار است. زیرا با توجه به اینکه کودکان سرمایه‌های بسک ملت هستند و باید از همین سنین کودکی تحت تعلیم و تربیت صحیح و اصولی قرار بگیرند و براین اساس ضروری است که در ساعات روز در مهد کودک های مجهز و در میان همسالان خود و تحت آموزش مربیان مجرب و بسا استفاده از انواع اسباب بازیهای مختلف به رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت های خود بپردازند. اما باکمال تأسف، بنا به شرایط حاد زندگی پناهندگان و آوارگان ایرانی و عدم توجه جدی و مسئولانه مراجع ذیربط، کودکان ایرانی به از هیچ یک از امکانات فوق الذکر برخوردار نیستند و بالاجبار تمام مدت عیان روز را به همراه مادران رنجیده و زحمتکش خود و به طور کلی به همراه بزرگسالان در میان چار دیواری خانه های تاریک و تنگ و درهای برنامهای مبتذل تلویزیون سپری می‌کنند و به همین جهت این نقص و کمبود امور تربیتی کودکان پناهندگان و آوارگان ایرانی تا حالهای سال جبران ناپذیر خواهد ماند.

یکی دیگر از وظایف اصلی اعزام پناهندگان به کشورهای پناهنده پذیر می‌باشد که به خاطر عدم توجه بدین امره پناهندگان ایرانی سالهای متمادی در انتظار اعزام بسر می‌برند. این عدم توجه بدین صورت می‌باشد که شعبه اعزام آتن به انجام بسیاری از وظایف خود از جمله اعزام پناهندگان را به مؤسسات غیره و به خصوص به " شورای جهانی کلیساها" ( *World Council of Churches* ) یا ( *w.c.c.* ) و " کمیسیون مهاجرت کاتولیک بین المللی" ( *International Catholic Migration Commission* ) یا ( *I.C.M.C.* ) احوال می‌دهد که ماهیت ضد پناهندگی

موارد کارهای سخت و طاقت فرسا را با تحمل ناراحتی های شدید جسمانی و روانی و ابتلاء به بیماری های مختلف و با مزدی کمتر از  $\frac{1}{4}$  دستمزد کارگر یونانی انجام می‌دهند؛ ... از سوی دیگر عدم پرداخت حقوق ماهانه و به طور کلی عدم حمایت جدی و مسئولانه از پناهندگان مجرد ایرانی از سوی همه آتن باعث گردیده که اکثر آوارگان مجرد ایرانی در یونان خود را به همه آتن معرفی ننمایند و همچنین به خاطر ممنوعیت کار برای خارجیان جهت امریز معاش و یا تهیه مقداری پول برای خروج از یونان عمدتاً به انواع اعمال خلاف قانون و اخلاق مبادرت ورزند و تا جایی که تعداد قابل توجهی از اینان به خرید و فروش و مصرف مواد مخدر روی آورده و در حال حاضر به طور تاسف انگیزی در نام اعتماد اسیر گفته‌اند و گهگاه نیز اخباری از آنان در رسانه های همگانی منعکس شده که باعث خشمه نظر گشتن هیئت سیاسی و اجتماعی کل آوارگان و پناهندگان ایرانی در یونان می‌گردد.

علاوه بر مسائل فوق، تا همین مسکن به عنوان یکی از نیازهای اساسی و از مهمترین مشکلات پناهندگان و آوارگان ایرانی است. زیرا همه آتن و هم دولت یونان با عدم توجه به این وظیفه اساسی شان و به طور عمدی، در مورد تامین مسکن پناهندگان و آوارگان ایرانی هیچگونه اقدامی نمی‌نمایند.

از چند سال قبل بدین سوه همه آتن با همکاری دولت یونان و آوارگان و پناهندگان ایرانی را در کمپ پناهندگان واقع در شهر " لاورینو" ( *Lavrio* ) اسکان می‌ناده است ولی از چند ماه پیش ایرانیان مستقر در این کمپ را اخراج نموده‌اند همچنین هتلی به نام " کاپروستی" ( *Cairo* ) در یکی از محلات کثیف آتن از سالها پیش به اسکان آوارگان و پناهندگان ایرانی اختصاص داده شده بود ولی پس از مدتی از پرداخت هزینه هتل نیز سر باز زد و ساکنان هتل نیز به ناچار کرایه هتل را پرداخت می‌نمودند ولی باوهم بی شرمی را به حد نهایت خود رسانده و ایرانیان مستقر در هتل را اخراج نموده‌اند و که در نتیجه در حال حاضر نیز تا همین مسکن به عهده خود آوارگان و پناهندگان می‌باشد. مشکل تا همین مسکن از یک سو به خاطر پائین بودن سطح حقوق ماهانه متاهلین و عدم پرداخت حقوق ماهانه به مجربین و از سوی دیگر تحت تاثیر شرایط خاص کشور

دریافت تاریخ اولین مجامعه بدون برخورداري از هیچگونه امکاناتی از سوی دولت یونان و پارسه آتن، با توجه به مشکلات بی شمار زندگی در خارج از کشور تا مدتگی طولانی مسئولیت حفظ خود و خانواده شان را برعهده دارند. گذشته از همه مسائل فوق، آتن، جهت رسیدگی به مشکلات پناهندگان و آوارگان از مرحله اخذ تقاضای پناهندگی تا مراحل بعدی به طور کلی با کمبود پرسنل مواجه می باشد. به طوری که به خاطر کمبود وکیل مجامعه گره متقاضیان پناهندگی در روز مجامعه ساعتی متمادی را در انتظار انجام مجامعه سپری می سازند و سرانجام نیز به خاطر خستگی مفرط جسمانی و روانی نمی توانند مسائل و مشکلات خود را به نحوی صریح و روشن برای وکلا بازگو نمایند که این امر تاثیر بسیاری در پذیرش تقاضایشان به جا می گذارد؛ همچنین وجود تنها یک نفر مترجم رسمی برای مجامعه با خیل بی شمار آوارگان و پناهندگان ایرانی نیز مشکل دیگری بر بقیه مشکلات افزوده است.

حال با توجه به تمام موارد فوق، اوضاع اسفبار زندگی پناهندگان و آوارگان ایرانی در یونان در خور توجه عمیق و جدی از سوی مسئولین و مراجع نیربط می باشد تا از بروز هرگونه ضایعه و فاجعه ای جبران ناپذیر، جلوگیری کنند.

جمعی از پناهندگان و آوارگان ایرانی - یونان

۹۰/۵/۱۹



مادر انقلابی رفیق  
روح انگیز دهقانی

این دو موسسه را نیز در جای خود افشا خواهیم کرد. پناهندگانی که تا به حال به کشورهای پناهنده پذیر اعزام شده اند، صرفاً پناهندگان متاهلی بوده اند که از طریق دو موسسه مذکور و آن هم، فقط به کشور کانادا اعزام شده اند که به خاطر اینگونه محدودیتها و در حالیکه تعداد بسیاری از پناهندگان در انتظار اعزام بسر میبرند، هر ساله فقط تعداد اندکی از آنان به کانادا اعزام شده اند.

مهمتر از همه اینها، از اواسط سال ۱۹۸۹ میلادی بدین سوّه مسئولین پارسه آتن به آوارگان ایرانی توصیه نموده اند که به خاطر اینکه اقامت آنان در کشور یونان تا به هنگام اعزام به کشورهای پناهنده پذیر جنبه قانونی نباشد، با شده به پلیس سیاسی آتن مراجعه کرده و تقاضای پناهندگی سیاسی نمایند و آوارگان ایرانی نیز با تصور اینکه معرفی به پلیس، صرفاً جهت دادن اطلاع به مقامات قانونی دولت یونان و انجام یکی از مراحل بوروکراتیک اخذ پناهندگی از پارسه آتن می باشد، خود را به پلیس سیاسی آتن معرفی کرده و تقاضای پناهندگی سیاسی از دولت یونان نموده اند. حال پارسه آتن با عنوان کردن اینکه شما متقاضیان پناهندگی از دولت یونان هستید و تصمیم نهایی را در مورد شما، دولت یونان اتخاذ خواهد نموده از انجام وظایف خود مبنی بر حمایت و اعزام پناهندگان خودداری می نماید.

علاوه بر اینها، اعلام پذیرش پناهنده از سوی دولت یونان، مشکلات جدید و خاصی را در مقابل پناهندگان و آوارگان ایرانی قرار داده است. به طوری که از آغاز سال جاری مسیح، پارسه آتن با صدور بیانیه ای، اعلام نموده که به واسطه پذیرش تقاضای پناهندگی سیاسی از سوی دولت یونان، از این پس متقاضیان پناهندگی را تحت پوشش قرار نخواهد داد و صرفاً نقش مشاورتی و همیاری در پیرویه تقاضای پناهندگی متقاضیان را ایفا خواهد کرده به همین خاطر متقاضیان را پذیرفته و برایشان تشکیل پرونده می دهد که قبلاً به پلیس سیاسی آتن مراجعه کرده و تقاضای پناهندگی سیاسی از دولت یونان نموده باشند. از آن سوّه پلیس سیاسی آتن نیز پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای متقاضیان، وعده های ملاقات طولانی مدت که در بعضی موارد تا ۶ ماه نیز می باشد برای آنان تعیین می نماید و در این مدت آوارگان ایرانی از هیچگونه کمک و مساعدتی از سوی دولت یونان برخوردار نیستند. در نتیجه، آوارگان ایرانی، پس از ثبت نام و



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق  
قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را  
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،  
به پیش رویم!"  
(ما توتسه دون)

- ۰۰/۴/۸ عسکر حسینی ابرده
- ۰۰/۴/۸ محمدمهدی نوقانی
- ۰۰/۴/۸ علی اکبر وزیری
- ۰۰/۴/۸ غلامعلی خراط پور
- ۰۰/۴/۹ حمید آرین
- ۰۰/۴/۹ بهزاد امیری دوان
- ۰۰/۴/۱۰ افسرالسادات حسینی
- ۰۰/۴/۱۰ نادره احمد قاسمی
- ۰۰/۴/۱۰ سیمین توکلی
- ۰۰/۴/۱۰ حمید زیان کرمانی
- ۰۱/۴/۱ کاظم غبرائی
- ۶۰/۴/۳ اسمر آتری پام
- ۶۰/۴/۷ علی حمیدی منشی
- ۶۰/۴/۸ روح انگیز نغانی
- ۶۰/۴/۸ نوروز قاسمی
- ۶۰/۴/۸ بهزاد (مهدی) مسیحا
- ۶۰/۴/۸ حسین تنگستانی
- ۶۰/۴/۲۳ قنبر ارفند
- ۶۰/۴/۲۷ علیرضا فارسیان
- ۶۰/۴ عبدالحمید عنانی شیوان
- ۶۰/۴ کریم فتحی
- ۶۱/۴/۲۸ حمید فضل الهی
- ۶۲/۴/۲ ناصر فضل الهی
- ۶۲/۴ منصور علمبرادی
- ۶۲/۴ اکبر فلاح
- ۶۰/۴ رمضانعلی دلسوزمقدم

## شهیدای خرداد و تیر ماه چریکهای فدائی خلق ایران

### روز شمار خرداد و تیر ماه

- ۰۰/۳/۳ شهادت امیرپرویز بویان از  
بنیانگذاران چریکهای فدائی خلق  
ایران و رفقا: اسکندر مادی نژاد  
و رحمت الله بیرونذیری
- ۰۱/۳/۴ شهادت مجاهدین خلق محمد  
حنیف نژاده، سعید محسن و علی امیر  
بدیع زادگان و محمود عسگری زاده و

رقبا:	نام شهید	تاریخ شهادت	نام شهید	تاریخ شهادت
حسن نیک داودی	حمید میرشکاری	۶۲/۳/۲۰	رضا زارع	۶۲/۳/۳۳
امیر پرویز بویان	کاظم سلامی	۰۰/۴/۱۴	احمد خرم آبادی	۰۰/۴/۱۴
اسکندر مادی نژاد	مارتیک قازاریان	۰۴/۴/۶	محمود عظیمی بلوریان	۰۴/۴/۶
رحمت الله بیرونذیری	نزهت السادات روحی آهنگران	۰۴/۴/۶	بنالله زارع کاربزی	۰۴/۴/۶
بهروز نغانی	عبدالله سمیدی بیدختی	۰۴/۴/۲۰	نسترن آل آقا	۰۵/۴/۳
حسن معصومی ممدانی	گلرخ مهدوی	۰۵/۴/۳	حمیدرضا هزارخانی	۰۵/۴/۳
حبیب برادران خسروغاهی	حمیدرضا هزارخانی	۰۵/۴/۳	ناد علی پورنغمه	۰۵/۴/۳
علیرضا شهاب رضوی	مریم شاهی	۰۵/۴/۳	مریم شاهی	۰۵/۴/۳
حسین سلامی	غلامعلی پورنغمه	۰۵/۴/۳	غلامعلی پورنغمه	۰۵/۴/۳
خسرو تره گل	حمید اعرف	۰۵/۴/۸	حمید اعرف	۰۵/۴/۸
مریم شاهی	یوسف قانع خوک بیجاری	۰۵/۴/۸	یوسف قانع خوک بیجاری	۰۵/۴/۸
مینا طالب زاده عوفتاریان	غلامرضا لایق مهربانی	۰۵/۴/۸	غلامرضا لایق مهربانی	۰۵/۴/۸
علیرضا رحیمی علی آبادی	محمدرضا بشری	۰۵/۴/۸	محمدرضا بشری	۰۵/۴/۸
حسین موسی دوست دموجالی	فاطمه حسینی	۰۵/۴/۸	فاطمه حسینی	۰۵/۴/۸
رفعت معماران پناپ	محمد حسون حقنواز	۰۵/۴/۸	محمد حسون حقنواز	۰۵/۴/۸
سلیمان بهیوسته حاجی معله	ظاهر خرم	۶۲/۳/۱۷	ظاهر خرم	۶۲/۳/۱۷
اسماعیل هادیان				
جواد باقری				
بهوش آتریون				
منوچهر ویسی				
مختار نیک نژاد				

هرچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

حکومت دکتر مصدق

- ۶۰/۳/۳۰ تظاهرات خونین مردم تهران
- ۶۰/۳/۳۱ عبادت محسن فاضل از اعضای سازمان بهنگار
- ۶۰/۳/۳۱ عبادت شاعر انقلابی فدائی خلق سعید سلطانپور
- ۶/۲۴ تأسیس انترناسیونال دوم ۱۸۸۹
- ۱۲۹۸/۴/۲ تأسیس حزب کمونیست ایران
- ۴/۲۳ برابر با ۱۴/ ژوئیه فتنه زندان باستیل و پیروزی انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹
- ۱۳۰۲/۴/۱۲ عبادت شاعر مردمی میرزاده عقیلی بنیست رژیم مسزور رضا خان
- ۴/۲۷ برابر با ۱۸/ ژوئیه ۱۹۳۶ آغاز جنگ داخلی اسپانیا
- ۱۳۱۸/۴/۵ عبادت شاعر مردمی لرغسی یزدی
- ۱۳۲۴/۴/۱ اعتصاب کارگران پالایشگاه آبپاشان برای اضافه دستمزد
- ۱۳۲۵/۴/۲۳ اعتصاب کارگران نفت جنوب و عبادت ۴۶ تن و زخمی شدن ۱۷۰ تن از کارگران
- ۱۳۳۱/۴/۳۰ قیام مردم و بازگشت مصدق به نخست‌وزیری
- ۴/۲ تأسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن ۱۹۶۹
- ۴/۴ استقلال موزامبیک ۱۹۷۵
- ۵۵/۴/۸ عبادت جرید فدائی خلق رفیق کبیر حمید اشرف و همزمانی
- ۱۳۵۸/۴/۳۱ کوچ مردم مریوان در اعتراض به تهدیدات جمهوری اسلامی
- ۱۳۶۰/۴/۷ انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و بهلاکت رسیدن صدای از سردمداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

- عبدالرسول مفکین فام از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران
- ۳/۲۷ مطابق با ۲۸/ مه ۱۸۲۱ شکست کمون پاریس و تهر باران کموناردها
- ۵۸/۳/۹ سرکوب خلق عرب در چهارمهر سیاه به سردمداری مدنی مزدور
- ۱۳۱۰/۳/۱۰ تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه توسط رضا خان پهلوی
- ۱۲/۳/۱۳ اعدام و حبسانه ۵۹ تن از مردم مهاباد
- ۱۲۹۹/۳/۱۴ اعلام جمهوری گیلان
- ۳/۱۵ مطابق با ۵/ ژوئن ۱۹۶۷ تأسیس دولت موقت انقلابی خلق ویتنام جنوبی
- ۱۳۴۲/۳/۱۵ قیام خونین مردم تهران
- ۵۹/۳/۱۵ حمله به خوابگاههای دانشجویی در ادامه توطئه به اصطلاح انقلاب فرهنگی
- ۳/۱۵ قیام مسلحانه گیلان به رهبری میرزا کوچک خان
- ۳/۱۹ مطابق با ۹/ ژوئن ۱۹۶۵ آغاز مبارزه مسلحانه جبهه خلق برای آزادی عمان (ظفار)
- ۱۳۳۷/۳/۲۳ اعتصاب کارگران کوره - یزخانه
- ۳/۲۵ مطابق با ۱۵/ ژوئن ۱۹۴۸ اشغال فلسطین
- ۵۲/۳/۲۵ عبادت رضا رضائی از اعضای مرکزیت مجاهدین خلق ایران
- ۳/۲۶ مطابق با ۱۶/ ژوئن ۱۹۲۸ تولد ارستو چه گوارا انقلابی کبیر در آرژانتین
- ۱۳۴۹/۳/۲۶ عبادت مهندس حسن نیک - فاودی اولین شهید جریدهای فدائی خلق ایران
- ۱۳۳۰/۳/۲۹ اجرای قانون خلق بد از حرکت نفت ایران و انگلیس توسط

گواهی از زبان لوله

از صحنه ۶۱

- ماعین لباسشویی با عهك كن يك دستگاه ۲۰ هزار تومان
- آبپوه گهري يك دستگاه ۱۲ هزار تومان
- چارو برقی يك دستگاه ۲۱ هزار تومان
- چرخ گوشت يك دستگاه ۷ الی ۸ هزار تومان
- چراغ گاز طباشیری يك دستگاه ۳۰ هزار تومان
- ظروف چینی يك سرویس حدائق ۲۰ هزار تومان
- فرش ماعینی ۱۲ متری يك تخته ۲۸ الی ۳۸ هزار تومان
- موکت به قیمت دولتی يك متر ۲۰۰ تومان - آزاد ۵۰۰ تومان
- بهنگان صفر کیلو متر يك دستگاه
- يك میلیون و ۱۰۰ هزار تومان
- بهنگان مدل ۵۰ يك دستگاه ۳۰۰ هزار تومان
- اجاره بهای يك واحد دو اتاق خوابه در خزانه ۴ الی ۵ هزار تومان همراه با ۳۰۰ هزار تومان و دهمه



بهشمرکه قهرمان رفیق شهید  
حمید میرشکاری



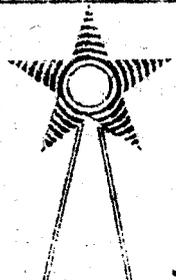


**نگارشی هیات تحقیق در خدمت  
عظمت روزم جنابشکار  
جمهوری اسلامی**

اعلام قبول سفر هیات تحقیق سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی و کارزار تبلیغاتی غوامر بیانه‌ای که امیرالیستها و وابستگان شان مبنی بر "عقب نشینی" رژیم جمهوری اسلامی از جنایات پدین و "نشانه‌های تفهیر رویه" از دیکتاتوری به دیکراسی به راه انداختنده از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (هورای عالی) یکبار دیگر چهره یکی از برجسته‌ترین سازشکاران و کوتاه بینان در صفوف جنبش انقلابی را جلوه‌گر نمود. نگاهی به "فراخوان" این سازمان خطاب به "مردم به مناسبت ورود هیات ویژه کمیسیون حقوق بشر" مؤید این واقعیت است. سچفا (هورای عالی) که در آغاز ورود این هیات سر از پا نمی‌شناسد در "فراخوان" خود آن را "سرفصل مهمی" در مبارزات مسرمد خوانده و می‌گوید: "فردا اول بهمن ماه" "سرفصل مهمی" از مبارزات ضد استبدادی مردم مابده شمار می‌رود. فردا هیات‌های ویژه از سوی سازمان ملل متحد برای قضاوت و ثبت بیثباتی که بازده سال است بر ما روا می‌گردد به ایران می‌آید. این هیات موظف است پیرامون شکنجه در صفحه ۴۱

از مرک نیز نیرومندتر برخاسته و با خنجره دوسه داشتتیت خواندی آوازهای سرخ و بلندت را روی فلات خفته‌ترینند: "بربا برهنگان، بربا گرسنگان بربا ستمگان"

گرامی باد خاطره رفیق کبیر امیر پرویز پویان از بنیانگذاران چریکهای فدائی خلق ایران که اندیشه و عملش راهگشای جنبش کمونیستی بود.

<p>با کمکهای مالی خود چریکهای فدائی خلق ایران را یاری رسانید</p>	<p><b>در تکثیر آثار سازمانی بکوشید</b></p>
 <p>ساعات پخش: ۹ شب و ۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد ردیف ۷۵ متر صدای چریکهای فدائی خلق ایران</p>	<p>برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:</p> <p>انگلستان فرانسه</p> <p>F. S B. P. - 181 75623 PARIS CEDEX 13 FRANCE</p> <p>BM BOX 5051 LONDON WCIN 3XX ENGLAND</p>

**برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!**